

ماهنامه اقتصادی

# کارایی

سال هشتم . دوره جدید  
شماره ۲۷ . بهمن ۱۳۹۵  
۶۸ صفحه . قیمت ۵۰۰۰ تومان

جمشید برزگر و اصغر ایزدی جیران

## حاشیه نشینی از دو نگاه



پرونده ویژه فقر:

## متنی در حاشیه



سازمان مدیریت صنعتی

نماینده گی های شمالغرب



# دوره مدیریت حرفه ای کسب و کار

(Doctorate of Business Administration)

## مخاطبین دوره

مدیران ارشد و میانی بنگاه های اقتصادی - مشاوران ارشد کسب و کار - کارشناسان ارشد بنگاه های تولیدی و خدماتی

## هدف دوره

هدف اصلی این دوره تربیت مدیران حرفه ای و آینده نگر است تا با دانش و مهارت های مدیریت کسب و کار آشنا شوند و بتوانند در تدوین جهت گیری های راهبردی و همچنین حل مسائل واقعی محیط کار موثر باشند. این دوره همچنین برای پاسخ دهی به نیاز تصمیم گیرندگان در صنایع مختلف طراحی شده است، تا ضمن آشنا کردن آن ها با دانش نوین در زمینه مدیریت کسب و کار در عرصه های رقابتی، آنان را برای ایفای موثر و کارآمد نقش معمار سازمانی تجهیز نماید.

✓ مدارک دوره های MBA و DBA سازمان مدیریت صنعتی توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت، به منظور جذب و بکارگیری در بنگاه های صنعتی، معدنی و تجاری کشور ارزیابی می گردد.

✓ مطابق آیین نامه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، هر سال دوره آموزشی بلند مدت سازمان مدیریت صنعتی در طرح طبقه بندی مشاغل معادل یک و نیم سال تجربه محسوب می شود.

ارومیه ۰۴۴-۳۳۳۴۶۶۱۵۰

خیابان عمار-خیابان حج- سازمان مدیریت صنعتی آذربایجان غربی

تبریز ۰۴۱-۳۳۳۳۳۳۶۰۰

کوی ولیعصر- انتهای خیابان شهریار شمالی-۲۰ متری صفا-سازمان مدیریت صنعتی آذربایجان شرقی

زنجان ۰۲۴-۳۳۳۴۴۰۹۸۷

شهرک کارمندان- فاز ۳- خیابان اول- سازمان مدیریت صنعتی زنجان

اردبیل ۰۴۵-۳۳۷۴۹۳۱۴

کارشناسان-بالانتر از میدان وصال- سازمان مدیریت صنعتی اردبیل



سازمان مدیریت صنعتی  
نماینده گسی آذربایجان شرقی

## English for Commercial Communication and Correspondence

انگلیسی برای مکالمات و مکاتبات تجاری


**IMIILA**  
I.M.I. LANGUAGE ACADEMY

نمابر: ۳۳۳۷۹۹۵۹

۵۹-۳۳۳۷۹۹۵۵

imi.azar 

www.imiazar.ir

<https://telegram.me/imiazar> 

آدرس: آبرسان - جنب هتل تبریز- کوی پناهی - دفتر آموزش های تخصصی سازمان مدیریت صنعتی آذربایجان شرقی



سازمان مدیریت صنعتی

نمایندگی‌های شمالغرب

دفتر آموزشهای تخصصی

## دوره های فناوری اطلاعات کارکنان دولت

با مجوز رسمی از سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور

### مدیران ارشد

نام دوره	مدت دوره
• دولت الکترونیکی	۸
• مهارت های سازمانی فناوری	۱۰
• اطلاعات و ارتباطات	

### عموم کارکنان دولت

نام دوره	مدت دوره
• مهارت های حرفه ای و اداری کار بارایانه	۲۲
• مدیریت ابزار و اطلاعات سازمانی	۱۴
• مفاهیم و کلیات دولت الکترونیک	۸
• شبکه و امنیت اطلاعات در سازمان ها	۸

### مدیران و کارشناسان فناوری اطلاعات و ارتباطات

نام دوره	مدت دوره
• حاکمیت فاوا	۱۲
• مدیریت خدمات فاوا و ITIL	۱۲
• مدیریت فرآیند های سازمانی	۱۲
• معماری فناوری اطلاعات سازمانی	۲۰
• تحلیل و طراحی سیستم	۱۶
• مهندسی شبکه	۳۰
• مدیریت امنیت اطلاعات	۲۰
• مدیریت پروژه های فناوری اطلاعات	۱۲
• رایانش ابری	۸
• مهاجرت به نرم افزار های آزاد متن باز	۱۶

www.imiazar.ir

زنجان

۰۲۴-۳۳۴۴۰۹۸۷

اردبیل

۰۴۵-۳۳۷۴۹۳۱۴

ارومیه

۰۴۴-۳۳۴۶۶۱۵۰

تبریز

۰۴۱-۳۳۳۷۹۹۵۵-۸

imi.azar

www.imiazar.ir

https://telegram.me/imiazar



ماهنامه اقتصادی

# کارابی

با بیش از ۵۰ هزار مشترک الکترونیکی

## فرم اشتراک ماهنامه کارابی

حق اشتراک ۱۲ شماره در سال ۱۳۹۵ با پست سفارشی ۶۰۰۰۰۰ ریال

حق اشتراک ۶ شماره در سال ۱۳۹۵ با پست سفارشی ۳۰۰۰۰۰ ریال

لطفا مبلغ اشتراک را به حساب جاری ۹۷۱۷۰۷ بانک سپه، شعبه ۲۹ بهمن تبریز به نام سازمان مدیریت صنعتی تام آذربایجان واریز نموده فیش بانکی یا فیش تایید را به همراه فرم تکمیل شده به آدرس نشریه یا به شماره ۳۳۲۹۷۳۷۷-۰۴۱ فکس نمایید.

به پیوست فیش بانکی به شماره ..... به مبلغ ..... بابت حق اشتراک ماهنامه کارابی ارسال می شود

--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--

نام .....

--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--

نام خانوادگی: .....

آدرس پست الکترونیک: .....

نشانی: .....

کدپستی: ..... تلفن: .....

آدرس دفتر نشریه : تبریز، کوی پرواز، خیابان شهید بابایی، کوچه شبنم ششم، پلاک ۳۲

فهرست

۶	رویدادها
۸	پرونده
۹	متنی در حاشیه
۱۱	قصه ناتمام فقر در تبریز
۱۴	اقتصاد آزاد، فرصت‌های فقرزدایی
۱۶	شریک شدن در رنج‌های فقر
۱۸	بخت گمراه
۲۲	گزارش تصویری
۲۴	حلقه حاشیه نشینی، فضای انباشت رنج‌های بی‌انتها
۲۷	گفتمان‌های عدالت در دولت‌های پس از انقلاب
۲۹	کیفیت زندگی مددجویان
۳۱	کاهش فشار فقر، اولویت اول
۳۳	برنامه‌ریزی توسعه روستایی
	ضرورت نقش نهادهای حکومتی در «فقرزدایی»
۳۶	نگاه
	«آتش نشانان»، فداکاران سیاست گذار
۳۸	پرونده
۳۹	انقلاب اسلامی
۴۱	مفهوم «انقلاب» در نگرش‌های «سیستمی»
	هویت ناشناخته انسان انقلاب اسلامی ایران در عصر مدرن
۴۶	گزارش
	مدیر صنعتی موفق، سردار جنگ
۴۸	مقاله
	دادرسی الکترونیکی، کار آبی عدالت
۵۱	پرونده
	تبریز ۲۰۱۸
	اولویت‌های برنامه‌ریزی برای رویداد تبریز ۲۰۱۸
۵۳	سبز
	مدیریت بحران برف و یخبندان

ماهنامه کارایی، سال هشتم، دوره جدید، شماره ۲۷، بهمن ماه ۱۳۹۵

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: توفیق رسولی مجارشین  
 سر دبیر: محمد حسن خیرآور  
 دبیر تحریریه: الناز علیزاده اشرفی  
 دبیر اجرایی: سپیده جلالی  
 شورای سیاستگذاری: دکتر محمد باقر بهشتی، دکتر فرخ مسجدی، دکتر داود بهبودی، غلامعلی حیدر نیافتج‌آبادی، حمیده علیزاده اشرفی، احد عابدینی بیرنگ، جواد جهانگیر  
 تحریریه: دکتر علیرضا بافنده زنده، دکتر صمد عالی، دکتر فرزاد ستاری اردبیلی، دکتر اسماعیل مردانی گیوی، محسن افسر قره باغ، امیر کریم‌زاد شریفی  
 همکاران این شماره: شهروز تهامی نسب، صادق پورصادق، آصف حاجی زاده، فهیم مطوری، اصغر فیضی‌پور، بهناز السادات واعظ مدنی، اصغر ایزدی جیران، مینا نوعی  
 با سپاس از همکاری: علی نیک‌رمز، جواد یعقوبی، حسن ولی‌لو، سونیا خامنه  
 دفتر مرکزی: تبریز، خیابان سعدی، کدپستی ۵۱۷۳۹۵۳۸۳۹

دستر نشریه: تبریز- کوی پرواز- خیابان شهید بابایی- کوچه ششم ششم- پلاک ۳۲  
 تلفن: ۰۴۱-۳۳۳۳۳۶۰۰  
 دفتر تهران: خیابان ولی‌عصر- بالاتر از میدان ونک- نبش کوچه نگار- برج نگار- طبقه ۱۰- واحد ۱۰  
 تلفن: ۰۲۱-۸۸۶۴۱۴۷۲  
 وب سایت کارایی: www.karaye.ir  
 پست الکترونیک: karayi.magazine@gmail.com  
 کانال رسمی ماهنامه کارایی در تلگرام: Telegram.me/karayi  
 صفحه رسمی ماهنامه کارایی در اینستاگرام: karayi.magazine  
 ۱- کارایی آمادگی دارد تا پذیرای نقطه نظرات همه صاحب نظران باشد.  
 ۲- مطالب منتشر شده لزوماً بیانگر دیدگاه‌های این نشریه نمی باشد.  
 ۳- کارایی در ویرایش و تلخیص مقالات ارسالی با نظر صاحبان اثر آزاد است.



## سرمقاله

از جمله ی چیزهایی که مردم را به بهشت نزدیک میکند، بهبود معیشت مردم است؛ کاذب الفَقْرُ آن یَکونَ کفرا. جامعه‌ای که در آن فقر باشد، بیکاری باشد، مشکلات معیشتی غیر قابل حل وجود داشته باشد، اختلاف طبقاتی باشد، تبعیض باشد، شکاف طبقاتی باشد، حالت آرامش ایمانی پیدا نمی‌کند. فقر، انسان‌ها را به فساد می‌کشاند، به کفر می‌کشاند؛ فقر را باید ریشه کن کرد. کار اقتصادی، فعالیت اقتصادی باید به طور جدی در برنامه‌های مسئولین قرار بگیرد، که خب امروز بحمدالله مسئولین دنبال این چیزها هستند. فکرها را باید منتظم کرد، راه را باید درست تشخیص داد، درست باید حرکت کرد.

## اهمیت استقلال به مثابه یکی از اهداف اصلی انقلاب اسلامی

بدیهی است که مهم ترین نکته در تحولات اجتماعی به ویژه تحول عظیمی مثل انقلاب اسلامی، بحث «هدف مندی» است. لذا در نگاه کلان به انقلاب اسلامی، توجه به هدف مردم و انقلابیون از این حرکت ضروری است. بدون شک دستیابی به استقلال و آزادی، دو هدف اصلی انقلاب به شمار می‌روند. موضوعی که رهبر معظم انقلاب در مناسبت‌ها و موقعیت‌های مختلف از جمله در جمع مردم شیراز (۱۳۸۷/۰۲/۱۲) بر آن تصریح و تاکید فرموده اند: «هدف ملت ایران - که از هر کسی که سؤال می‌کردیم، به زبان‌های گوناگون این هدف را می‌گفت - این بود که بتواند در سایه اسلام، استقلال و آزادی به دست بیاورد. این شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» که در دوران انقلاب رایج بود، حرف دل مردم بود و مردم این را می‌خواستند... مردم ایران با کسب استقلال و آزادی در سایه اسلام، به دنبال تأمین سعادت و رفاه دنیوی و سربلندی معنوی و اخروی خود بودند... به دنبال ساختن ایرانی مستقل، آزاد، برخوردار از ثروت و امنیت، متدین و بهره‌مند از معنویت و اخلاق، پیشرو در مسابقه جامعه عظیم بشری در علم و بقیه دستاوردها بودند...» (مجله معارف ۱۳۸۷، شماره ۵۷).

با این وصف و به ضرس قاطع می‌توان گفت که جمهوری اسلامی حامل رویکردی است که مفهوم استقلال، بخش جدایی ناپذیر از آن را تشکیل می‌دهد و مفهوم اقتصاد در این میان، یک موضوع فردی و شخصی نیست بلکه موضوعی عمومی و در کل، ملی است و سلامت آن متکی به فضای فکری مستقلی است که جغرافیای جمهوری اسلامی در آن معنا، شکل می‌گیرد. اما واژه استقلال به چه معناست و چگونه می‌توان به آن دست یافت و دستاوردهای آن را حفظ نمود.

استقلال در علوم تاریخ و جغرافیای سیاسی غالباً به تولد یک دولت-کشور جدید اطلاق می‌گردد، به این مفهوم که مردم جغرافیایی خاص، پتانسیل ایجاد حاکمیتی را می‌یابند که برنامه‌ها و تصمیم‌گیری‌هایشان صرفاً به جهت تأمین سعادت ایشان و بدون تأثیر و در نظر گرفتن منافع دیگران تنظیم و اتخاذ گردد. به عبارت دیگر این واژه در شرایطی به کار می‌رود که تحت آن یک دولت-کشور، حاکمیت مورد نظر خود را با یکپارچگی کامل در طول مرزهایشان برقرار سازند و آزادی و توانایی اتخاذ تصمیمات مرتبط با خود را بدون نیاز به استفاده از کمک، ثروت و یا اخذ مجوز از دیگران به دست آورند. استقلال طلبی به صورت ذاتی در انسان مستتر است. زمانی که جمعی از کودکان، در زمین بازی به دو گروه جدا از هم تقسیم می‌شوند، به نوعی در حال تمرین نوعی استقلال به روش خاص خود هستند. کودکانی که به دلایل مختلف، علاقه و اشتراکی جهت همکاری با گروه دیگر احساس نمی‌کنند و می‌خواهند آزاد از تأثیرات ایشان به بازی خود ادامه دهند. بدون شک همین میل ذاتی انسان به استقلال، یکی از عوامل مهمی است که سبب گردیده مبارزات بسیار پرهزینه (بعضاً خونین و تراژیک)، در طول تاریخ برای دستیابی به آن ثبت گردد.

استقلال در اشکال متفاوتی ظاهر می‌شود، اما بدون شک استقلال اقتصادی پیش نیاز دستیابی و حفظ دستاوردهای سایر وجوه آن به شمار می‌رود. بسیاری از کشورها همچنان قادر نیستند بدون دریافت کمک‌های مالی خارجی نیازهای ابتدایی خود و جمعیت کشورشان را برآورده سازند و همین

معادله و توازن قدرت را به سوی ارائه دهنده کمک تغییر می‌دهد. موضوع حیاتی که باید بدان توجه گردد این است که دستیابی به استقلال اقتصادی، بدون تسلط بر منابع خود، و همچنین آگاهی از نحوه مدیریت بهینه آن‌ها ممکن نخواهد بود. این اصل در طول تاریخ به آسانی قابل مشاهده است که هر گاه دولت و ملتی از منابع خود شناختی دقیق نداشته و یا نحوه استفاده بهینه و بهره‌ور آن‌ها را نمی‌دانستند، وابستگی بیشتر و بیشتری به دیگران یافته‌اند. کشوری که بداند چه منابعی در اختیار دارد، از نحوه دسترسی به آن‌ها آگاه باشد و به چگونگی بهره‌مندی از آن، عالم‌گرد به تنها عامل ضروری برای حفظ قدرت در ارتباط با دیگران دست یافته است و چنین کشوری است که همواره با رساندن صدای خود به دیگران در مذاکرات دست بالا را خواهد داشت. لذا، اگر استقلال اقتصادی یک جامعه‌ای دچار اختلال شود یعنی در مسأله اقتصاد نتواند متکی بر تصمیمات خود شود و بر روی پای خود بایستد، سخن از استقلال سیاسی و سایر اشکال آن نیز چندان محلی از اعراب نخواهد داشت. البته بدیهی است که نمی‌توان میان مفهوم استقلال و انفعال و انزوا در روابط و مبادلات جهانی، رابطه‌ی این‌همانی برقرار نمود. بلکه استقلال، مفهوم معطوف به گسترش روابط در مسیر توازن‌ها، تبادل‌های مبتنی بر حصول منفعت‌ها و رهایی از استحاله‌ها است. لذا مستقل، به آسانی کنار نمی‌رود و به آسانی فروخورده نمی‌شود و امکان‌هایی از قرار گرفتن در محدودیت‌ها را همیشه داراست.

در نگاه از منظر استقلال، «حوزه» بندی نیز فاقد معناست یعنی استقلال هم حوزه‌ی فردی را پوشش می‌دهد و هم حوزه‌ی جمعی و کشوری را. شاید بتوان گفت، عدالت اجتماعی بر وضعیتی اشاره و تأکید دارد که حافظ استقلال فرد در گستره‌ی اجتماعی است. پیداست، انسان چه به صورت فردی و چه در حوزه زیست جمعی، در تقلاست تا «نیازهای ضروری» خویش را برای بقاء تأمین نماید. در نگاه خرد، «استقلال» آن بخش از نگاه فکری را شامل می‌شود که امکان ترسیم یک فضای معنایی‌ای را ممکن سازد تا تک‌تک انسان‌ها در چارچوب آن معاش خود راه‌فارغ از ابزارگشتگی و متکی بر تصمیمات ذات خویش یعنی مبتنی بر منافع و مصالح خود، تأمین نمایند. انسان‌های فقیر و در حاشیه قرار گرفته، بیشتر از همین جهت آسیب‌پذیرند که فرایند تصمیم‌سازی‌هایشان دچار اختلال گردیده و ضرورت‌های وابستگی، استقلال فردی‌شان را تهدید می‌کند و سوال اساسی این است که آیا بدون افراد مستقل، می‌توان صاحب مجموعه‌های مستقل شد؟ یعنی با وجود این همه وابستگی‌ها و در شرایط پایبندی انسان، به نیازهای ضروری، نگاه‌هایی بخش و آزادی‌خواهی تا کجا و چگونه می‌تواند حافظ انسان مستقل باشد؟ با اینکه آموزه‌های اسلام، اصالت را به هویت روحی، اندیشه و تفکر داده است، اما زمانی که این اندیشه و تفکر در مسیرهای ناکجایاد خویش، از تأمین صحیح و درست نیازهای ضروری غافل می‌شود آسیب‌های جدی در حوزه‌ی فردی و جمعی گریبانگیر انسان این زمانی می‌شود. با این وصف می‌توان گفت که کشور فقیر و یا کشوری با مردمان فقیر هرگز نخواهد توانست به صورتی پایدار مستقل باشد و یا در صورت دستیابی به استقلال امکان حفظ دستاوردهای ارزشمند آن را در بلندمدت بیابد و همین موضوع ضرورت توجه به فقر و مدیریت اقتصادی بهینه را به جهت رهایی کامل از آن بیش از پیش مهم و ضروری می‌سازد.

آصف حاجی زاده

## تعرفه واردات ۸ کالای اساسی کاهش یافت



بر همین اساس، متن بخش‌نامه گمرک ایران به گمرکات اجرایی به شرح زیر است:

«به پیوست تصویر نامه شماره ۹۵/۲۱۰/۶۶۲۱۵ مورخ ۹۵.۱۱.۵ دفتر مقررات صادرات و واردات سازمان توسعه تجارت ایران منضم به تصویر مصوبه شماره ۱۲۶۰۶۹/ت/۵۳۸۸۵ ه مورخ ۹۵.۱۱.۲ هیات محترم وزیران در خصوص تعیین هشت ردیف حقوق ورودی کالاهای اساسی، حساس و ضروری به همراه تصویر اصلاحیه شماره ۵۳۸۸۵/۱۲۶۰۶۹ مورخ ۹۵.۱۱.۳ دبیر هیات دولت ارسال و خواهشمند است دستور فرمایید نسبت به ترخیص اقلام مورد اشاره بر اساس حقوق ورودی اعلامی با رعایت کامل مقررات اقدام نمایند. ضمناً طبق مفاد اصلاحیه مذکور، حقوق ورودی مصوب برنج سفید ۲۶ درصد می‌باشد.»

گمرک ایران بخش‌نامه تغییر حقوق ورودی هشت ردیف کالاهای اساسی، حساس و ضروری را ابلاغ کرد.

بر اساس تصمیم هیات دولت و اعلام این مصوبات توسط دفتر مقررات صادرات و واردات سازمان توسعه تجارت ایران، تعرفه واردات هشت ردیف کالاهای اساسی، حساس و ضروری به کشور تغییر کرده است.

بر اساس این تغییرات، تعرفه واردات برخی اقلام کشاورزی اساسی و ضروری نیز کاهش یافته است.

همچنین هیات دولت در ابتدا حقوق ورودی مصوب برنج سفید را پنج درصد اعلام کرده بود که یک روز پس از تصویب، با صدور اصلاحیه، تعرفه مصوب واردات برنج سفید را ۲۶ درصد اعلام کرد.



## رایزنان اقتصادی در توسعه بازارهای هدف نقش کلیدی دارند

مورد تاکید قرار گرفت، استفاده بیشتر از ظرفیت‌های رایزنان اقتصادی در جهت بهبود و تسهیل روابط و مبادلات تجاری با دیگر کشورها بود. در این زمینه حمیدرضا صالحی عنوان کرد: همان‌گونه که ما سفیران و رایزنانی را در حوزه‌های سیاست بین الملل و امنیت به کشورهای مختلف می‌فرستیم نیاز است در کنار آن رایزنان اقتصادی هم برای دستیابی به بازارهای صادراتی داشته باشیم.

عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی تهران معتقد است حضور رایزنانی که با موضوعاتی اقتصادی و تجاری آشنایی دارند در دیگر کشورها بسیار حائز اهمیت است، چراکه می‌تواند به شناسایی بازارهای هدف، بهبود روند صادرات و کسب درآمد ارزی برای کشور تاثیرگذار باشد. یکی از موضوعاتی که در جلسه هفته گذشته پارلمان بخش خصوصی با محمد جواد ظریف - وزیر امور خارجه کشورمان - از طرف فعالان اقتصادی



## تنوع صادراتی ایران به عراق کاهش یافت

عضو اتاق مشترک بازرگانی ایران و عراق گفت: صادرات ایران به عراق در هشت ماهه ابتدایی امسال نسبت به مدت مشابه سال قبل به لحاظ کمی شش درصد رشد داشته و اما به لحاظ تنوع کالایی با افت همراه بوده است. جهانبخش سنجابی شیرازی اظهار کرد: همیشه برای صادرات به عراق با موانع منطقه‌ای روبرو بوده‌ایم که علت آن هم علاوه بر سیاست‌ها و مجموع قوانین موجود، بیشتر به مداخلات استانی عراق در فعالیت بازارچه‌ها برمی‌گردد. وی ادامه داد: در ماه‌های اخیر به طور مقطعی صادرات‌مان از برخی مرزها از جمله مرز شلمچه با مشکلاتی مواجه بوده است. متأسفانه به دفعات با این واقعیت روبرو بودیم که صادرات‌مان به عراق با نوسان همراه بوده که عامل اصلی به غیر از سیاست‌های دولت مرکزی عراق، تفسیر متفاوت از قانون و مداخلات مقامات استانی عراق در چگونگی اجرای مقررات و ضوابط بوده است.

سنجابی شیرازی افزود: بر اساس آمار هشت ماهه ابتدایی امسال میزان صادرات ایران به عراق نسبت به مدت مشابه تغییر چندانی محسوس نداشتند و به لحاظ کمی شش درصد رشد داشتیم اما به لحاظ ارزش و تنوع کالایی با کاهش صادرات روبرو بوده‌ایم.



## بازار نفت بر دوراهی اوپک-شیل



تعطیلات طولانی سال نوی چینی ارتباط داده می‌شود زیرا در اکثر کشورهای آسیایی از جمله در چین و سنگاپور، حجم معاملات پایین بود. در همین زمان بر اساس پیش‌بینی آژانس بین‌المللی انرژی، کل تولیدات نفت خام آمریکا در سال ۲۰۱۷ به ۳۲۰ هزار بشکه در روز خواهد رسید که متوسط تولید سالانه نفت این کشور را به ۱۲/۸ میلیون بشکه در روز می‌رساند. به گفته کارشناسان، عوامل بنیادینی مانند رشد صادرات نفت ایران در ماه فوریه، رشد تولید از سوی لیبی و آمارهای بیکر هیوز از تعداد دکل‌های حفاری در آمریکا می‌توانند به نوسانات قیمت در بازار جهانی نفت شدت بخشند.

بازار جهانی نفت روزهای گذشته در واکنش به افزایش تولید نفت در آمریکا، با کاهش قیمت همراه بود. به این ترتیب در حالی که بازار نفت امید بسیاری به اثرگذاری توافق کاهش تولید داشت، حال روی تولید نفت شیل تمرکز کرده و نسبت به تحولات آن به عنوان عاملی که توافق کشورهای عضو و غیرعضو اوپک را تهدید می‌کند، نوسان می‌کند. به گفته کارشناسان، بازار نفت این روزها بر سر دوراهی بزرگ توافق کاهش تولید از یکسو و افزایش تولید نفت خام در آمریکا از سوی دیگر قرار گرفته است و در این میان نمی‌تواند مسیری برای خود معین کند. البته یکی دیگر از دلایل کاهش قیمت نفت خام به آغاز



متنی در حاشیه

## قصه ناتمام فقر در تبریز

سعید جلالی  
فعال اجتماعی فرهنگی



در بخش آثار خطی و نفیس کتابخانه ملی تبریز نگهداری می‌شود و لغات کلیدی بسیار مهمی در موضوع نوع‌دوستی از جمله واژه‌هایی مانند خیرات جاریه، دارالمساکین، ابواب البر، بیت‌التعلیم الیتام در آن وقف‌نامه مشاهده می‌شود که مطالعه در شیوه‌های یارگیری و دستگیری آن روزگار حائز اهمیت می‌باشد. به تعبیر شادروان استاد محمود عرفان مجموعه ربع رشیدی در تبریز در زمان ایلخانی را می‌توان نخستین بنیاد خیریه در ایران محسوب کرد.

تاریخ اولین زلزله‌ای که در شهر تبریز به صورت دقیق ثبت شده طبق جدول تنظیمی شادروان استاد یحیی ذکاء ۱۴ صفر ۴۳۴ هـ است فلذا تا به امروز حدود هزار سال از آن سپری گشته و همچنین آخرین زلزله‌ای که موجب ویرانی بسیار شدیدی شده و شهر را با خاک یکسان کرده است زلزله ۲۹ ذیحجه ۱۱۹۳ می‌باشد. با صرف نظر کردن از زنج‌های به جا مانده از آخرین زلزله مخرب شهر، مردم تبریز حوادث تلخ متنوعی را تجربه کرده‌اند. سیل‌های مکرر و قحطی‌های حاصل از عدم نزول باران، زمستان‌های سرد و طولانی و قحطی‌های مصنوعی که محاصره مستبدین با همکاری نظامیان روس تزاری در خیزش مردم در تبریز در عصر انقلاب مشروطه و بعد در ادامه قحطی بزرگ جنگ اول جهانی ۱۹۱۷ و در طول وقوع جنگ جهانی دوم بوجود آورده را می‌توان نمونه‌هایی از فراوانی ذکر کرد.

در کنار این اتفاقات که همه عامل شکاف در اقتصاد خانواده‌های فقیر و حتی متوسط گشته‌اند. همواره رده‌های حضور مردم نوع‌دوست را به صورت مستمر به عنوان اولین گام یک حرکت انسجام یافته که بعدها آن را نهادسازی با برنامه‌ریزی تعریف کرده‌اند می‌توان دید. که نمونه آن تشکیل انجمن خیریه تبریز به کوشش خیرخواهان طرفدار انجمن کوی نعلچی‌گران در آذر سال ۱۲۸۷ شمسی با نام دارالعجزه است که بعداً به دارالتربیه تغییر نام داد.

البته بعد از ایام ناصری که نسیم آزادی و روشنگری کم کم شروع به وزیدن کرد. مردم تبریز همراه با تغییرات سیاسی اقدام به تشکیل خیریه‌ها و انجمن‌های حمایتی کردند بعد از انقلاب مشروطه و برقراری جریان روشنگری و تجددخواهی در بدنه اجتماع تبریز، امر خیر و نیکوکاری هم تعریف دیگری پیدا کرد و هیات‌های معارف محلات اقدام به ساخت و تاسیس مراکز آموزشی و مدرسه نمودند که این کار در فرایند تحولات اجتماعی و فرهنگی نقطه عطفی محسوب گردید بدین ترتیب که اولین مدرسه به نام دبستان نوپر توسط هیات معارف محله نوپر در سال ۱۲۸۵ و مدرسه ابتدایی چرنداب و سپس مدرسه اسلامی شستربان و همچنین مدرسه حیات مابین محلات لیل آباد و اهراب و توسط هیات معارف محله خیابان مدارس جلالت و سالاریه دایر شد.

این حرکت‌های معارفی و فرهنگی بعداً زمینه‌ساز و بستری برای تشکیل شکل‌های دیگر، در راستای مقابله با فقر مردم مانند انجمن خیریه حمایت از خانواده‌های زندانیان تبریز ۱۳۰۶، انجمن محلی و خیریه لیل‌آباد ۱۳۰۸، بنگاه حمایت از مادران و نوزادان تبریز ۱۳۱۹ شد.

بعد از چندی در سال ۱۳۰۳ شعبه جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران در تبریز بعد از تهران در زمان رضاشاه توسط دولت تاسیس گردید که عده‌ای از بازرگانان و اعیان شهر عضو آن شدند که در

همان‌گونه که فقر و رفاه همزاد انسان‌ها هستند در نگاهی دیگر و همسو با آنان، عنصر همیاری و نوع‌دوستی برای بهبود شرایط و تبدیل فقر به رفاه، ریشه در زندگی اجتماعی انسان‌ها داشته است. در تاریخ اجتماعی بشر هیچ مقطعی از زمان و هیچ موردی از مکان خالی از سه پدیده فقر، رفاه و تلاش برای کاستن رنج فقر نمی‌باشد. در هر سرزمین و هر آبادی که فقر پدیدار گشته است به موازات آن تلاش‌های سخاوتمندانه با شیوه‌های منطبق با شرایط و آداب و سنن و فرهنگ بومی آن سرزمین آغاز گشته و تأثیر گذار بوده است.

هرچند درازای عمر فقر به اندازه عمر زیست بشر است ولی تعریف فقر و رفاه بعد از رنسانس و بویژه بعد از انقلاب صنعتی انگلیس کاملاً با گذشته تفاوت پیدا کرده؛ چون تغییر مشاغل و دگرگونی در درآمدهای حاصل از تلاش‌های نوین، موجب تولد طبقه جدید و در ادامه تغییرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تازه شده است. البته تعریف چندگونگی فقر بعد از جهانی شدن در اواخر قرن بیستم و تعریف شاخص‌های رفاه و نیازهای متنوع انسان عصر مدرن هم با دوران صنعتی شدن فرق دارد ولی آن‌چه که تغییر نه چندان از انقلاب صنعتی تا به امروز نکرده، قدرت موثر پدیده شهر و وجود شهروند است. هرچند این امواج چندین دهه بعد به ایران رسید و پدیده شهر و شهروندی نه مانند اروپا که با حضور مردم، بلکه به صورت عکس و با هدایت و خواست دولت‌های حکومت‌گر شکل گرفت. البته می‌توان اشاره کرد که یک حلقه مفقوده در موضوع پایدار بودن جریان فقر در اجتماع مشاهده می‌شود و آن تفاوت شهر و شهروند ایرانی با شهروند غربی است که این تفاوت به دلیل عدم وجود نهادها و سازمان‌های پایدار فقر ستیز در ایران بعد از انقلاب صنعتی و متقابلاً تأثیرگذاری گسترده این نهادسازی‌ها در مقابله با پدیده فقر در غرب بوده است.

به دلیل تقابل دولت‌های گذشته در ایران با اصل نهادسازی توسط مردم، مبارزه با فقر ابتدا در کشور ما به فقر معیشتی یا فقر مطلق که نیاز به غذا و رفع گرسنگی شاخص آن بوده، محدود می‌شده است؛ علاوه بر آن از گذشته رواج فرهنگ وقف به عنوان یک احسان ماندگار و جاری نشانه زنده این حضور معنوی بوده است، که از حسن تصادف موفق‌ترین نمونه این حرکت در شهر تبریز در عهد ایلخانی توسط خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی آغاز گشته است که در وقف‌نامه ربع رشیدی مندرج می‌باشد. در این وقف‌نامه واقف برای پشتیبانی از شکل‌گیری یک دانشگاه جامع به مدل امروزی مواردی را ترسیم کرده که بعد از گذر قرن‌ها اکنون هم قدرت الگوپذیری خود را حفظ کرده است. این اثر حالا

قضایای زلزله شهر سلماس در ۱۳۰۹ و در جریان سیل مهیب ۱۳۰۸ تبریز موسسات و انجمن‌های خیریه که به صورت خودجوش تاسیس شده بودند با همراهی شیر و خورشید به کمک مردم شتافتند.

بعد از این که در یازده اردیبهشت ۱۳۱۱ در مجلس هشتم در زمان صدراعظمی مخبرالسلطنه هدایت، قانون ثبت موسسات غیرتجاری مصوب گردید موسسات، هرچند بسیار محدود و معدود ولی دارای اساسنامه و آیین‌نامه شده و موسسات خیریه خود را به ثبت رساندند. بعد از سقوط رضاشاه در ۱۳۲۰ فضای اجتماعی و سیاسی کشور بازتر شد ولی بالعکس شرایط اقتصادی ناشی از وقوع جنگ دوم جهانی و حضور قوای کشورهای روس و انگلیس رو به وخامت گردید. در آن زمان موسسات خیریه‌ای در بازار و محلات تبریز با همکاری و هماهنگی دو قشر روحانیون و بازرگانان تشکیل یافتند که تعدادی از آنان به ثبت رسیدند و برخی از آن‌ها به شکوه گذشته ولی اکنون هم به حیات خود ادامه می‌دهند. به عنوان نمونه:

- انجمن خیریه تبریز به شماره ثبت ۱ در سال ۱۳۲۰

- مجمع خیریه تبریز به شماره ثبت ۲ در سال ۱۳۲۲

- جمعیت خیریه محله نوبر تبریز به شماره ثبت ۷ در سال ۱۳۲۶

را نام برد. البته خدمات امروزیین جمعیت خیریه نوبر تبریز و ساخت بیمارستان‌های متعدد و رسیدگی به ایتمام و تأمین مسکن خانواده‌های بی‌بضاعت و فعالیت در رشته‌های متنوع خیرخواهی نام این جمعیت را در سطح کشور بصورت یکی از موسسات خیریه موفق مطرح کرده است. از آنجاییکه بررسی تغییرات شاخص‌های جمعیتی یک شهر عامل تعیین‌کننده‌ای در رشد و تعیین نرخ فقر به شمار می‌روند جهت مقایسه شرایط جمعیتی نظر مطالعه‌کنندگان را به این نکته متوجه می‌کنم که بحران اقتصادی و افزایش قیمت‌ها در اواخر دهه سی و اجرای قانون اصلاحات ارضی و صنعتی شدن شهر تبریز موجب گردید که سیل مهاجرت روستاییان و سکونت آنان در حواشی شهر، جمعیت تبریز را در عرض بیست سال از ۲۸۹۹۹۶ نفر در اولین سرشماری نفوس سراسری در سال ۱۳۳۵ به تعداد ۸۰۲۹۵۹ نفر در سرشماری سال ۱۳۵۵ رساند و بدین ترتیب جامعه بحران‌زده بیشتر از پیشتر نیازمند حمایت موسسات خیریه گردید.

یکی از موسساتی که در سال ۱۳۵۲ تاسیس شد موسسه خیریه

حمایت از مستمندان تبریز و همچنین صندوق قرض‌الحسنه المهدی بود که در ابتداء امر بصورت مشترک ولی حال دارای شخصیت حقوقی جداگانه‌ای هستند که خدمات هر دو موسسه اکنون هم ادامه دارد و هر دو موسسه دارای کارنامه بسیار قابل تحسینی هستند.

اصولاً تا انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ به دلیل این که هنوز آسیب‌های اجتماعی و نیازهای انسان شهرنشین که منجر به فقر می‌شد گستره و نمود چندانی نداشت؛ خیریه‌های شهر تبریز به صورت چندمنظوره و چندهدفی تأسیس و به ارائه خدمات می‌پرداختند ولی بعد از انقلاب با توجه به چندبعدی شدن فقر و جهش جمعیتی و صنعتی شدن شهرها و مهاجرت‌های روستا به شهر چند منظوره شدن موسسات خیریه، جزو الزامات اجتماعی گردید، شایان ذکر است که اکنون با توجه به اهمیت موضوع فقر، سازمان ملل متحد طی دو برنامه بسیار مهم و مورد توافق تمام کشورهای عضو که اولی تحت عنوان توسعه هزاره از ۲۰۰۰ الی ۲۰۱۵ با هشت محور و برنامه دوم که متعاقب برنامه اول است بنام آرمان‌های توسعه پایدار از سال ۲۰۱۶ الی ۲۰۳۰ با هفده محور فعالیت خود را آغاز و طبق برنامه‌های تدوینی پیش می‌برد. پیش‌بینی شده در سال ۲۰۳۰ با اجرای این برنامه فقر در جهان در تمام محورها محدود و محدودتر شود. در برنامه آرمان‌های توسعه بر رفع فقر، امنیت غذایی، زندگی سالم، آموزش فراگیر، توانمندسازی زنان و دختران، مدیریت آب، دسترسی به انرژی، اشتغال فراگیر، پایداری نوآوری‌ها، کاهش نابرابری کشورها، سکونت‌های انسانی، ترویج الگوهای مولد، مبارزه با تغییرات اقلیمی، بهره‌برداری از منابع دریاهای، پایداری جنگل‌ها، دسترسی به عدالت همگانی، مشارکت جهانی برای توسعه پایدار تعریف و هدفمند شده است.

با توجه به شرایط خاص ارتباطات، که جهان را بسوی زندگی بدون مرز سوق داده است در کشور ما و در شهر تبریز تقریباً در تمام حوزه‌های فوق یا مرتبط با موضوعات فوق‌الاشاره موسسات خیریه‌ای با حرکت‌های داوطلبانه و متنوع تخصصی توسط دانشجویان، نخبگان اقتصادی، علمی و اجتماعی در حال تشکیل و فعالیت هستند.

\*منابع این نوشته در دفتر ماهنامه کارایی موجود می‌باشد.



## اقتصاد آزاد، فرصت‌های فقرزدایی



مفهوم نشان می‌دهند. **کارایی:** اگر فقر را چرخه‌ای در نظر بگیریم که انسان‌ها در آن گرفتار می‌شوند به نظر شما آیا این چرخه به صورت سیستماتیک قابل شکسته شدن است به عنوان مثال وضعیتی که دسترسی به آموزش خوب برای انسان‌ها در پی می‌آورد؟

**غنی‌نژاد:** یک تئوری اقتصادی وجود دارد که به آن تله فقر می‌گویند بدین مفهوم که جامعه‌ای که بسیار فقیر است دچار تله فقر است. چون سطح زندگی و درآمدی بسیار پایین است و امکان پس‌انداز وجود ندارد. در جامعه‌ای که پس‌انداز وجود ندارد، بالطبع منبع سرمایه‌گذاری هم وجود ندارد. در نتیجه ما با دور باطلی روبه‌رو می‌شویم که امکان سرمایه‌گذاری و پس‌انداز ندارد آن جامعه از دست رفته و جامعه دچار تله و فقر می‌شود و نمی‌تواند از این وضعیت خارج شود مگر اینکه از منبعی بیرونی به آن کمک شود.

**کارایی:** و در مورد طبقات؟

**غنی‌نژاد:** در رابطه با طبقات هم چنین است؛ برخی معتقد هستند که کسی که در خانواده فقر به دنیا می‌آید نمی‌تواند به آموزش خوب دسترسی پیدا کند، وقتی فرد نمی‌تواند مدرسه برود، بهره‌وری وی به عنوان نیروی کار پایین خواهد بود در نتیجه دستمزد دریافتی او هم پایین خواهد بود چنین فردی در تله فقر گرفتار می‌شود. به همین منبنا برخی صاحب‌نظران چنین ابراز عقیده می‌کنند که به منظور رهیدن از تله فقر چه در سطح جامعه و چه در سطح افراد و خانوارها و گروه‌های درآمدی، بهتر است یک عامل بیرونی دخالت کند. مثلاً در رابطه با جوامع گفته می‌شود که بایستی نهادهای بین‌المللی متولی درهم شکستن تله فقر باشند. در رابطه با خانوار، گروه‌های درآمدی درون جامعه هم چاره در توزیع مجدد درآمد از طریق دولت است دولت

**کارایی:** در ابتدا بفرمائید تعریف شما از فقر چیست و این که آیا دستگاه نظری که تئورسین‌ها در چارچوب آن فکر می‌کنند روی تعریفی که از فقر می‌شود تاثیر می‌گذارد؟ **غنی‌نژاد:** اجماع کاملی در خصوص تعریف فقر وجود ندارد. فقر عمدتاً به دو مقوله تقسیم می‌شود؛ فقر مطلق و فقر نسبی. فقر مطلق وضعیتی از زندگی است که انسان نمی‌تواند شرایط زندگی بیولوژیکی خود را بازسازی کند و دچار آسیب می‌شود. نمونه این فقر، شرایطی است باعث بیماری، سوء‌تغذیه و مرگ می‌شود که بنا بر محاسبه سازمان‌های بین‌المللی، آستانه فقر مطلق درآمد حدود دو دلار در روز است، یعنی اگر فردی درآمد حداقل دو دلار در روز را نداشته باشد. به وضعیت فقر مطلق گرفتار است. حدود بیست سال قبل این نرخ یک دلار بود. اما هم اکنون این مبلغ را نزدیک دو دلار برآورد کرده‌اند. به این معنا که در چنان شرایطی انسان قادر به بازتولید فیزیولوژیکی و بیولوژیکی مناسب نیست و دچار بیماری یا مرگ تدریجی می‌شود. اما فقر نسبی مفهوم کاملاً متفاوتی است مفهومی است که ناظر بر تفاوت درآمدها میان گروه‌های انسانی است که در یک جامعه زندگی می‌کنند. معمولاً زمانی که از فقر صحبت می‌شود منظور فقر نسبی است یعنی وقتی می‌شنویم که ۱ درصد از ثروتمندان، ۹۹ درصد از درآمدهای دنیا را در اختیار دارند، ناظر بر مقوله ی فقر نسبی است. فقر مطلق تعریفی است که به صورت عینی و ملموس ارائه می‌شود ولی فقر نسبی ناظر بر اختلاف درآمد بین اقشار مختلف جامعه است که مفاهیم متفاوتی در تعریف آن به کار می‌رود که به توزیع درآمد و ثروت در جامعه مربوط می‌شود. در اقتصاد توسعه این تفاوت‌ها را با ضریب جینی نشان می‌دهند که ضریبی است میان صفر و یک. هر چقدر این ضریب به یک نزدیک‌تر باشد، نابرابری بیشتر است و هر چه به صفر نزدیک‌تر باشد، نابرابری در توزیع درآمد کمتر است. فقر نسبی را معمولاً با این

بایستی خدمات آموزشی رایگان ارائه کند تا گروه‌های درآمدی پایین هم در معرض آموزش مناسب قرار بگیرند تا در آن تله که اشاره کردم، گرفتار نشوند. این‌ها توضیحاتی است که صاحب‌نظران معتقد به دخالت یک عامل بیرونی ارائه می‌نمایند اما این موارد طرح صورت مساله است اما زمانی که به واقعیت از نزدیک نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که تله فقری که گفته می‌شود، تئوری قابل دفاعی نیست. برای این که همیشه جوامعی وجود داشته‌اند که مازاد اقتصادی در آن‌ها تولید می‌شده است در حالیکه این جوامع الزاماً هم توسعه پیدا نکرده‌اند مثلاً معلوم است که در جامعه مصر که فراغنه سه الی چهار هزار سال قبل اهرام را در آن ساختند، مازاد اقتصادی عظیمی در اختیار بود که از طریق آن ساختن چنان سازهایی میسر می‌شد. یا در زمان هخامنشی و در سایر ادوار هم ساخت بناهایی مانند کلیساها و معابد نشان‌دهنده این است که جوامع هرچقدر هم گرفتار فقر باشند، مازادی ایجاد می‌شود اما علت این که چنین جوامعی توسعه پیدا نکردند، این است که آن مازاد وارد چرخه رشد نشده است در غیر این صورت شاهد بهبود وضعیت جامعه می‌بودیم و این همان چیزی است که بعد از انقلاب صنعتی شاهد آن

بوده‌ایم. منظورم این است که تئوری تله فقر حداقل از نظر تاریخی قابل تایید نیست

**کارایی:** به نظر می‌رسد در نهایت این یک عامل نهادی است که مازاد تولید جوامع را به سمت توسعه سوق می‌دهد؟

**غنی‌نژاد:** بله، این‌طور است یعنی این نهادها هستند که در جامعه مازاد اقتصادی را به جهت مقتضی هدایت می‌کنند و این امر تعیین‌کننده سرنوشت جامعه و سرنوشت توسعه است البته کیفیت نهادها در نهایت به نظام فکری و عقیدتی حاکم بر جامعه باز می‌گردد.

**کارایی:** و به سوگیری کل حاکمیت؟

**غنی‌نژاد:** بله و به این که تعریف موجود از جامعه خوب چیست و این که جامعه خوب چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد و دولت باید چه نقشی در آن داشته باشد. تمام این موارد به نظام ارزشی و عقیدتی جامعه باز می‌گردد و از آن متاثر است. هزاره اول مسیحیت، در دنیای مسیحیت تفکری حاکم بود مبنی بر این که دو دنیا وجود دارد. دنیای مادی و دنیای معنوی، دنیای مادی این جهانی که هرچقدر در آن مومنان مسیحی به نداری و فقر نزدیک‌تر باشند احتمال این که در آن دنیا به رستگاری دست یابند بیشتر می‌شود. در هزاره دوم، طرز تفکر در جامعه مسیحی غرب و البته نه بیزانس دست‌خوش تغییر می‌شود. این امر دلایلی دارد که به شیوه تفکر بزرگان و سردمداران دین مسیحیت باز می‌گردد. زمانی که هزاره اول به پایان می‌رسد مسیحیان طبق اعتقادات خود منتظر بودند تا مسیح ظهور کند و باز گردد اما می‌بینند که مسیح باز نمی‌گردد. این مساله بحرانی در کلیسا ایجاد کرد و سران مسیحیت به این نتیجه رسیدند که علت این امر، نبود شایستگی میان مسیحیان است. یعنی مومنان مسیحی شایستگی این را نداشتند که مسیح باز گردد و امت خود را دوباره پیدا کند. علت آن هم فقر و بدبختی و فحشا و بیماری‌هایی است که مسیحیان بدان دچار بودند و هیچ تلاشی هم برای رفع آن‌ها نمی‌شد. در نتیجه در این مقطع زمانی کلیسا وارد عرصه دنیوی می‌شود. مسیحیان دست به ساخت بیمارستان می‌زنند. در این مقطع تصمیم گرفته می‌شود تا فقر مسیحیان از بین برود، روی فقر مطالعه صورت می‌گیرد، و خیریه‌ها ایجاد می‌شود تا انسان‌ها به خاطر گرسنگی و فقر و بیماری از بین نروند. ورود کلیسا به عرصه دنیا، تحول دنیای غرب را رقم می‌زند. همه تحولاتی که در اروپا و غرب به وقوع پیوست، به نوعی به تحول

در فکر و اندیشه در خصوص ارزش‌های دینی برمی‌گردد.

**کارایی:** آقای دکتر، گفتید که شواهد تاریخی نشان می‌دهد حتی در فقیرترین جوامع هم مازاد تولید وجود دارد و در ادامه عنوان گردید که هدایت این مازاد تولید با نهادهای موجود در جامعه است. اگر به هر دلیلی این نهادها ناکارآمد باشند، تکلیف افراد یا توده‌های درگیر در این وضعیت چه خواهد شد

**غنی‌نژاد:** دو نوع تفسیر تاریخ وجود دارد؛ یکی تفسیر ماتریالیستی تاریخ است که در واقع همان تفسیر مارکسیستی است در عین حال که این تفسیر یا تفسیری که جامعه‌شناسی مدرن از تاریخ ارائه می‌دهد هم منطبق است چرا که هر دو تمام تحولات را براساس تحولات عینی و مادی شرایط تولید و مادی زندگی تفسیر می‌کنند. تکلیف مارکسیست‌ها با این موضوع بسیار روشن است چون عقیده دارند. زمانی که شیوه‌های تولید و نیروهای تولید تغییر می‌کنند، روبنا هم تغییر می‌کند جامعه‌شناسی مدرن هم تقریباً بر همین مبناست. منتها در آن تحلیل طبقاتی مارکسیست‌ها را وجود ندارد اما هر دو تفسیری ماتریالیستی دارند ولی من معتقدم که تفسیر دیگری وجود دارد که تحولات را به صورت منسجم‌تر و درست‌تر توضیح می‌دهد و آن تفسیر عقلی و فکری تاریخ است؛ یعنی انسان‌ها و جوامع آنان به این دلیل تغییر می‌کنند که مبانی فکری آنان تغییر می‌کند.

**کارایی:** پس به زعم شما تغییر فکر مستلزم تغییر شیوه تولید نیست؟

**غنی‌نژاد:** نه نیست. به زعم مارکس در تحلیل نهایی آن چیزی که تعیین‌کننده است مادیات است. ولی متفکرین مدرن آزادی‌خواه اروپایی حرفشان این بود که در تحلیل نهایی این اندیشه است که تعیین‌کننده است. برای این که انسان یک وجود مادی نیست و با سگ و گربه و موش فرق دارد. انسان فکر می‌کند، تحلیل می‌کند، اراده دارد و واجد ارزش‌هایی است. گربه بر مبنای غریزه رفتار می‌کند ولی انسان بر مبنای غریزه رفتار نمی‌کند. انسان اعتقادات ارزشی دارد که بر مبنای آن، ممکن است غریزه‌اش را سرکوب کند. تمدن ناشی از این است که انسان در مقابل غرایز خود ایستادگی می‌کند. رابطه‌های صلح‌آمیز و متمدنانه همه برخلاف جهت غرایز شکل گرفته است.

ارزش‌ها و فکر انسان عامل تعیین‌کننده نهایی است و در نهایت این نخبگان هستند که در راس جامعه قرار می‌گیرند و عامه مردم از آن‌ها تقلید می‌کنند پس این افراد نقش تعیین‌کننده دارند. یعنی مردم نگاه می‌کنند ببینید دولتمردان، سیاستمداران، نمایندگان مجلس، اساتید دانشگاه و نویسندگان چگونه فکر می‌کنند و از آن‌ها الگو برمی‌دارند. بالطبع در جامعه همه متفکر نیستند، فکر مختص عده‌ای است که به صورت حرفه‌ای متفکرند و به دنبال این کار می‌روند و روی فکرها اثر می‌گذارند. من البته اعتقادیه به نخبه‌گرایی ندارم بدان ترتیب، که نخبه‌ها همه مشکلات جامعه را حل خواهند کرد. اعتقاد من این است که توده‌ها هیچ‌وقت در هیچ موردی مقصر نیستند و این رهبران توده‌ها هستند که در یک مرحله فراتر، نسبت به مردم و توده‌ها قرار گرفته‌اند و آن‌ها را دنبال خود می‌کشاند. این که یک روزی توده‌ها بیدار می‌شوند به نظر من حاصل تخیل و آرزوهای برخی نظریه‌پردازان است که واقعیت‌های تاریخی آن را تایید نمی‌کند. آنچه در رابطه با وقایع هزاره دوم مسیحیت توضیح دادم، بواسطه اجماعی بود که میان اسقف‌ها شکل گرفت نه بین توده‌هایی که اساساً نمی‌دانستند بازگشت مسیح چه معنایی دارد و هزاره یعنی چه؟ آن‌ها صرفاً پیرو رهبران دینی خود بودند و از آن‌ها الگو برداری می‌کردند. این

معرض تهدید جدی مرگ از گرسنگی بودند در دوران جهش به جلو نیز میلیون‌ها نفر از گرسنگی مردند. تا این‌که سیاست در چین به سمت تجارت آزاد و اقتصاد جهانی رفت و این کشور موفق شد سرمایه خارجی جذب کند و در اقتصاد جهانی و نظام بازار ادغام گردد. با این تمهیدات علی‌رغم این‌که جمعیت چین افزایش پیدا کرده است. میزان فقر مطلق در چین به زیر ۲۰۰ میلیون نفر کاهش یافت.

در مورد فقر حتماً بایستی توجه کرد که چه اتفاقی افتاد که جمعیت دنیا به این میزان رشد کرده و چه شد که سطح زندگی چینی‌ها آنقدر بالا رفته است؟ هم‌اکنون کارگر ارزان چینی بسیار کم‌یاب یا نایاب شده است؟ دلیل این مساله به خاطر رقابت و تجارت آزاد است. اما در مورد محیط زیست بایستی به یک سوال اساسی پاسخ داد و آن این‌که آیا محیط زیست برای انسان است یا انسان برای محیط زیست؟

**کارایی:** بلکه محیط زیست برای انسان است منتها تا جایی که محیط زیست ناپ‌آوری داشته باشد آیا واقعا فکر می‌کنید که محیط زیست صرفاً برای بهره‌کشی

سی سال قبل بیش از ۸۰۰ میلیون نفر در چین در شرایط فقر مطلق بسر می‌بردند و حتی در معرض تهدید جدی مرگ از گرسنگی بودند در دوران جهش به جلو نیز میلیون‌ها نفر از گرسنگی مردند. تا این‌که سیاست در چین به سمت تجارت آزاد و اقتصاد جهانی رفت و این کشور موفق شد سرمایه خارجی جذب کند و در اقتصاد جهانی و نظام بازار ادغام گردد. با این تمهیدات علی‌رغم این‌که جمعیت چین افزایش پیدا کرده است. میزان فقر مطلق در چین به زیر ۲۰۰ میلیون نفر کاهش یافت.

انسان است؟

**غنی‌نژاد:** ببینید باید همه چیز را به صورت متعادل مورد توجه قرار داد. برخی معتقدند چین از وقتی راه سرمایه‌داری را برگزیده محیط زیست را به شدت آلوده کرده به گونه‌ای که در پکن نمی‌توان نفس کشید اما ناپیستی فراموش کرد که در عین حال ۶۰۰ میلیون نفر به واسطه سیاست‌های جدید در چین از وضعیت فقر مطلق خارج شدند. در نهایت منظورم این نیست که انسان مجاز است هر رفتاری با طبیعت داشته باشد.

برخی دوستان عقیده دارند جهانی شدن باعث استثمار شده است و در پی آن نهضت‌های ضدجهانی شدن در آمریکا، فرانسه و اروپا به وجود آمد که خواستار محدود شدن تجارت آزاد و حمایت از صنایع داخلی بودند. اما مساله این‌جاست که این خواسته‌ها از طرفی دقیقاً با خواسته‌های نئوکان‌ها هم منطبق است.

**کارایی:** اهداف برنامه توسعه هزاره که از بین بردن فقر مطلق یکی از مهمترین آن‌ها بود به چه میزان در طی یک دهه اخیر محقق شده است؟

**غنی‌نژاد:** من اعتقادی به سازمان‌های بین‌المللی ندارم سازمان‌های بین‌المللی هم منافع خود را دنبال می‌کنند و برخلاف شعارهای قشنگی که مطرح می‌کنند، نه ابزار عملی کردن آن شعارها را دارند و نه اندیشه درستی در پی آن شعارها وجود دارد. به همین دلیل من خیلی به این اهداف هزاره اعتقاد ندارم من معتقد هستم که انسان‌ها وقتی که مسیر درست را طی بکنند؛ به نتایج درست می‌رسند. وقتی که تجارت آزاد در کشورهای شرق به ویژه شرق آسیا نفوذ پیدا کرد، این کشورها بسیار سریع و به راحتی از فقر بیرون آمدند. البته بشر موجودی است که کامل نیست و نقص‌های زیادی دارد. از طرفی برخی نهادهای بشری بازدارنده هستند بنابراین به سادگی و با یک رویکرد دو تا چهارتا، نمی‌توان مسائل را تحلیل کرد و یک راه روشن برای حل مسائل پیچیده بشر یافت، حتی ممکن است اگر مسیر خوبی هم طی شود، آثار بدی هم در پی داشته باشد. این همان چیزی است که اقتصاددانان آن را آثار خارجی منفی می‌نامند.

زمانی که نهادهای آزاد بر جوامع حاکم باشند، امکان اصلاح اشتباهات وجود دارد اما فاجعه زمانی به وجود می‌آید که امکان اصلاح از جامعه گرفته شود و آزادی‌ها محدود شود. شرایطی که در آن جامعه صرفاً با اراده حاکمان اداره شود. آن‌جاست که ما به طرف فاجعه می‌رویم. زمانی که به سرنوشت کشورهای کمونیستی نگاه می‌کنیم می‌بینیم که چون امکان اصلاح از آن جوامع گرفته شده بود، چنین وضعی رقم خورد.

مساله را می‌توان به همه جوامع تعمیم داد. این است که روشنفکران، نقش مهمی در تحول همه جوامع دارند. در یک جامعه عقب‌مانده، نقص مربوط به تفکر نخبان جامعه است. حتی خود دموکراسی هدف نیست بلکه یک وسیله است. هدف یک حکومت خوب، تامین حقوق انسان‌هاست نه تامین شرایطی برای رای دادن توسط مردم.

**کارایی:** آیا مطالعه‌ای صورت گرفته که در ایران معاصر، فقر که براساس آمار و ارقامی چون درآمد سرانه مورد تعریف قرار می‌گیرد، در خلال یک دوره زمانی ثابت، بیشتر شده باشد؟

**غنی‌نژاد:** بله، براساس معیار رایج یعنی درآمد سرانه واقعی می‌توان در این زمینه اظهار نظر کرد اما با توجه به این‌که درآمد سرانه تغییر جدیدی است که وارد تاریخ محاسبه روند فقر شده است. تنها برای بازه زمانی ۵۰ - ۶۰ سال گذشته می‌توان بر این مینا صحبت کرد اما به هر حال مطالعاتی وجود دارد که نشان می‌دهد در دوره ۸ ساله فاصله میان سال‌های ۸۴ تا ۹۲، درآمد سرانه خانوارها به صورت واقعی کاهش پیدا کرده است یعنی سفره مردم کوچک‌تر شده است

**کارایی:** آیا تجربه‌های موفق جهانی در زمینه کاستن از فقر وجود دارد؟

**غنی‌نژاد:** بلکه مهمترین تجربه جهانی کاستن از فقر، تجربه ۲۰۰ سال اخیر است که در طی آن نظام اقتصادی مدرن و اقتصاد بازار به وجود آمده است و در این دوران فقر مطلق به شدت کاهش پیدا کرده است و انسان‌ها به سطح رفاه بالاتری رسیده‌اند

**کارایی:** شما اشاره دارید که صنعتی شدن و تجارت آزاد سطح رفاه انسان‌ها را بالاتر برده است. اما اگر متغیرهایی مانند ملاحظات زیست محیطی و یا تاثیر این مجادلات اقتصادی بر روی منابع سایر کشورها را در کنار اصل قضیه بگذاریم آیا نمی‌توان به تحلیل متفاوت‌تری دست یافت؟ این‌که مثلاً به بهانه تجارت آزاد منابع کشورهای فقیر در آفریقا به غارت رفته است؟ آیا این فقرزدایی به واسطه گسترش تجارت آزاد صرفاً در یک منطقه جغرافیایی خاصی محقق شده است؟

**غنی‌نژاد:** من راجع به کل دنیا صحبت کردم شما به تحولات جمعیتی کل دنیا نگاه کنید افزایش سطح کیفیت زندگی منجر به افزایش امید به زندگی در کل دنیا شده است. ببینید شما دوپست سال قبل یعنی سال ۱۸۰۰ را در نظر بگیرید، در آن سال‌ها جمعیت دنیا زیر یک میلیارد نفر بوده است. اما هم‌اکنون این رقم به نزدیک هفت میلیارد نفر رسیده است، تخمین زده می‌شود که میانگین عمر آن یک میلیارد نفر هم چیزی حدود ۲۴ سال بوده است و نزدیک ۹۹ درصد مردم در شرایط فقر مطلق زندگی می‌کردند. شرایط به گونه‌ای بود که از هر ده فرزندی که به دنیا می‌آمد، نه نفر در همان ماه‌های اول می‌مردند. اما هم‌اکنون حتی در فقیرترین کشورهای آفریقای هم وضع تغییر پیدا کرده و میانگین عمر در بدترین شرایط هم بالای ۵۰ سال است.

**کارایی:** و این‌ها تماماً به زعم شما دست آورد تجارت آزاد بوده است؟

**غنی‌نژاد:** دقیقاً اینطور است. چه عامل دیگری می‌توان برای تبیین این موضوع مد نظر داشت؟

**کارایی:** شما بر چه اساس و چه انگاره‌هایی این مساله را با این اطمینان مطرح می‌کنید؟

**غنی‌نژاد:** مساله بسیار روشن است. سی سال قبل بیش از ۸۰۰ میلیون نفر در چین در شرایط فقر مطلق بسر می‌بردند و حتی در

## شریک شدن در رنج‌های فقر

تبریز، محله‌ی ماللازینال، اسفند ۱۳۹۴. سقف چوبی خانه چون به بیرون زده بود از توی حیاط معلوم بود. یک کمد زهوار در رفته تبدیل به جاکفشی شده بود. دیوار در ورودی نشان می‌داد که به تازگی بناکاری شده است. از تو صدای کلفت مردی می‌آمد که می‌گفت بویورن آ بویورون (بفرمایید آقا بفرمایید). مردی سیاهپوش، با کلاه‌ی به سر، ریش سفید بلند و سبیل زردی که قیافه‌اش را پوشانده بود، آمد. زنی در گوشه‌ی پذیرایی دراز کشیده بود ... مرد عزادار بود ... مرد هر وقت به واژه‌ی مصیبت می‌رسید، هی سر تکان می‌داد. ما فقط شاهد داستان مصیبت‌هایش بودیم و غصه‌ای می‌خوردیم، اما او در هر باری که به واژه‌ی مصیبت می‌رسید، شاید وجودش تکان می‌خورد و شاید صدماتش جانی تازه می‌گرفت. دفترچه‌ی زنش زود به زود تمام می‌شد، چون زود به زود قرص، زود به زود ویزیت، زود به زود آزمایش سر می‌رسیدند ... به عکسی روی دیوار اشاره کرد و گفت که عکس روز اول عروسی‌اش است: «بعدش دیگه غم و فکر است دیگه، با این غم بوده که من پیر شدم. با مصیبت [پیر شدم]».



اصغر ایزدی جیران  
انسان‌شناس، استادیار دانشگاه تبریز

واقعیت مضمحل‌کننده سخن گفت. انسان‌شناس این واقعیت از پای‌دراورنده را به خود جذب می‌کند، آزارش را می‌بیند، عذابش را می‌کشد، به استخوان‌هایش لرزه می‌اندازد. او به دنبال آن است تا شریک شود و این معنایی حقیقی برای تکنیک مشاهده‌ی مشارکتی در اتنوگرافی است. رویکرد انسان‌شناختی به ما این اجازه را می‌دهد که قدرت شرکت کردن که قدرت اجتماعی کردن خود است را بازیابیم. شریک شدن برای من که پروژه‌ام رنج اجتماعی کسانی است که طرد شده‌اند، سرکوب شده‌اند یا خشونت دیده‌اند، اهمیتی اساسی دارد، چراکه جزئی بنیادین از همزمان روش‌شناسی، شناخت‌شناسی و پراکسیس‌ام در قالب مراقبت اجتماعی<sup>۲</sup> است.

به عنوان گامی مهم در روش‌شناسی، شریک شدن وقتی در زندگی‌های فراموش‌شده باشد، معنایی انسانی به علم می‌دهد تا علم‌مان را انسانی بکنیم. در میان فقرا زیستن، در میان

زندگی‌های ویران از دل صدمات ساختارهایی تشکیل شده‌اند که دهه‌ها بر افراد و گروه‌ها حکم رانده‌اند. ویران شدن زندگی در نقاطی چون حاشیه‌نشینان تبریز با پیش کشیدن تجارب زیسته‌ی ویران‌شده‌ها می‌تواند به ما بگوید که فقر چیست و چه می‌کند. رویکرد انسان‌شناختی به فقر از درون چنین دغدغه‌ای زاده می‌شود. انسان‌شناس در مواجهه با فقر چه می‌کند؟ او پیش از هر چیز، به قول وینا داس (۲۰۱۵) سکنی می‌گزیند. او ساکن می‌شود، فرود می‌آید، می‌نشیند و صبورانه گوش می‌سپارد. دیدن و تحلیل کردن انسان‌شناس با حرکتی آرام روی می‌دهد. کند کردن حرکت به کار غرق شدن تدریجی در واقعیت و در میدان پژوهش می‌آید. تجربه‌ای همچون نشست کردن و رسوب کردن است که می‌گوید آنجا چه خبر است. بار واریسی انسان‌شناختی، تحمل کردن یک واقعیت پرفشار است. در جاهایی که رنج اجتماعی<sup>۱</sup> موضوع کار است، باید از

۱. social suffering

۲. social care





می‌توان سرنوشت آنها را از چشم انداخت، چگونه می‌توان روی از مصایبشان برگرداند. در اینجا، ندیدن همان نوع رابطه‌ی اجتماعی‌ای است که برقرار شده است. روستاها دیده نمی‌شوند، حاشیه‌ی شهرها دیده نمی‌شوند، مطرودان دیده نمی‌شوند، محرومان دیده نمی‌شوند. اساساً ندیدن مکانیسم محروم کردن و طرد کردن را به خوبی نشان می‌دهد. ندیدن فعلی است ارادی، چه از سوی افراد باشد، چه گروه‌های اجتماعی و چه ساختارها. ندیدن این امکان را می‌دهد تا بتوان بخشی از اجتماع را در تصویر کلی جامعه حذف کرد، گویی که هیچ‌گاه وجود نداشته‌اند، گویی که به دنیا نیامده بودند. شاید یکی از خدمات انسان‌شناختی، دیدن باشد. شاید پرتنه‌های فقر در کارهای اتنوگرافیک من به کار باز کردن چشم‌ها بیاید. نمی‌دانم.

فقرای حاشیه‌نشین خود را همچون کسانی تجربه می‌کنند که جامعه آنها را بی‌ارزش انگاشته است، آنقدر بی‌ارزش که حتی ارزش نگاه کردن هم نداشته‌اند. با آنها همچون چیزها و نه سوزها برخورد شده است، چیزهایی بی‌اهمیت. اسفبار آنکه این چیزبودگی به درون میدان علم هم نفوذ کرده است، دقیقاً جایی که امید می‌رفت و وظیفه‌ی علم نجات انسان‌ها در دوران تاریک باشد. وقتی بتوان افراد را از خلال روش‌شناسی‌های منفصل و داعیه‌ی حفظ فاصله برای برقراری عینیت، به چیزها تقلیل داد، عالمان علوم اجتماعی احساس‌شان را نسبت به موضوع یا مسأله از دست می‌دهند. اینجا گویی وظیفه سنگین‌تر است، باید بیش از همه چشم عالمان علوم اجتماعی را از ندیدن بازداشت تا مبدا آنها هم بازتولیدکنندگان نابرابری‌ها و طردها باشند. مسأله صرفاً از کار انداختن مکانیسم ندیدن است، متوقف کردن ماشین طردی است که چشم ندارد، خواه نامش علم باشد خواه سیاست. متن اتنوگرافیک می‌خواهد با شرح زندگی‌های صدمه‌دیده‌ی تکین، مانع‌هایی ایجاد کند برای جلوتر رفتن این ماشین طرد عام. ماشین طرد و نابرابری را چند روز پیش در چهره‌ی سوخته و زجرکشیده‌ی سیستانی‌های طردشده و از یادرفته دیدم، وقتی ساعاتی از شب را در میان کارتن‌خواب‌های بندرعباس گذراندم. آنها کارگرانی سیستانی بودند که به دلیل فقدان کار و دستمزد بسیار پایین به شهر بندرعباس پناه آورده بودند. ماه‌ها بود که زن و بچه‌هایشان را رها کرده بودند، در سیستانی که آب و برق به حد کافی در دسترس نبود. کارتن‌هایشان را در میان فضاهای سبز چند منطقه‌ی مرفه شهر پهن کرده بودند. در توالت‌های عمومی حمام می‌کردند. با جمعی از آنها در تاریکی نشستم. مردی گفت: «فقط پول نان خالی را هم برای خانواده‌مان پیدا کنیم بس است، چیز دیگری نمی‌خواهیم».

\* منابع این نوشته در دفتر ماهنامه کارایی موجود می‌باشد.

خانواده‌های فقیر بودن، با افرادی فقیر دوست شدن، خلق روش‌شناسی‌ای است متصل به خود زندگی آنگونه که زیسته می‌شود. در جایی که فقرا و حاشیه‌نشینان از بسیاری از حوزه‌ها از جمله ساحت علم منفصل می‌شوند، هیجان اتنوگرافیک برای شرکت کردن در دیگری، بازگرداندن قلب به بدن آن دانشی است که فقط با مغزش فکر می‌کند. به علم کمک می‌کند که همزمان که فکر می‌کند، احساس هم بکند. علم اگر تا کنون فقط صدای خود بوده، از این پس صدای دیگری هم می‌شود. شریک شدن در فقر ما را از مشاهده‌گر منفصل، مشاهده‌گر بی‌تعهد و مشاهده‌گر غیراجتماعی جدا می‌کند. ما با شرکت کردن در زندگی‌های فقیر شده است که می‌توانیم دریابیم فقر چه بلایی بر سر افراد، خانواده‌ها و اجتماعات می‌آورد. این دعوتی است عمومی به شرکت کردن در فقر، به عنوان راهی برای درک فقرهای دیگری شده. درک آن فقرهایی که طرد شده و به حاشیه‌ها رانده شده‌اند. البته این دعوتی است تا به اجتماعی بودن مان بازگردیم. زمانی که کسی را طرد می‌کنیم و از خلال مکانیسم طرد او را فقیر می‌سازیم، در واقع در حال فروپاشاندن شفقت امر اجتماعی هستیم.

رابطه‌ی اجتماعی در اساس می‌بایست رابطه‌ای اخلاقی باشد و ظهور این جمعیت عظیم فقرای حاشیه‌نشین به وضوح نشان می‌دهد که تا چه حدی امر اجتماعی ما از هم گسسته است، یعنی انسان‌های یک کشور از هم گسسته‌اند. این گسیختگی البته صرفاً معنای فردی ندارد، بلکه بیشتر معنایی ساختاری دارد و برای همین، به دامن اقتصاد و سیاست هم کشیده می‌شود. شیوه‌ی کار کردن فرایندهای اقتصادی و سیاسی به نحوی است که به اجتماعی بودن ماصدمه می‌زند، یعنی ما را با شکافی بزرگ از هم جدا می‌کند تا فقیر و غنی بسازد. اما مقصود کار انسان‌شناختی، در یک سطح، نشان دادن آن چهره‌ای است که به‌واسطه‌ی همین گسیختن یک اجتماع برابر و برادر، خونین شده است. نشان دادن آن مرد سیاهپوش و آن زن نزاری است که در میان دره‌ها و تپه‌های صعب‌العبور صدها پله‌ای در محله‌ی حاشیه‌نشین ماللازینال می‌زیند، یعنی می‌میرند. در اینجا متن اتنوگرافیک انسان‌شناس که داستان گویی یا روایت‌پردازی رئال از واقعیت زیسته است، نوعی هشدار دادن است به وجدان‌های خفته‌ای که هر یک نقشی در صدمه زدن به هم‌نوع فقیر شده داشته‌اند. نوعی اعتراض است به آن ساختارهای اقتصادی و سیاسی‌ای که انسان‌هایی را دهه‌ها ضعیف نگهداشته‌اند.

شریک‌شدن‌های من در زندگی‌های فقیر، در این دو سال اخیر، مرا با کسانی مواجه کرده که نیرو و شادابی زیست‌شان به نابودی کشیده شده یا در حال نابودی‌اند. من با زندگی‌هایی سراسر رفق روبرو شده‌ام. محرومیت مادی روستاها که منجر به شکل‌گیری بافته‌های عظیم جمعیتی در حاشیه‌های شهرها شده، بیش از هر چیز، آدم‌هایی ساخته که توان‌های انسانی‌شان با محدودیت‌های اساسی درگیر است: «سوزهای تضعیف‌شده» (ایزدی جیران، ۱۳۹۴: ۹۶) یا در حال ضعف. حالتی از لیلی‌بودگی و زمین‌گیر شدن به افراد، خانواده‌ها و اجتماعات فقیر دست داده است. انباشت صدمات باعث می‌شود تا سطح معلولیت اجتماعی بارها عمیق‌تر شود: فرد و خانواده‌ای که همزمان با بیکاری، بیماری، بی‌سرپرستی، بی‌توجهی، بی‌حمایتی و انگ‌خوردگی می‌زید، فرد و خانواده‌ای است که تجربه‌ی هر روزه‌اش از بودن در جامعه، تجربه‌ی رنج کشیدن‌های پی در پی است، تجربه‌ی کاهش یافتن است، تجربه‌ی از درون خالی شدن. این تجربه‌ای است که سوزهبودگی را از حیثیت می‌اندازد.

این چیزی است که یکی از زنان محله‌ی ترلان‌دره‌ی تبریز را وامی‌دارد تا به من بگوید «لله‌بیل یوخیخ با، بی‌زی گورمیللر» (گو این‌که اصلاً ما وجود نداریم، ما را نمی‌بینند) (به نقل از ایزدی جیران، ۱۳۹۴ الف: ۷). ندیدن یعنی که گویی آنها در جهان نیستند. این به درستی می‌تواند به ما بگوید که چگونه می‌توان جمعیت‌های عظیمی را در روستاها ندید، چگونه

گفت‌وگوی اختصاصی کارایی با رضا بابایی درباره پیامدهای منفی فقر برای فرهنگ دینی

## بخت گمراه



**کارایی:** به نظر شما آیا پیامدهای انسانی و معنوی و روحی فقر جدی‌تر از پیامدهای عادی آن است؟  
**بابایی:** بله، فقر پیامدهای انسانی دارد، پیامدهای اجتماعی هم، پیامدهای روحی، روانی، خانوادگی، جنسیتی و معنوی هم دارد.  
**کارایی:** آیا جامعه‌ای که بر اساس آمار و ارقام فقیرتر است، لزوماً بی‌اخلاق‌تر است؟

**بابایی:** اگرچه انسان‌های استثنائی را می‌توان یافت که بر مبنای قول حافظ، «در عین تنگدستی در عیش می‌کوشند و مستی» اما در یک جامعه متشکل از انسان‌های متعارف، زمانی که فقر خود را نشان می‌دهد، آسیب‌های درونی در افراد ایجاد می‌شود. البته نایبستی فراموش کرد که برخی محیط‌های جغرافیایی به طور طبیعی متضمن فقر و تنگدستی است. مثلاً در برخی مناطق آفریقا که زمین خشک است و منابع طبیعی تنگ و کمیاب، آسیب‌های معنوی فقر کمتر است. چون انسان‌ها همگی در شرایط کمابیش مشابه گرفتار آمده‌اند. اما اگر فقر توأم با کوتاهی‌ها، حق‌کشی‌ها، نابسامانی‌ها و احساسات عمومی مبتنی بر تبعیض باشد، مشکلات روحی و روانی پرشماری در جامعه ایجاد می‌کند. به طور خلاصه فقر در شرایطی که طعم تبعیض به خود گیرد و برداشت فرد از فقری که در آن گرفتار آمده است، این باشد که فقر به او تحمیل شده است، اتفاق تلخی روی می‌دهد و آن از دست رفتن تعادل است. هر رفتار و اخلاقی و هر کردار معنوی در انسان‌های متعارف نمونه‌هایی از تعادل و اعتدال را به همراه خود دارد. اما فقر تحمیلی، تعادل روحی جامعه را بر هم می‌زند و همین زمینه انواع بزهکاری‌های را فراهم می‌کند. چون معنویت و اخلاق خدامحور و اخلاق آخرت‌اندیش در پی برقرار کردن نسبتی میان انسان و خداست و تنها کسانی قادر به برقرار نمودن علقه و نسبت از این منظر هستند که دشواری و دست‌اندازی در ملموس‌ترین و محسوس‌ترین مشغله‌های زندگی روزمره خود نداشته باشند. به طور معمول وقتی انسان زیر بار سنگینی قرار می‌گیرد، نمی‌تواند آواز بخواند و یا از شنیدن یک موسیقی لذت ببرد، چون درد و زخم درونی آن فرد باری است بر روی

نایبستی فراموش کرد که برخی محیط‌های جغرافیایی به طور طبیعی متضمن فقر و تنگدستی است. مثلاً در برخی مناطق آفریقا که زمین خشک است و منابع طبیعی تنگ و کمیاب، آسیب‌های معنوی فقر کمتر است. چون انسان‌ها همگی در شرایط کمابیش مشابه گرفتار آمده‌اند. اما اگر فقر توأم با کوتاهی‌ها، حق‌کشی‌ها، نابسامانی‌ها و احساسات عمومی مبتنی بر تبعیض باشد، مشکلات روحی و روانی پرشماری در جامعه ایجاد می‌کند. به طور خلاصه فقر در شرایطی که طعم تبعیض به خود گیرد و برداشت فرد از فقری که در آن گرفتار آمده است، این باشد که فقر به او تحمیل شده است، اتفاق تلخی روی می‌دهد و آن از دست رفتن تعادل است.

(دفتر دوم مثنوی معنوی)

عطار هم در یکی از منظومه‌های خود به نام مصیبت‌نامه طی داستانی می‌آورد که شخصی نزد عارفی می‌رود و از وی می‌پرسد اسم اعظم کدام است؟ اسم اعظم، همان اسمی که انسان خداپاور با تجهیز به آن قادر خواهد بود در جهان بیرون از خود تصرف کند و کراماتی بیافریند. آن عارف در جواب آن شخص می‌گوید: اسم اعظم خدا، «نان» است. سپس ادامه می‌دهد: آیا به یاد نداری که سال‌ها پیش، در دوره قحطی نیشابور، هیچ کس به مسجد نمی‌آمد، صدای اذان از گلدسته‌ها طنین‌انداز نمی‌شد و مردم خدا را یاد نمی‌کردند و صدای تلاوت قرآن از خانه‌های شنیده نمی‌شد؟ آیا به یاد داری که وقتی قحطی رفت و نان به سفره‌های مردم بازگشت، دوباره کار مسجدها رونق گرفت؟ کدام اسم خدا را می‌شناسی که چنین معجزه کند؟ خدا را به خانه‌ها بیاورد؟ مسجدها را آباد کند و قلب‌ها را طمأنینه بخشد؟

این مسئله را در تقسیم اخلاق به انظمایی و انتزاعی هم می‌توان دید. اخلاق انتزاعی یا عروجی، در ذهن یا قلب است و متعلق را آماده عروج می‌کند. اما اخلاق انظمایی یا عمومی، در رفتار روزمره مردم است و می‌کوشد از نظم اخلاقی و سامان هنجاری جامعه پاسداری کند. فقر، اخلاق انظمایی را تقریباً نابود می‌کند و اگر برخی می‌گویند فقر و ناداری نمی‌تواند گردی بر دامن اخلاق بنشانند، شاید مرادشان اخلاق انتزاعی و عروجی است که از عهده گروهی خاص از انسان‌ها برمی‌آید. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که اگر بر اثر جامعه دچار

شانه‌های نحیفش که تاب و توان انسان را می‌گیرد. به ویژه زمانی که فقر تحمیلی باشد و طعم تلخ تبعیض را هم با خود به همراه داشته باشد. بنابراین شاید بتوان گفت که «خدا» و اخلاق «خدامحور» نمی‌تواند حضور موثری در اعماق جامعه‌ای که در آن فقر وجود دارد، داشته باشد. البته این بدان معنا نیست که در جامعه‌ای که در آن فقر وجود ندارد، «خدا» و «اخلاق آخرت‌اندیش» لزوماً جایگاه مستحکم و بی‌بدیلی دارد. به هر حال دیدگاه غالب عرفا و حتی متشرعان بر این عقیده استوار است که انسان زمانی می‌تواند به محضر «او» راه یابد. و با «او» به گفتگو بنشینند که احساس زخم، سنگینی، عذاب وجدان و مسئولیت‌های بر زمین مانده نداشته باشد. فقر انسان‌ها را زخمی می‌کند، روح آن‌ها را هم سنگین و معذب می‌کند. در این شرایط اولین چیزی که به حاشیه می‌رود و فراموش می‌شود «خدا»، «معنویت» و «اخلاق» است. به قول مولانا:

ای توانگر که تو سیری، هین مخند  
 بر کژی آن فقیر دردمند

یعنی کژی و کج‌دستی فقیر، آنقدر عجیب نیست که تو بر آن بخندی. در ادامه همین بیت، سخنی از پیامبر اسلام (ص) را می‌آورد که می‌فرماید فقر، چندان به کفر نزدیک است که گویی، از آن گزیری ندارد:

صوفیان تقصیر بودند و فقیر  
 کاذب فقر آن یعی کفر بپیر



# گزارش تصویری

تبریز، محله‌ی ترلان‌دره، عکس از اصغر ایزدی جیران، تیر ۱۳۹۴



# گزارش تصویری

تبریز، محله‌ی ماللازینال، عکس از اصغر ایزدی جیران، اسفند ۱۳۹۴



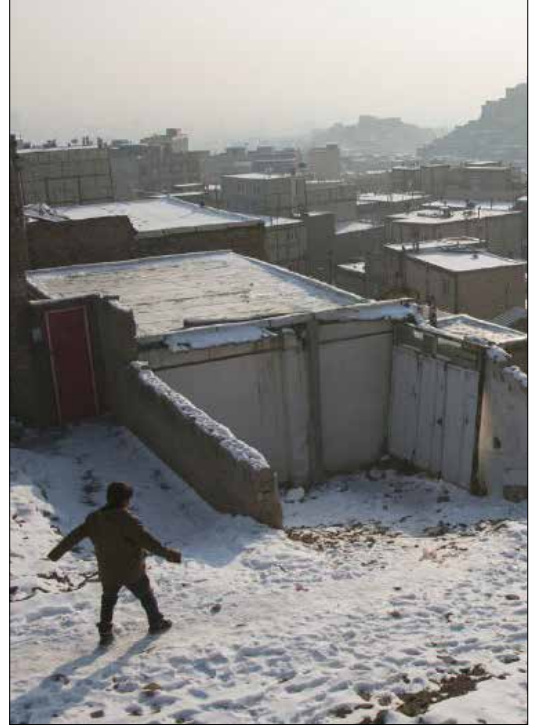
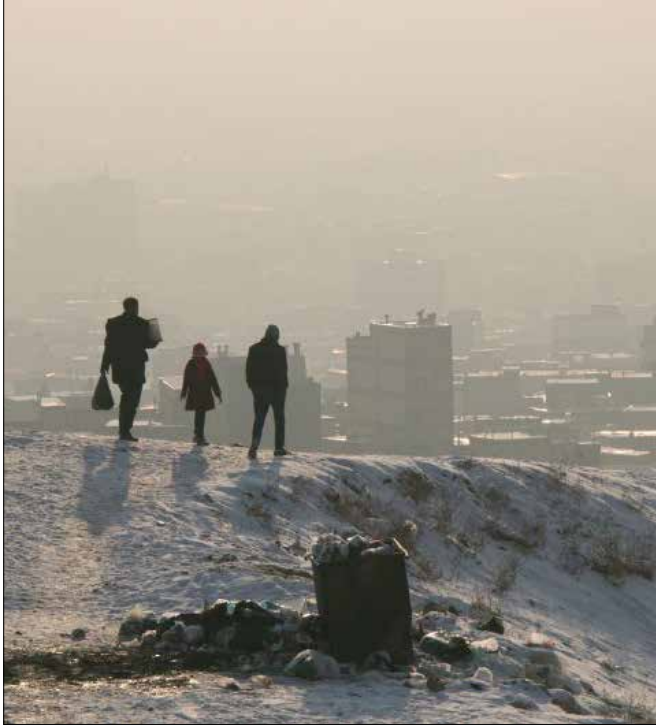
# گزارش تصویری

تبریز، محله احمد آباد، عکس از مینا نوعی، مهر ۱۳۹۴



# گزارش تصویری

تبریز، محله احمد آباد، عکس از مینا نوعی، مهر ۱۳۹۴



## گفت‌وگوی اختصاصی کارایی با جمشید برزگر رئیس کانون سراسری انبوه‌سازان ایران

# حلقه حاشیه نشینی، فضای انباشت رنج‌های بی‌انتها

نهادهای عهده‌دار نوسازی و ساماندهی حاشیه‌های دارید. آیا دست‌اندرکاران به عمق ماجرا واقفند.

**برزگر:** بله، به عنوان مثال مسئول بنیاد مسکن، آقای مهندس باباپور طی جلسه‌ای که اخیراً برگزار شد، عنوان کردند که در یکی از روستاهای آذربایجان شرقی بین ۲۵۰ الی ۳۰۰ واحد مسکونی، بدون مراجعه به بنیاد مسکن احداث شده است. این نشان می‌دهد که مسئولین در جریان امر هستند. مساله این است که تعداد افرادی که از سر ناچاری به ساختن خانه‌های غیرمجاز روی آوردند به قدری زیاد است که کنترل امور را از دست مسئولین و متولیان خارج کرده است. حاشیه‌نشینی هم در شمال تبریز هم در جنوب تبریز و هم در قسمتی از غرب تبریز مشهود است. حاشیه‌ها بسیار آسیب‌زا هستند چون در این مناطق خدمات شهری از جمله مراکز آموزشی، بهداشتی، فرهنگی، تفریحی



حاشیه‌نشینی مشکلی است که آینده شهرها به خصوص کلان‌شهرها را تهدید می‌کند. این پدیده همچنین به دنبال خود ناهنجاری‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به همراه دارد. به همین دلیل هم سندی تحت عنوان «سند ملی احیاء بهسازی و نوسازی و توانمندسازی مناطق ناکارآمد شهری» در دولت تدبیر و امید مصوب شده است اگرچه این مصوبه متأسفانه هنوز آن‌طور که باید و شاید اجرایی نشده است.

پارک و مراکز مذهبی بسیار پایین است. این امر خود زمینه‌ساز ناهنجاری‌های زیادی می‌شود افرادی که لاجرم در حاشیه‌ها سکنی گزیده‌اند. همه بالجهار و برای یافتن شغل به شهرها مهاجرت کرده‌اند. و ما باید به نوعی برای جلوگیری از مهاجرت از روستاها به شهر، اشتغال را به روستاها ببریم روستاها هم توانمند شوند اما متأسفانه تمامی امکانات در کلان‌شهرها به خصوص تهران متمرکز است. دامنه مشکل به قدری گسترده است که وزیر کشور عنوان می‌کند که بیش از یازده میلیون نفر حاشیه‌نشین داریم و باید آن‌ها را ساماندهی کنیم و همچنین ۷۷ هزار هکتار بافت فرسوده داریم که می‌گوییم ۷ هزار هکتار آن ساماندهی شده و ۷۰ هزار هکتار دیگری باقی مانده است. به گونه‌ای که در طی مسیرگشایی‌هایی که در طی سال‌های اخیر صورت گرفته است. خانه‌های بسیاری مشاهده می‌شود که به شکل ویرانه هستند.

هم‌اکنون ۵۰ درصد مسکن‌های ما مقاوم‌سازی و احیاء شده است اما ۵۰ درصد دیگر هنوز به همان منوال سابق باقی مانده‌اند. این رقم در طرح جامع مسکن عدد بزرگی است نشان می‌دهد که حدود ۲۰ میلیون نفر در وضعیت نامطلوبی زندگی می‌کنند بخش دیگری هم وجود دارند که در خانه‌های ناپایدار زندگی می‌کنند. به همین دلیل است که در مقابل بلایای طبیعی همانند زلزله بسیار آسیب‌پذیر خواهد بود. از این روی اجرای این سند، یک وظیفه اساسی و ملی است که بایستی متولیان ساماندهی و سیاستگذاران دولتی بخش صنعت مسکن و ساختمان به صورت جدی به آن بپردازند به ویژه هم‌اکنون که در دوران رکود به سر می‌بریم، رونق گرفتن صنعت ساخت‌وساز باعث بهبود وضعیت اشتغال و افزایش درآمدهای عمومی دولت خواهد

**کارایی:** آیا در مورد حاشیه‌نشینی در تبریز مطالعه‌ای صورت گرفته است؟ آیا متولیان خدمات شهری، انبوه‌سازان و معاونت‌های مرتبط در استانداری برآوردهایی در این زمینه دارند؟

**برزگر:** بله، مطالعاتی در این مورد انجام گرفته است. مساله این جاست که در یازده سال گذشته هیچ‌گونه تسهیلاتی به جز تسهیلات مرتبط با مسکن مهر بخش خصوصی تعلق نگرفته است. منظور تسهیلاتی است که بانک‌ها به متقاضیان ارائه می‌کنند و قابل انتقال به خریداران است. اوضاع جامعه به گونه‌ای است از شش دهک به پایین، برای تامین مسکن نیاز به حمایت‌های تسهیلاتی دولتی دارند. با این وجود خوشبختانه از اواخر سال ۹۴ تسهیلاتی تا سقف شصت میلیون تومان برای احداث، واحد مسکونی توسط بانک مسکن پرداخت و با نرخ ۱۸ درصد و قابل انتقال به خریداران پرداخت می‌گردد.

این تسهیلات به تناسب پراکندگی جغرافیایی شهری و روستایی ارائه می‌شود. به نظر می‌رسد افزایش سقف این تسهیلات تا ۱۵۰ میلیون تومان منجر به بهبود بیشتر در بازار مسکن گردد. افزایش سقف تسهیلات تابیدن پایه برای خریداران این امکان را فراهم می‌آورد وقتی چنین نیست و متقاضیان نمی‌توانند برای خود سرپناهی در درون شهر پیدا کنند. به سمت حاشیه شهر می‌روند. امروز حاشیه‌نشینی در شهر تبریز، در ظاهر و با احداث کمربندی پاسداران مهار شده در عوض این حاشیه‌نشینی به جنوب و جنوب شرقی شهر کشیده شده است. هم‌اکنون نواری از حاشیه‌نشینی در جنوب تبریز کشیده که از غرب از باغ معروف کجوار، آخماقیه، رواسان و اسفهان شروع و به شرق تا کندرود، فتح‌آباد و شادآباد، نعمت‌آباد و پینه‌شلوار کشیده می‌شود. مردم چاره‌ای ندارند جز این که با خرید قطعات کوچک برای خود سرپناهی درست کنند. حاشیه‌نشینی مشکلی است که آینده شهرها به خصوص کلان‌شهرها را تهدید می‌کند. این پدیده همچنین به دنبال خود ناهنجاری‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به همراه دارد. به همین دلیل هم سندی تحت عنوان «سند ملی احیاء بهسازی و نوسازی و توانمندسازی مناطق ناکارآمد شهری» در دولت تدبیر و امید مصوب شده است اگرچه این مصوبه متأسفانه هنوز آن‌طور که باید و شاید اجرایی نشده است. متولی اصلی اجرای سند وزارت راه و شهرسازی، شهرداری‌ها و معاونت‌های استانی عمران و بهسازی شهری هستند. اجرای این سند و ترمیم بافت‌های فرسوده و مهار حاشیه‌نشینی توان مضاعفی می‌طلبد و تحقق کامل آن نیازمند عزمی ملی است.

**کارایی:** با توجه به ارتباطاتی که شما با متولیان و



آنچه نیاز داریم عزم راسخ و تقید به برنامه های کارشناسی شده و استفاده از تجارب جهانی است به عنوان مثال اگر در پروژه های مسکن مهر، تناسب مناطق در نظر گرفته می شود، منابع به هدر نمی رفت. متاسفانه کارهای غیرکارشناسی صورت گرفت که دولت هنوز هم با آثار و تبعات آن درگیر است و سالیان متوالی هم درگیر خواهد بود.

**کارایی:** به عنوان سوال آخر، لطفاً بفرمایید آیا تجربه

شهرک سازی در تبریز چگونه بوده تجربه موفقی بوده است؟ مثلاً تجربه ایجاد شهرک اندیشه.

**برزگر:** خیر، تجربه موفقی نداشته ایم. مناطق مرغوب شهر تبریز همچون اراضی باغیچه، یاغچیان، زعفرانیه، گلشهر و رجایی شهر را با سیاست های غلط به هدر دادیم. در آن سال ها سیاست ما مبتنی بر واگذاری ۲۰۰ متر به هر نفر بود. خریداران هم بدون توجه به چارچوب ها

و استانداردهای شهرسازی در این مناطق شروع به ساخت و ساز کردند. شاید اگر همین اراضی بر مبنای چارچوب و اصول ساخته می شد می توانست تمام جمعیت حاشیه نشین فعلی را هم در خود جای دهد و با یک ساختار بافت مناسب که در آن ساکنین به کلیه امکانات رفاهی و تفریحی دسترسی دارند، معضل فعلی حاشیه نشینی را هم رفع و رجوع کند. هم اکنون در این مناطق با این که تنها ۱۵ یا ۲۰ سال از عمر ساختمان های سپری شده، اکثر ساکنین منازل مسکونی خود را تخریب می کنند تا آن در نوسازی کنند که من به ساختمان های جدیدالتاسیس «قفس طلایی» می گوئیم. خوب ملاحظه کنید که با این کار چه میزان از منابع کشور تلف می شود. بهتر بود که در این مناطق، مجتمع های زیبا، شاداب که تمامی شاخصه های مورد نیاز اعم از فضای سبز، فضای فرهنگی، فضای آموزشی و فضای مذهبی هم در آن رعایت شده ایجاد می شد. متاسفانه شهرک های ما هم چنین ویژگی ها ندارند. همه این ها سرمایه های ملی هستند که تخریب می شوند و از بین می روند. بنابراین باید بعد از این سیاست های کلان و بر اساس معیارها و اصول و استانداردهای شهرسازی، فضاهای جدیدی احداث کنیم. البته حتی در شهر جدید سهند هم اصول و الزامات رعایت نشده است و هیچ رنگ و بو و هویتی از شهر جدید در آن وجود ندارد. شهر جدید بدین معنی نیست که زمینی باشد و ساختمانی ساخته شود بلکه بایستی با استانداردهای جهانی با استفاده از بهترین مصالح و با لحاظ کردن الزامات استفاده بهینه از زمین رعایت گردد. ما زمین را حیث و میل می کنیم و تنها شاید یک مورد را بتوان یافت که در آن حداقل استانداردها رعایت شده است و آن شهرک خاوران است. به نظر می رسد این شهرک در آینده، شهرک موفقی باشد. در این میان با توانمند کردن بخش خصوصی فعال در این حوزه و رعایت مفاد قانون سامان دهی عرضه و تولید مسکن و آیین نامه اجرایی آن بسیار اهمیت دارد. ما نباید اجازه بدهیم که هرکسی در هر جایی اقدام به ساخت خانه کند این یکی از مشکلات اساسی ماست.

**کارایی:** جالب است که با وجود دستگاه های عریض و طویلی همچون شهرداری که عوارض و مالیات بسیاری را برای هرگونه فعالیت مرتبط با ساخت و ساز در نظر می گیرند. **برزگر:** جالب است بدانید طبق برآوردهای ما هزینه مرتبط با مجوزها و عوارض و خدمات ساخت نزدیک به ۳۰۰ الی ۴۰۰ هزار تومان برای هر متر مربع است. که مشتمل بر هزینه انشعاب آب، برق و گاز هم می شود. باز هم بر روی عزم ملی برای ساماندهی وضعیت اسکان شهروندان تاکید می کنم. هم اکنون بازار مسکن بالای ۲ میلیون واحد نیاز دارد. سالانه ۱ میلیون ازدواج هم شکل در کشور ثبت می شود. در این بازار نیاز و تقاضا به شدت وجود دارد، اما قدرت و توان خرید وجود ندارد. چون وام های مناسب تعلق نمی گیرد و بهره وام ها به شدت بالاست به صورتی که متقاضیان توان بازپرداخت اقساط را ندارند.

شد. البته برای این که در این اوضاع، به نقطه مطلوب برسیم، باید هزینه کنیم. هزینه هم عمدتاً مشتمل بر اعطای وام است. البته در این شرایط ما انتظار نداریم که بهره وام های اعطایی به اندازه بهره وامی کشورهای پیشرفته و اقساط اندک باشد بلکه حتی واگذاری وام ۱۰ درصدی هم معتدّم است و می تواند امکانی برای سروسامان یافتن چهره شهرها و هویت دار کردن آن ها باشد.

**کارایی:** آیا در دنیا و یا در

شهرهای ایران تجربه موفقی از کنترل حاشیه نشینی داریم؟

**برزگر:** نمی توانیم به کشوری لقب توسعه یافته را بدهیم، مگر این که زیرساخت های آن کشور توسعه یافته باشد. زیرساخت ها هم در واقع همان پروژه های عمرانی، حمل و نقل، جاده ها و پروژه های مربوط با عمران و آبادی و مسکن است. کشورهایی که به سمت طرف توسعه یافتگی می روند که ایران هم در این طیف می گیرد، بلاخره باید از یک نقطه ای شروع کنند. برزیل

که هم اکنون جز کشورهای توسعه یافته است، با معضل حاشیه نشینی به طور جدی دست و پنجه نرم کرده است و در این راه توفیقاتی هم کسب کرده است. کره جنوبی، ترکیه و حتی آذربایجان تجربه های موفقی در مهار ساماندهی حاشیه نشینی داشته اند. در باکو منطقه ای که ساختمان های قدیمی، تاریخی و زیبا را در بر گرفته، همچنان دست نخورده مانده اما کار ساماندهی دیگر بخش های فرسوده شهر در جریان است، اگر اکنون وضعیت این شهر را با بیست سال قبل مقایسه کنیم، متوجه تغییرات عظیمی می شویم. از طرفی در قانون اساسی هم آمده که دولت مکلف و موظف به خانه دار شدن کلیه اقشار جامعه است تا کلیه افراد از مسکن مناسب برخوردار باشند. برای تحقق این مهم نیاز به یک عزم ملی داریم.

در آینده نزدیک که نتیجه سرشماری اخیر مشخص خواهد شد، خواهیم دید که در زمینه حاشیه نشینی در چه وضعیتی قرار داریم. مثلاً از لحاظ حاشیه نشینی منطقه آخماقیه یکی از محلات بزرگ است که مدیران نه تنها از چند و چون و کیفیت زندگی مردم در آن باخبرند بلکه حتی به عنوان مثال برای جمع آوری رای در انتخابات شوراها به صورت سیستماتیک به آن ها مراجعه هم می شود در حاشیه ها البته خدماتی همانند آب، برق و گاز وجود دارد اما سایر خدمات شهری غایب است که این مساله بایستی به صورت ریشه ای توسط وزارت راه و شهرسازی حل و فصل شود.

**کارایی:** پس شما معتقد هستید که تبریز هم به صورت جدی با معضل حاشیه نشینی درگیر است؟

**برزگر:** بله برآوردها نشان می دهد که در تبریز حدود ۸۰۰ هزار نفر در مناطق حاشیه ای زندگی می کنند این مساله به ویژه در حاشیه اتوبان پاسداران و حاشیه اتوبان کسای بسیار مشهود است.

**کارایی:** به لزوم ساماندهی مناطق حاشیه ای اشاره کردید و این که حاشیه ها چگونه می توانند در نظام اجتماعی مشکل ساز ایجاد کنند اما فکر می کنید با وضعیت کنونی اقتصاد چشم اندازی برای بهبود این وضع وجود دارد؟

**برزگر:** بله، امکان دارد. من معتقدم اگر مسئولین همگی عزم خود را جزم کنند تا تک تک شهروندان مسکن درخور شان داشته باشند، می توان گام های روبه جلویی برداشت اما اگر عزم ملی و همه گیر وجود نداشته باشد، چشم انداز بسیار تیره و تار خواهد بود. اخیراً خوشبختانه مجوزی برای ایجاد صندوق به منظور تامین منابع مالی بخش مسکن در تمامی کلان شهرها و تهران صادر شده است. از طرفی می توان به تجربه های جهانی هم نظری کرد. به عنوان مثال سازمان ملل برنامه های متنوعی در رابطه با کپر نشینی، آلونک نشین و خانه های ناپایدار دارد که همه ساله در روز جهانی اسکان بشر مقارن با آخرین دوشنبه ماه اکتبر به طور مفصل در خصوص این معضلات بحث و بررسی صورت می گیرد.

# گفتمان‌های عدالت در دولت‌های پس از انقلاب



رحیم زاکری  
دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز

و گفتمان‌ها براساس نظام معنایی خود و متناسب با آن سعی دارند، مدل‌های خویش را به آن الحاق کنند و مدل‌های دیگر (رقیب) را به حاشیه برانند. مثلاً دال «نظارت» دو مدل‌های نظارت استقلالی و استصوابی دارد که در رقابت گفتمانی هر یک می‌تواند برجسته شود و دیگری را کنار بزند.

۵. دال خالی: از یک سو بازنامایی وضعیت آرمانی و مطلوبی است که گفتمان‌ها سعی در آرایه آن در بهترین وجه ممکن خویش دارند. از سوی دیگر، این وضعیت بیانگر قصور گفتمان حاکم در تأمین آن است. مثلاً توسعه سیاسی به عنوان دال خالی گفتمان سازندگی در دوران عدم ثبات این گفتمان مطرح شد. وجود دال خالی امکان پیش بینی شرایط آینده و دوام گفتمان‌ها را میسر می‌سازد.

۶. غیرثابت و اختیاری بودن رابطه دال و مدل: لاکلا برخلاف سوسور رابطه میان دال و مدل را قراردادی و اختیاری می‌شمارد و این همان اصل هستی‌شناختی ضدذات‌گرایانه نظریه گفتمان است. بر این اساس واژه‌هایی چون آزادی، عدالت و... با معانی بسیار متفاوت، نشان از در معرض تغییر بودن رابطه دال و مدل دارد، به گونه‌ای که یک دال می‌تواند در ادوار مختلف مدل‌های گوناگون داشته باشد.

۷. عناصر، وقته‌ها یا لحظه‌ها: عناصر، دال‌های شناوری هستند که در درون یک گفتمان جای نگرفته بلکه از آن طرد و در یک حوزه نسبتاً ایزوله از مفصل بندی گفتمان حاکم واقع شده و به اصطلاح در حوزه گفتمان‌گویی قرار دارند. وقته‌ها یا لحظه‌ها، دال‌هایی‌اند که در درون یک گفتمان و حول دال مرکزی به طور موقت و نسبی، تثبیت شده‌اند.

۸. حوزه گفتمان‌گویی: دال‌هایی که در بیرون از محیط گفتمانی قرار دارند و می‌توانند به عنوان مواد خامی برای مفصل بندی‌های جدید به کار روند.

۹. انسداد و توقف: وقتی که یک عنصر از حالت شناور خارج و به وقته یا لحظه تبدیل می‌شود، انسداد یا توقف که همان تثبیت معنایی نشانده‌ها است رخ می‌دهد.

۱۰. زنجیره هم‌ارزی و تفاوت: گفتمان‌ها از طریق زنجیره هم‌ارزی، تفاوت‌های موجود در میان عناصر را از بین می‌برند و به نوعی وحدت میان آنها کمک می‌کنند. در مقابل از طریق تأکید بر تفاوت‌ها، می‌تواند زنجیره هم‌ارزی را درهم بریزد و نوع جدیدی از مفصل بندی ایجاد کند. مثلاً در انقلاب اسلامی ایران همه گروه‌های مخالف شاه در زنجیره هم‌ارزی گفتمان انقلاب اسلامی قرار گرفتند و تفاوت‌های بنیادین میان آنها فراموش شد. اما بعد از انقلاب همین گروه‌ها در طی فرایند منطق تفاوت، گفتمان‌های متفاوت و متضاد را پدید آوردند.

۱۱. هم‌مونی: اگر افکار عمومی معنایی را برای دال‌های یک گفتمان هرچند موقت بپذیرند در آن صورت آن گفتمان هم‌مونی می‌شود.

۱۲. ساختار شکنی: برگرفته از دریدا و نقطه مقابل انسداد است و بر این امر تأکید دارد که برای از بین بردن هم‌مونی یک گفتمان باید ثبات معنایی آن را از بین برد تا زمینه تغییر وقته به دال شناور فراهم آید و گفتمان‌های رقیب بتوانند در فضای ناآرام پدید آمده، مدل‌های خاص خود را به دال مرکزی مورد نظر الصاق و نظام معنایی خویش را تثبیت کنند. به منظور تحلیل گفتمان هر یک از دولت‌های مذکور که در اینجا واحد تحلیل پژوهش به شمار می‌روند، اقدامات و فعالیت‌ها و محتوای برنامه‌های توسعه و... در طول دوره دولت بر اساس روش تحلیل گفتمان لاکلا و

به این منظور اقدامات و فعالیت‌ها و محتوای برنامه‌های توسعه و... هر یک از دولت بر اساس روش تحلیل گفتمان لاکلا و موف مورد تحلیل قرار می‌گیرد. عدالت اجتماعی مورد نظر این تحلیل، در سطح کلان و شامل عدالت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی-فرهنگی می‌باشد.

عدالت اجتماعی یکی از دغدغه‌های جوامع بشری می‌باشد. یکی از شعارهای اصلی انقلاب اسلامی ایران نیز تحقق عدالت اجتماعی بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، دولت‌های مختلفی بر سر کار آمده و گفتمان‌های مختلفی از عدالت اجتماعی را ایجاد کردند. هدف این تحلیل، بررسی گفتمان عدالت اجتماعی دولت‌های پس از انقلاب اسلامی ایران (دولت‌های آقایان موسوی، هاشمی، خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی) می‌باشد.

## تعریف عدالت اجتماعی:

برای عدالت اجتماعی می‌توان سه سطح فردی، میانی و کلان قایل شد. در بررسی حاضر، سطح کلان از عدالت مورد نظر می‌باشد. این نوع عدالت شامل سه بعد به معنای پارسونزی می‌باشد:

الف) بعد اقتصادی: فقرزدایی، تأمین کالاهای اساسی، پرداخت یارانه‌ها، تورم‌زدایی، فرصت‌های برابر اشتغال و بازتوزیع عادلانه درآمدها بر اساس ضریب جینی.

ب) بعد سیاسی: تأسیس و فعالیت گروه‌های سیاسی و مدنی، برابری همه در مقابل قانون، فرصت برابر در تصدی پست‌های سیاسی، مشارکت اکثریت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی.

ج) بعد اجتماعی-فرهنگی: حقوق شهروندی، قومیتی، جنسیتی، مذهبی، تأمین اجتماعی و حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر، خدمات بهداشتی، خدمات مسکن، خدمات آموزشی، خدمات فرهنگی و هنری مثل وسایل ارتباط جمعی، ارتباطات، تئاتر و سینما، مطبوعات.

تحلیل گفتمان با تحلیل کلام به لحاظ روش، در زمره تحلیل‌های کیفی قرار می‌گیرد، بطور کلی به مطالعاتی اطلاق می‌شود که زبان نوشتاری، گفتاری یا نشانه‌ای یا هرگونه پدیده‌ی نشانه‌شناختی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند. این روش تحلیل، روشی توصیفی-تحلیلی و انتقادی، و متعلق به حوزه دیدگاه‌های پسامدرن و پساساختارگرایانه می‌باشد. این روش با وارد کردن مفاهیمی نظیر قدرت، سیاست و ایدئولوژی در تحلیل‌اش، می‌تواند ظرفیت نقد تحلیل‌های خویش را ارتقا بخشد.

براساس روش لاکلا و موف، گفتمان‌ها معنای جهان اجتماعی را می‌سازند، این دو معتقد به گفتمانی (استدلالی) بودن تمام موضوعات و رفتارها هستند. مفاهیم اصلی این نوع تحلیل گفتمان عبارتند از:

۱. مفصل بندی: عبارت است از تلفیقی از عناصری که با قرار گرفتن در مجموعه جدید، هویتی تازه می‌یابند.

۲. دال و مدل: دال بیانگر اشخاص، مفاهیم، عبارات و نمادهایی انتزاعی یا حقیقی هست که در چارچوب‌های گفتمانی خاص بر معنایی خاص دلالت می‌کند. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت می‌کند، مدل نامیده می‌شود. برای مثال، تکثر مطبوعات منتقد، دال و «آزادی بیان» مدل‌ها آن است.

۳. دال مرکزی: دالی است که سایر دال‌ها در اطراف آن جمع می‌شوند و نقطه ثقل همه دال‌ها و انسجام بخش آنها است. مثل «عدالت» در حکومت امام علی و «توسعه سیاسی» در گفتمان اصلاحات.

۴. دال شناور: دالی است که مدل‌های متعدد، شناور و غیرثابت دارد

موف مورد تحلیل قرار می گیرد.

### گفتمان عدالت اجتماعی در دولت موسوی

حمایت از مستضعفان در دولت لیبرال بازارگان، دال شناوری بود که در دولت موسوی به وقته تبدیل شد. لذا دال مرکزی گفتمان عدالت اجتماعی دولت اول را «حمایت از مستضعفان یا اقشار فقیر و آسیب پذیر» تشکیل می دهد. وی در راستای این امر به اقدامات و فعالیتهایی چون توزیع اقلام اساسی، سهمیه بندی ارزاق عمومی، دادن یارانه، مبارزه با گران فروشی دست می یازد. همچنین در این میان نباید از نگرش حمایتی امام خمینی (ره) به مستضعفان و محرومان غافل بود که در برجسته سازی آن به عنوان دال مرکزی موثر بودند.

حمایت از مستضعفان با نگاه توزیعی و بازتوزیعی به عدالت اجتماعی، عملی می گردد. همچنین حمایت از مستضعفان در غیریت با مفهوم اقتصاد سرمایه داری و برنامه خصوصی سازی قرار می گیرد که به معنی اتکاء بر اقتصاد دولتی و کنترل شده توسط دولت می باشد. هر چند که علاوه بر حمایت از مستضعفان، وجود جنگ در این دوره نیز در تمرکزگرایی و اقتصاد دولتی تاثیر به سزایی دارد.

دولت اول شش لایحه مهم توزیعی یعنی لایحه اصلاحات ارضی، لایحه اراضی شهری، لایحه دولتی کردن تجارت خارجی، لایحه تهیه و توزیع کالا، لایحه اسلامی کار و لایحه ملی کردن صنایع را بین سال های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۶ به مجلس می فرستد. همه این لوایح بیانگر رویکرد شبه سوسیالیستی رادیکال و مداخله گر دولت در اقتصاد بوده و جنبه بازتوزیعی یا توزیعی داشتند. اما همه لوایح مذکور توسط شورای نگهبان رد می شود و در نهایت به صورت بسیار منعطف و غیررادیکال درمی آید.

### گفتمان عدالت اجتماعی در دولت هاشمی

نتایج حاصل از تحلیل گفتمان متون حاکی از آن است که با هژمونی گفتمان سازندگی بر فضای سیاسی و اجتماعی کشور، این گفتمان با نقد مفهوم بازنمایی شده از عدالت اجتماعی در دهه اول انقلاب و اصول و شاخصه های آن، به ویژه در بخش پرداخت سوبسید از سوی دولت به مردم، اقدام به غیریت سازی از گفتمان دولت اول نمود و مفهومی از عدالت اجتماعی را بازنمایی نمود که بسیار متأثر از فضای سیاسی و اجتماعی کشور پس از جنگ و لزوم بازسازی خرابی های ناشی از آن، ساماندهی اقتصاد کشور و حرکت به سمت و سوی رشد اقتصادی به منظور تأمین منابع مالی مورد نیاز برای امر سازندگی و بازسازی مجدد کشور بود. بر این اساس مفهومی اقتصادی با شاخصه اصلی رشد اقتصادی از سوی این دولت در بازنمایی از دال شناور عدالت اجتماعی ارائه گردید.

این دولت، مفهومی اقتصادی با شاخصه اصلی رشد اقتصادی در تحقق دال شناور عدالت اجتماعی ارائه نمود که بر این باور بود، افزایش رشد اقتصادی (بربنمای اقتصاد آزاد) به افزایش درآمد ملی می انجامد و این امر سبب تریق درآمد ملی به بدنه جامعه (از طریق نشت به پایین) می گردد که با استفاده از سیاست های توزیع مجدد درآمد، از جمله سیاست های مالیاتی به منطقی کردن توزیع رشد بین اقشار مختلف اجتماعی و از بین رفتن فقر در جامعه و ایجاد عدالت اجتماعی منجر می شود. به این شکل، گفتمان سازندگی به غیریت سازی خود با گفتمان دولت اول پرداخت. چنانکه ملاحظه می شود مقابله با فقر عمومی در این گفتمان با تکیه بر ابعاد اقتصادی و افزایش تولید پیگیری شد. این نگرش به مقوله فقر، همگرایی زیادی با دیدگاه فقر درآمدی دارد که در اندیشه توسعه به مثابه آزادی آمار تیاسن مورد نقد قرار گرفته و نگرش فقر توانمندی به جای آن مطرح می گردد.

تحلیل گفتمان برنامه های اول و دوم توسعه پیرامون موضوع فقر و محرومیت حاکی از آن است که در برنامه اول نشانه اصلی گفتمان سازندگی با عنوان «اجرای طرح های عمرانی در مناطق محروم و روستایی» با نشانه های فرعی «جلب سرمایه»، «خصوصی سازی»، «اقتصاد بازار آزاد»، «مالیات های مستقیم»، «اصلاح نظام مالیاتی» مفصل بندی این گفتمان را تشکیل می دهد. با توجه به اینکه اجرای طرح های عمرانی در مناطق محروم و روستایی به منظور احداث و توسعه مدارس، مراکز فرهنگی، هنری و ورزشی، مراکز بهداشتی، درمانی و خدماتی نیازمند صرف هزینه بود و از سوی دیگر با توجه به شرایط پس از جنگ دولت عملاً توان پرداخت چنین هزینه هایی را نداشت. بر این اساس، قرار شد که

نخست شرایط لازم جهت جلب سرمایه گذاران به منظور سرمایه گذاری در طرح های عمرانی فراهم گردد که البته این امر با اعمال سیاست خصوصی سازی و اقتصاد بازار آزاد تا حدود زیادی تحقق یافت. ثانیاً دولت در نظر داشت که بخشی از سرمایه های مورد نیاز خود را از راه درآمد های مالیاتی مستقیم تأمین نماید که به این منظور اقدام به اصلاح قوانین مالیاتی کشور نمود. ثالثاً دولت برای تأمین سرمایه های لازم در صد برآمد با توزیع برابر سرمایه در بین استان های محروم و جنگ زده، اجرای طرح های عمرانی را به انجام رساند تا به این سبب برای نخستین بار محرومیت زدایی از پرداختن صرف به یارانه فاصله گرفت و واژه تعادل های منطقه ای که همزمان با تهیه و تدوین اولین برنامه توسعه پس از انقلاب اسلامی در اسناد برنامه ریزی کشور پدیدار شده بود، عملی گردد. بر این اساس، تعادل منطقه ای به عنوان برجسته ترین نشانه در گفتمان سازندگی پیرامون مساله فقر و محرومیت زدایی ایجاد و برجسته سازی گردید. دولت نیز با تغییر در سیستم سهمیه بندی کالاهای اساسی، یارانه های پرداخت شده در چارچوب نظام تأمین اجتماعی کشور را به تدریج صرفاً متوجه افراد کم درآمد جامعه نمود.

در برنامه دوم توسعه نیز همانند برنامه اول کاهش فقر و محرومیت زدایی مورد تأکید واقع شده است. با این تفاوت که در برنامه دوم توسعه، بازسازی مناطق جنگ زده نسبت به توسعه مناطق محروم روستایی در اولویت قرار گرفته و برجسته سازی گردید. از سوی دیگر در برنامه دوم همانند برنامه اول، برابری در تخصیص اعتبارات لازم جهت محرومیت زدایی میان مناطق محروم و روستاها (ایجاد تعادل منطقه ای) مورد تأکید قرار گرفته است. اما بر مبنای برنامه دوم، دولت موظف گردیده در صد محرومیت مناطق روستایی و محروم را سنجیده و متناسب با آن برای مناطق محروم تر علاوه بر اعتبارات در نظر گرفته شده، اعتبارات بیشتری تخصیص دهد.

نهایتاً در برنامه دوم همانند برنامه اول بر ادامه سیاست پرداخت یارانه برای کالاهای اساسی و دارو و حتی الامکان علنی کردن بخشی از یارانه های پنهان و همزمان با آن، تقویت نظام تأمین اجتماعی، بیمه، امداد و تأمین کمک های مستقیم در موارد لازم به عنوان راهکاری جهت رفع محرومیت و کاهش فقر تأکید شده بود، اما با این تفاوت که در این برنامه یکی از خط مشی های اساسی در راستای تحقق عدالت اجتماعی، جهت دادن کمک های انتقالی دولت در بودجه عمومی در قالب یارانه ها، بخشودگی ها، عوارض، مالیات و سایر تسهیلات و امتیازات در راستای حمایت از اقشار آسیب پذیر و محرومیت زدایی هدف گذاری شده بود. همچنین دولت مکلف شده بود تا یارانه ها و کمک ها و انتقالات درآمدی دولت را در قالب طبقه بندی مستقل بودجه مشخص کند. بر این اساس می توان از «جهت دادن به کمک های انتقالی دولت در بودجه عمومی» به عنوان نشانه اصلی برای گفتمان سازندگی در قالب برنامه دوم توسعه یاد کرد. نتایج حاصل از تحلیل گفتمان برنامه اول و دوم توسعه در راستای کاهش فقر و محرومیت در دولت هاشمی گویای آن است که دال شناور «عدالت اجتماعی» در دولت های پس از انقلاب تا دوره هاشمی ذیل گفتمان سازندگی در قالب نشانه مرکزی «فقر و محرومیت زدایی» مسدود و در مفصل بندی این گفتمان، نظام معنایی متشکل از دال های اصلی «اجرای طرح های عمرانی در مناطق محروم و روستایی»، «تمام بازسازی مناطق جنگ زده»، «خصوصی سازی»، «اقتصاد آزاد» و «تعادل منطقه ای» حول نشانه مرکزی مذکور شکل گرفته است. نهایتاً می توان گفت توسعه در این دولت از نوع توسعه برونزا می باشد و از طرفی دولت طرفدار بخش خصوصی است اما معتقد به وجود دولت قوی حامی بازار می باشد. در این دولت نیز راه عدالت اجتماعی از اقتصاد می گذرد.

### گفتمان عدالت اجتماعی در دولت خاتمی

گفتمان اصلاح طلبی با تأکید بر توسعه سیاسی، همراهی توسعه سیاسی با توسعه اقتصادی را در جهت تحقق دال شناور عدالت اجتماعی با نشانه مرکزی کاهش فقر و محرومیت را مطرح نمود. این دولت توسعه سیاسی را عاملی زمینه های جهت تحقق عدالت اجتماعی می دانست و در کنار آن مفهومی از عدالت اجتماعی را بیان نمود که علاوه بر تأکید بر توزیع عادلانه فرصت ها و امکانات بین همه احاد در کشور بر نابرابری مشروط که مبتنی بر فراهم نمودن شرایط جهت بهره مندی افراد از امکانات و فرصت های موجود متناسب با شایستگی ها، تأکید داشت. تهیه

نظام جامع رفاه و فقرزدایی در این دولت انجام شد و به خصوصی سازی خدمات و تقدس زدایی از دولت و افزایش نقش شهروندان توجه داشت. در برنامه سوم، اصلاح ساختار و نهادسازی، برجسته سازی گشته و بر مبنای آن برنامه ریزی منطقه‌ای در راستای کاهش فقر و محرومیت و ایجاد عدالت مورد توجه قرار گرفته است؛ به طوری که در مفادی از این برنامه، نشانه‌های فرعی از جمله تمرکززدایی، توسعه و عمران مناطق محروم و تأمین امکانات آموزشی، بهداشتی، درمانی، فرهنگی، ورزشی و هنری برای نشانه اصلی «برنامه ریزی منطقه‌ای» قابل مشاهده است که این نشانه‌های فرعی در کنار یکدیگر مفصل‌بندی گفتمان اصلاح‌طلبی پیرامون مقوله فقر و محرومیت‌زدایی را شکل می‌دهند. در لایحه برنامه چهارم توسعه نیز برخلاف برنامه‌های پیشین می‌توان سازوکاری منطقی برای حل مشکل فقر به عنوان دال خالی یا نشانه کمبودهای سه برنامه توسعه پیشین (برنامه اول، دوم و سوم) مشاهده کرد؛ زیرا در این برنامه دستیابی به توسعه پایدار مدنظر قرار گرفته است و از آنجا که فقر مانع رشد و توسعه کشور می‌باشد، دولت درصدد اجرای راهکارهایی اساسی در این خصوص بوده است.

یافته‌های حاصل از تحلیل گفتمان برنامه‌های سوم و چهارم توسعه حاکی از آن است که در دولت سوم دال شناور «عدالت اجتماعی» ذیل گفتمان اصلاح‌طلبی در قالب نشانه مرکزی «فقر و محرومیت زدایی» مسدود و در مفصل‌بندی این گفتمان، حول نشانه مرکزی یادشده، نظام معنایی‌ای متشکل از دال‌های اصلی «نهادسازی»، «برنامه ریزی منطقه‌ای»، «پرداخت سوبسید»، «اشتغال»، «هدفمندی یارانه‌ها» و «برنامه جامع فقرزدایی و عدالت اجتماعی» شکل گرفته است.

در ارزیابی انتقادی گفتمان دوران اصلاحات، باید عنوان کرد گفتمان این دوره با اینکه از لحاظ چارچوب نظری و مؤلفه‌های اساسی آن، گفتمانی در چارچوب تحقق نیازهای روز کشور و دوران جدید نظام تلقی می‌شد، نتوانست آن گونه که در میان نخبگان و محافل دانشگاهی به آن توجه و درباره اش بحث شد، در بین طبقات محروم جامعه، به ویژه قشر حاشیه، نهادینه شود.

### گفتمان عدالت اجتماعی در دولت احمدی نژاد

گفتمان اصول‌گرای عدالت‌محور یا عدالت به مثابه حمایت از توده فرودست که با غیریت‌سازی خود، با گفتمان‌های پیشین بر مبنای تعریف خاص از دال شناور عدالت اقدام به اجرای طرح تحول اقتصادی نمود. در این مرحله با توجه به مفهوم بازنامایی شده از عدالت اجتماعی در این گفتمان به معنای توزیع فرصت‌ها و امکانات به طور مساوی به همه افراد و همه مناطق کشور به گونه‌ای که همه جای کشور باهم و هماهنگ پیشرفت کنند. دولت احمدی نژاد در کنار هدفمندی یارانه‌ها، خصوصی‌سازی به شیوه‌ای نوین یعنی پرداخت سهام عدالت به توده مردم را در دستور کار خود قرار داد.

با تبدیل شدن دال متعالی عدالت به نقطه کانونی گفتمان مسلط، کلیه دال‌ها و مفاهیم دیگر در رابطه با آن تعریف شد. این دال متعالی در عرصه داخلی، مدل‌های خود را در سیاست‌هایی چون ایجاد مسکن ارزان قیمت برای افراد بدون مسکن (مسکن مهر)، بهره‌مندی افراد کشور از سود حاصل از تولیدات داخلی (سهام عدالت)، تغییر الگوی پرداخت یارانه‌ها به سمت افراد نیازمند (هدفمندی یارانه‌ها)، در دسترس بودن دولت برای تمامی نواحی به ویژه نواحی دورافتاده در سفرهای استانی، ادغام شوراهای عالی به منظور کاستن از بوروکراسی زاید اداری، انحلال سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی با توجیه انطباق بیشتر برنامه‌ها با نیازهای استانی و تغییر شیوه بودجه نویسی و تخصیص بودجه یافت. لایحه برنامه پنجم توسعه کشور در ۳۰ دی ۱۳۸۹ در مجلس تصویب شد. بر مبنای این لایحه برنامه، دال شناور عدالت اجتماعی گفتمان اصول‌گرا در شکل نشانه مرکزی «فقر و محرومیت‌زدایی» به انسداد رسیده است. به عبارت دیگر این گفتمان، مطالبه خود و فقدان‌های موجود در دو برنامه توسعه سوم و چهارم در مسائل معطوف به فقرزدایی روستاییان مثل مسکن، بهداشت، بهسازی راه‌های روستاها و... را در قالب نشانه خالی گفتمان توسعه اصلاح‌طلب، برجسته کرده و با قرار دادن آن در جایگاه نشانه ممتاز گفتمان خود به همراه نشانه‌های اصلی یعنی «بهبود وضعیت روستاها»، «کاهش نابرابری‌های موجود میان

جامعه شهری و جامعه روستایی» و «ارتقاء سطح درآمد و کیفیت زندگی روستاییان»، به ساختار شکنی از دال مرکزی گفتمان توسعه اصلاحات پرداخته و با ایجاد تزلزل در نظام معنایی تثبیت یافته آن، گفتمان خود را مفصل‌بندی کرده است.

عدالت اجتماعی در دوره ریاست‌جمهوری احمدی نژاد دال مرکزی گفتمان وی بود، اما به جای رویکردهای توزیعی و شبه‌سوسیالیستی اوایل انقلاب خصوصاً دولت اول، تلفیقی از رویکردهای مردم‌گرای و نئوکلاسیک مورد استفاده قرار گرفت. وجه نئوکلاسیک این رویکرد را می‌توان در نوع اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها و آزادسازی قیمت‌ها دید. این طرح دارای وجوه مردم‌گرایی مانند پرداخت یارانه‌های نقدی نیز بود. این رویکرد تلفیقی، اگرچه با توجیه ارزشی اجرای عدالت اجتماعی صورت می‌گرفت، اما ریشه در واقعیت‌هایی چون نابسامانی وضعیت پرداخت یارانه‌ها، عدم شفافیت قیمت‌ها و اسراف در مصرف انرژی نیز داشت. یعنی هم برآمده از ارزش‌ها بود و هم ریشه در واقعیت‌ها داشت.

### گفتمان عدالت اجتماعی در دولت روحانی

گفتمان عدالت دولت روحانی یا عدالت به مثابه توسعه، در غیریت‌سازی خود با گفتمان پیش از خود، یعنی گفتمان عدالت محور دولت چهارم، قرار دارد که بر توزیع فرصت‌ها و امکانات به طور مساوی به همه افراد و همه مناطق کشور استوار بود. گفتمان دولت روحانی بر تعریف نئولیبرالی خصوصاً با رویکرد نهادگرایانه و نئوکینزی از دال شناور عدالت استوار است. به این معنی که کار دولت را نه اجرای پروژه‌ها و یا تقسیم اعتبارات و یا خصوصی‌سازی، بلکه آماده ساختن و بهبود بخشیدن محیط کسب و کار و تقویت ساختار رقابتی برای رونق تولید در بخش صنعت و کشاورزی و خدمات می‌داند. این گفتمان به ساختار شکنی از وجوه پوپولیستی طرح تحول اقتصادی دولت قبلی پرداخت. چنان که در مورد پرداخت یارانه‌های نقدی، سعی کرد از راه‌هایی چون ثابت نگه داشتن مبلغ یارانه نقدی، ترغیب جامعه به انصراف از آن و یا توزیع سبد کالا به جای آن، آن را به حوزه گفتمان گونگی بکشاند. همچنین نشانه‌هایی چون قضیه بورسیه‌های غیرقانونی یا گم شدن دکل‌های نفتی یا اختلاس‌های گسترده و کلان پولی و بانکی که دال عدالت اجتماعی به نفع جناح یا گروه خاصی و به طور غیرقانونی مورد سوء استفاده قرار گرفته است را برجسته سازی کرد. جناح رقیب نیز با نشانه‌هایی مشابه چون حقوق‌های نجومی به مقابله پرداخت. هر چند که از سوی دولتمردان یازدهم خصوصاً رییس‌جمهور، اقداماتی چون کنار گذاشتن اعضای هیئت مدیره متخلف، صدور دستور پیگیری و به اطلاع رسانی وجوه پرداختی به وقوع پیوست، اما در عین حال نوعی بی‌اعتمادی را نیز نسبت به دولت به وجود آورد و هژمونی این گفتمان را دچار تزلزل ساخت.

دولت روحانی همچون دو دولت سازندگی و اصلاحات، گفتمانی مبتنی بر دولتی توسعه‌گراست. در این گفتمان همانند دولت سازندگی اولویت امور اقتصادی، برجسته است. این گفتمان کم و بیش این توسعه‌گرایی را در چارچوب مکتب نوسازی تعریف کرده است و بر همین مبنای سعی دارد توسعه اقتصادی را با بهبود روابط با دنیای خارج خصوصاً دنیای غرب میسر سازد. بنابراین یکی از نشانه‌های اصلی گفتمان دولت تدبیر و امید، اقتصاد برون‌زا می‌باشد بر اساس اقتصاد برون‌زا، جهان یک کل به هم پیوسته و به هم وابسته تصور می‌شود که باید برای تولید ثروت با استفاده از سیاست خارجی تعامل‌گرا، درهای کشور را به دارندگان ثروت جهانی گشود تا بتوان اقتصاد را بسامان کرد. بنابراین اولویت دولت روحانی در حل مسایل اقتصادی و نیز توسعه‌گرایی، تعامل با کشورها خصوصاً کشورهای غربی و توسعه یافته را که دال خالی گفتمان دولت قبلی محسوب می‌شد به یک‌وقت تبدیل نمود و در مفصل‌بندی گفتمان خود قرار داد. بر همین اساس دولت روحانی رشد و توسعه اقتصادی و گشایش در آن را منوط به حل مهم‌ترین مشکل سیاست خارجی یعنی پرونده هسته‌ای و رفع تحریم‌ها می‌دانست. بنابراین قبل از هر اقدام و برنامه‌ای، توافق هسته‌ای (برجام) را در صدر برنامه‌های خود قرار داد. این عنصر گفتمانی دقیقاً در ضدیت با سیاست خارجی دولت قبل قرار داشت که مبنی بر تقابل با دنیای غرب بود.

# کیفیت زندگی مددجویان

محمدحسین ذالی بیگلو  
مدرس و محقق مراکز علمی کاربردی



## مقدمه

با آغاز دهه ۱۹۸۰ نگرش‌های نوینی با عناوین شاخص پایداری رفاه اقتصادی و شاخص فیزیکی کیفیت زندگی مطرح گردید. شاخص‌های فیزیکی کیفیت زندگی به سنجش مرگ و میر نوزادان، میزان سواد و امید به زندگی به عنوان معیارهای سنجش

بهبودی و رفاه می‌پردازند.

کیفیت زندگی نشان‌دهنده ویژگی‌های کلی اجتماعی، اقتصادی و محیطی مناطق است و می‌تواند به عنوان ابزاری قدرتمند برای نظارت بر برنامه ریزی توسعه اجتماع به کار رود. لذا هدف غایی مطالعه کیفیت زندگی و کاربرد متعاقب آن، بدین منظور است که مردم توان بهره‌مندی از زندگی با کیفیت مطلوب را داشته باشند.

با افزایش جمعیت شهرنشینی و تمرکز صنایع، سرمایه‌ها، امکانات و خدمات شهری رشد کرده و شهرهای بزرگ به کلان‌شهرهای کنونی تبدیل شده و مشکلات جبران‌ناپذیری برای بشر پدید آمده است. به همین دلیل توجه بسیاری از دانشمندان و صاحب‌نظران به مفهوم کیفیت زندگی معطوف شد تا از این طریق تلاش‌هایی در راستای ارتقاء شرایط زندگی و بهبود بخشیدن به بعد کیفی زندگی بشر صورت گیرد. بنابراین، در یک شهر سالم با کیفیت بالا، شرایط کالبدی، اجتماعی و اقتصادی در جهت توانمندسازی ساکنین شهر برای اجرای نقش‌های زندگی و شکوفایی استعدادها آن فراهم است.

شهر تبریز در توسعه ادواری تابع شیوه معینی از محلات و مناطق بوده و هر منطقه و محله شهری خصوصیات مختلف خود را داشته است. کالبد کنونی شهر تبریز عملاً تمامی سطح بستر طبیعی و یکپارچه آن را اشغال نموده و به عنوان یکی از مادرشهرهای ایران در معرض یک تحول کیفی قرار گرفته است. امروز مادرشهر تبریز دیگر یک کانون کالبدی-اجتماعی یکپارچه و همگون نمی‌باشد، بلکه مجموعه‌ای از کانون‌های پراکنده و ناهمگون است که در شبکه پیچیده‌ای از روابط اقتصادی-اجتماعی و کالبدی-فضایی به هم گره خورده و در ارتباط با هم است. با توجه به استقرار شهر در پهنه خطر بسیار بالای زلزله و تحولات عظیم در ساختار جمعیتی آن طی نیم قرن اخیر و به تبع آن رشد فیزیکی شهر به همراه ایجاد محلات جدید و تغییر در بافت و تیپولوژی محلات قدیم آن در سطوح مختلف اقتصادی-اجتماعی-فرهنگی و با عنایت به اینکه این شهر به عنوان یکی از بزرگترین کانون‌های شهری کشور با موقعیت ممتاز مبادلاتی-ارتباطی-خدماتی-صنعتی و شهری می‌باشد، به ناچار مسائلی مذکور باعث شده سازمان سنتی شهر را که تا گذشته نه چندان دور متکی به تقسیمات محله‌ای بود، در هم شکسته، استقلال نسبی محلات متزلزل شده و محدوده‌های معین محلات سنتی قابل شناسایی نباشند.

بنابراین به نظر می‌رسد بین بافتهای هفتگانه شهری از نظر عرض خیابان، میزان فضای سبز، سهولت دسترسی به خدمات رفاهی، خدماتی، آموزشی، درمانی، اداری و سایر خدمات شهری تفاوت فاحشی وجود دارد که این تفاوت باعث افزایش مسافت‌های درون شهری، ناهنجاریهای

اجتماعی و مشکلات دیگری می‌شود.

بنابراین با توجه به موارد مطروحه، در این نوشته، کیفیت زندگی شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی، محیطی و کالبدی در بین مددجویان کمیته امداد امام خمینی (ره) در سطح محلات تبریز به عنوان مسأله اصلی مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای ورود به بحث می‌توان سؤالاتی بشرح ذیل طرح نمود:

- کیفیت زندگی مددجویان در محلات مختلف کلان‌شهر تبریز چگونه است؟

- چه تفاوت‌هایی بین کیفیت زندگی مددجویان از بعد اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، زیست محیطی و کالبدی-فضایی در محلات شهر تبریز وجود دارد؟

- کدام متغیرها با کیفیت زندگی در مناطق مختلف شهر تبریز رابطه دارد؟

## کیفیت زندگی

کیفیت زندگی مفهوم گسترده‌ای است که دارای معانی گوناگونی برای افراد و گروه‌های مختلف است. برخی آن را به عنوان قابلیت زیست‌پذیری یک ناحیه، برخی دیگر به عنوان سنجش‌ای برای میزان جذابیت و برخی به عنوان رفاه عمومی، بهبودی اجتماعی، شادکامی، رضایتمندی و... تفسیر کرده‌اند. بسیاری از محققان بر این باورند که کیفیت زندگی مفهومی چند وجهی، نسبی، متأثر از زمان، مکان، ارزش‌های فردی و اجتماعی است.

لیو (Liu) در سال ۱۹۸۳ کیفیت زندگی را "عنوانی جدید برای مفهوم قدیمی بهبودی مادی و روانی مردم در محیط زندگی خود" توصیف کرده است. مولر (Moller) در سال ۱۹۸۳ کیفیت زندگی را میزان رفاه افراد و گروه‌ها تحت شرایط اجتماعی و اقتصادی عمومی تعریف می‌کند.

فو (Foo) در سال ۲۰۰۰ کیفیت زندگی را رضایت کلی فرد از زندگی می‌داند. پسون (Pacion) در سال ۲۰۰۳ کیفیت زندگی را این‌گونه تعریف می‌کند: اصطلاح کیفیت زندگی به طور کلی به وضعیت محیطی که مردم در آن زندگی می‌کنند (مثل آلودگی و کیفیت مسکن) و همچنین به برخی صفات و ویژگی‌های خود مردم (مثل سلامت و میزان تحصیلات) اشاره دارد. کوستانزا و همکاران (Costanza et al) در سال ۲۰۰۷ کیفیت زندگی را بعنوان میزان تأمین نیازهای انسانی در ارتباط با ادراکات افراد و گروه‌ها از بهبودی ذهنی تعریف می‌کند. داس (Das) در سال ۲۰۰۸

کیفیت زندگی را بعنوان بهبودی و یا عدم بهبودی مردم و محیط زندگی آنها تعریف می‌کند. با توجه به تعاریف ارائه شده می‌توان واژگان کلیدی مورد استفاده در تعریف کیفیت زندگی را اینگونه خلاصه کرد: واقعیات عینی، ادراک ذهنی، برخورداری، بهبودی، رضایت از زندگی و نیازهای انسانی. از ملاحظات مفاهیم فوق، می‌توان به این موارد اشاره نمود:

• ایده و مفهوم کیفیت زندگی یک ایده چند وجهی است که با یک پهنه وسیع از شاخصها و بنابراین در زیر یک سایه قرار دارد. در عین حال موضوعی میان رشته‌ای مفهومی چند بعدی است.

• مفهوم کیفیت زندگی یک متغیر مرکب می‌باشد که از چندین متغیر متأثر می‌گردد. تغییر در سطح درآمد مردم، شرایط زندگی، وضع سلامت، محیط، فشار روحی روانی، فراغت، شادمانی خانوادگی، روابط اجتماعی و چندین متغیر دیگر نظیر آن، که به شکل مرکب کیفیت زندگی و تغییرات آن را تعیین می‌کنند.

مشخصات روش های سنجش کیفیت زندگی

روش سنجش کیفیت زندگی	تاکید	ایراد
عینی	سنجش امکانات، تجهیزات و شرایط بیرونی	پایایی پایین
ذهنی	ادراکات فردی و جمعی از کیفیت زندگی	قابلیت اطمینان پایین
عینی و ذهنی	ترکیبی از حقایق خارجی و ذهنیت های فردی	وابسته به ترکیب شاخص های ذهنی و عینی

منبع: شفیعا، کاظمیان، ۱۳۹۲

ابعاد کیفیت زندگی مرتبط با سلامت در متغیرهای زیر گنجانده شده است:

- الف) درد جسمانی
- ب) سلامت عمومی
- ج) عملکرد جسمانی
- د) محدودیت عملکرد عاطفی
- ه) محدودیت عملکرد جسمانی
- و) عملکرد اجتماعی
- ز) نشاط و سرزندگی
- ح) سلامت روانی

نتیجه گیری

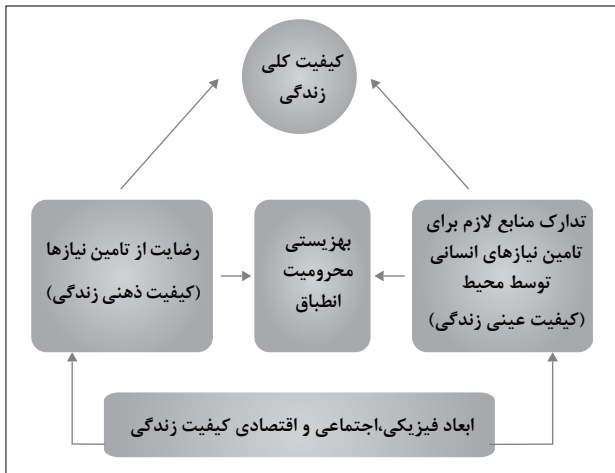
کیفیت زندگی از جمله مفاهیم گسترده ای است که اهمیت آن به طور روزافزونی در بسیاری از عرصه های مطالعاتی رشته های مختلف علمی و دانشگاهی در حال گسترش است امروزه بخش جدیدی از مطالعات مربوط به کیفیت زندگی، بر کیفیت زندگی شهری و واژه های مفهومی مرتبط اختصاص یافته است لذا شاید این اولین تحقیقی باشد که به بررسی کیفیت زندگی مددجویان کمیته امداد امام خمینی (ره) در کلان شهر تبریز پرداخته است بنابراین:

با توجه به نتایج به دست آمده از مطالعه حاضر می توان گفت که بین عوامل اجتماعی با کیفیت زندگی رابطه معناداری وجود دارد. یکی دیگر از نتایج بدست آمده در این بررسی این است که بین عوامل زیست محیطی با کیفیت زندگی مددجویان رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد که نتیجه ی این بررسی با رضایتمندی ساکنین محله از طریق شاخص های کیفیت محیطی همسوزایی شده است.

از دیگر نتایج به دست آمده در این تحقیق که می توان به آن پرداخت می توان گفت که بین کیفیت زندگی و کیفیت فضا رابطه معناداری وجود دارد که این نتیجه نیز با نتایج تحقیق کاظمی (۱۳۸۸) همسو و سازگار می باشد و همچنین براساس تعریف سیف الدینی کیفیت زندگی شهری در برگیرنده ابعادی روانی است که شاخص هایی همچون رضایت، شادمانی و امنیت را در برمی گیرد. در برخی موارد، رضایت اجتماعی نیز نامیده می شود. همچنین ابعادی محیطی که دربرگیرنده سنجه هایی همچون مسکن، دسترسی به خدمات و امنیت محیطی است. جنبه های دیگر در برگیرنده توجه به فرصتهای اجتماعی، امیدهای اشتغال، ثروت و اوقات فراغت است.

پیشنهادها

۱. از آنجا که جمعیت مورد مطالعه یعنی مددجویان کمیته امداد امام خمینی (ره) کلان شهر تبریز وضعیت اقتصادی مطلوبی ندارند باید برای این افراد به لحاظ اقتصادی شرایطی فراهم گردد تا بتوانند با انتخاب درستی از شرایط اقتصادی حاکم، به خودکفایی و توانمندی برسند.
۲. جمعیت مورد مطالعه (کمیته امداد امام خمینی) عموماً از طبقات پائین اجتماعی هستند که به نوعی بدلیل شرایط نامناسب اقتصادی و اجتماعی مجبور به سکونت در اسکانهای غیررسمی شهر رغبت نشان داده و به نوعی در معرض آسیب های زیست محیطی و فضایی قرار دارند لذا بایستی ضمن تقویت بینان خانواده آنان، زمینه ای برای مشارکت آنها در فضاهای اجتماعی و اقتصادی مناسب فراهم گردد.
۳. با در نظر گرفتن این نکته که نتایج این بررسی، ناظر بر بخش بسیار محدودی از این جامعه به دلیل عدم دسترسی به همه نمونه هاست بی تردید نتایج به دست آمده در جهت ارائه راهکارهایی مفید برای افزایش کیفیت زندگی مددجویان کافی نخواهد بود.



کمیته ای امداد

کمیته ای امداد به عنوان نهاد یا سازمان غیرانتفاعی عالم المنفعه، به لحاظ رسالتی که دارد، با درصد بیشتری از مردم فقیر و روستا سر و کار دارد و برنامه های حمایتی را در خصوص کاهش فقر و روستاییان انجام می دهد. کمیته ای امداد در واقع یک نهاد کاملاً خیریه ای نیست بلکه در کنار امور خیریه به کارهای دیگری نیز می پردازد و بنابراین در جهت کاهش ابعاد مختلف فقر (فقر درآمدی، قابلیت یا مشارکتی، فقر مبتنی بر طرد اجتماعی)، راهبردها (رشد اقتصادی و توسعه ای انسانی) و سیاست های مختلفی (مستقیم و غیرمستقیم) را به کار می گیرد

مددجو

مددجو کسی یا فردی است که دلیل عدم توانایی در اداره زندگی قادر به امرار معاش نبوده و از خدمات حمایتی بهره مند می باشد.

شاخص های آماری

با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی طبقاتی، جامعه آماری شامل کلیه ی مددجویان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) در سطح محلات شهر تبریز می باشد که برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده می شود و براین اساس با توجه به جمعیت جامعه آماری مورد نظر تعداد نمونه قابل بررسی ۳۷۵ نفر است. با استفاده از طیف لیکرت اندازه گیری متغیرهای پژوهش انجام پذیر شده است. برای سنجش پایایی نیز از محاسبه ضریب آلفای کرونباخ استفاده می شود و برای سنجش اعتبار از ضریب همبستگی

## گفت‌وگوی اختصاصی کارایی با حسن استوار آذر مدیر کل دفتر امور اجتماعی و فرهنگی استانداری آذربایجان شرقی

### کاهش فشار فقر، اولویت اول



**کارایی:** پس این دفتر نقش فعالی در این موارد دارد؟  
**استوار آذر:** بله، در زمینه پژوهش‌های علمی، مشارکت ما با دانشگاه‌های استان و همچنین جهاد دانشگاهی و محافل علمی بسیار گسترده است. بدین ترتیب و در جریان برگزاری جلسه‌های متعدد راهکارهای اجرایی و عملی توسط متولیان امر و مسئولین اجرایی ارائه می‌گردد. همان‌طور که می‌دانید آسیب‌های اجتماعی که معالاف سیر صعودی هم دارد، یعنی جامعه به تدریج و با نفوذ هرچه بیشتر تکنولوژی‌های نوین، دستخوش مسائل متنوع‌تری شده است. از طرفی ارتباطات جهانی هم روز به روز گسترش می‌یابند و متاسفانه ما افزایش آسیب‌ها هستیم. البته آمار استانی در زمینه آسیب‌ها کمتر از سطح کشور است، ولی با توجه به بافت و ترکیب جمعیتی و قدمت استان و سابقه‌ای که داریم حتی همین میزان هم مقبول نیست و تلاش بر این است که حداقل‌ها هم از میان بروند و ما در این راستا تلاش می‌کنیم.

**کارایی:** آقای استوار آذر شما در تبیین علل آسیب‌ها - که البته موضوع مورد بحث ما صرفاً مساله فقر است - به گسترش ارتباطات و تعاملات سایبری اشاره کردید اما زمانی که مطالعات مربوط به دلایل و عوامل آسیب‌های اجتماعی به صورت جامع مورد توجه است، موارد دیگری مورد شناسایی قرار می‌گیرد. به عنوان مثال درآمد قابل تصرف مردم یکی از آسیب‌های جدی است که با مساله فقر ارتباط برقرار می‌کنند. نظر شما در این باره چیست؟ آیا آسیب‌های ما صرفاً به دلیل گسترش ارتباطات در حوزه مجازی است؟

**استوار آذر:** نخیر، اداره کل امور اجتماعی هم با زمینه‌سازی ارتقاء سرمایه‌های اجتماعی و هم با تقویت انسجام و وحدت ملی در کاستن از آسیب‌ها تاثیرگذار است. مساله آسیب‌های اجتماعی اخیراً از حوزه وزارت کشور به نهاد ریاست جمهوری انتقال پیدا کرده است و تحت مسئولیت آنان جلسات مربوطه برگزار می‌شود. این مساله، به جهت اهمیت موضوع بوده است. از سال پیش چهار جلسه در حضور مقام معظم رهبری تشکیل شده و پنج آسیب اعتیاد، طلاق، حاشیه‌نشینی

**کارایی:** یکی از وظایف اداره کل فرهنگی و امور اجتماعی استانداری، رسیدگی به مسائل و آسیب‌هایی است که جامعه به آن‌ها مبتلاست. به نظر می‌آید که یکی از عمده‌ترین آسیب‌ها فقر و مساله حاشیه‌نشینی است. در راستای پرونده فقر ما با برخی صاحب‌نظران صحبت کردیم و تمام آن‌ها طی صحبت‌های خود اشاره داشتند که طی ده سال اخیر به جز حاشیه اتوبان پاسداران تبریز، از غرب در باغ معروف تا شرق در نعمت‌آباد هم یک کمربند حاشیه‌نشینی شکل گرفته است. با این مقدمه آیا این اداره کل به عنوان مهم‌ترین تشکیلات دولتی موجود در استان در زمینه آسیب‌های اجتماعی است. مطالعه و یا ارزیابی از مساله حاشیه‌نشینی و فقر در تبریز صورت داده است؟

**استوار آذر:** بسم‌الله الرحمن رحیم. از شما به دلیل پرداختن به موضوع آسیب‌های اجتماعی تشکر می‌کنم. متاسفانه همان‌طور که مستحضر هستید در استان ما حدود ۶۰۰ هزار نفر حاشیه‌نشین وجود دارند که بخش اعظم آن، یعنی حدود ۴۲۰ هزار نفر متعلق به شهر تبریز است که براساس مهاجرت‌های بی‌رویه و یا کوتاهی و غفلت‌های در مبداء، این حاشیه‌نشینی‌ها به وجود آمده است. ساکنان این مناطق به دلیل محرومیت از امکانات و تخصیلات اولیه دچار مشکلات عدیده‌ای می‌شوند. در این راستا قبلاً در مجموعه اداره کل امور اجتماعی استانداری یک مرکز مطالعات اجتماعی وجود داشت. که البته امروز از این حوزه خارج و منحل شده است. هم‌اکنون تشکیلات دیگری این مهم را بر عهده دارد ولی ما هم حسب وظایف ذاتی و انجام وظیفه در برخی حوزه‌ها ورود کرده‌ایم. و در این راستا هم از نظر پژوهشی و هم از نظر سیاست‌گذاری جلساتی برگزار گردیده است. به عنوان مثال جدیدترین کار پژوهشی صورت گرفته در این زمینه در رابطه با سرقت و راه‌کارهای کاستن از آن است. این راه‌کارهای عملی و اجرایی در ۱۹ بند تدوین و تنظیم و به جهت ارائه تدبیر به شورای تأمین استان ارائه گردید. همچنین در بحث خودکشی و یا مسائل مربوط به آسیب‌های اجتماعی هم کارهای پژوهشی در حال انجام است.

فساد و فحشا و بی‌بندوباری در آن مورد بررسی قرار گرفته است. در همین راستا از دستگاه‌ها هم به صورت جدی تقاضا شده که در جهت انجام کار خارق‌العاده علاوه بر وظایف معمول خود اقدام نمایند. در کنار این موضوع و در بررسی آسیب‌ها یکی از علل اصلی، مساله بیکاری است که انواع و اقسام مسائل همراه با بیکاری به وجود می‌آیند.

همچنین سطح درآمد مردم هم ارتباط مستقیمی با معضلات

و مشکلات دارد که جامعه ما به دلیل اعمال تحریم‌ها و علی‌رغم وجود منابع غنی در کشور با مساله کاهش درآمد شهروندان مواجه شده است.

**کارایی:** بخش عمده‌ای از ارتباطات این اداره کل با سازمان‌های مردم‌نهاد است آیا این دفتر در طی چهار سال گذشته همکاری و ارتباط نزدیکی با این سازمان‌های مردم‌نهاد در راستای کاستن از رنجی که فقر به انسان‌ها تحمیل می‌کند، داشته است؟

**استوار آذر:** خوشبختانه استان ما از حیث راه‌اندازی سازمان‌های مردم‌نهاد یا ان‌جی او ها (سمن‌ها) هم قدمت بالایی دارد و هم سمن‌های فعالی نسبت به سطح کشور، در آن وجود دارد که این مساله برای استان باعث افتخار است. امروز بالای ۶۰۰ سمن ثبت شده و پروانه‌دار در استان آذربایجان شرقی فعالیت می‌کنند. باور ما این است که «سمن» یک تشکل مردمی است ولی آن‌طور که می‌دانید و مشاهده می‌کنیم، تشکل‌ها و محافل گوناگونی وجود دارند که خدمات متنوعی به هم‌نوعان خود ارائه می‌کنند از جمله در محلات زنان تشکل‌هایی دارند مانند محافل قرآنی و هیات‌های مذهبی که متولی انجام امور خیریه نیز هستند. در رابطه با سمن‌های ثبت شده هم تعدادی از آن‌ها به صورت بسیار فعال و توانمند در سطح کشوری، در زمینه آسیب‌های اجتماعی فعالیت می‌کنند و ما سعی کرده‌ایم تا بستر مناسبی برای آن‌ها ایجاد کنیم. البته در برخی حوزه‌ها، توفیق ایجاد شبکه را یافته‌ایم همچون موارد مرتبط با مسائل زیست محیطی، و بهداشت درمان که در آستانه راه‌اندازی است. متأسفانه سمن‌ها در رابطه با آسیب‌های اجتماعی فعلاً ورود جدی پیدا نکرده‌اند. اگرچه آمار و ارقام، تعداد قابل توجهی از تشکل‌های مردمی را نشان می‌دهد که در مورد آسیب‌های اجتماعی در استان بسیج شده‌اند. براساس آمار که شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان، تعدادی از سمن‌ها در این حوزه به صورت جدی فعال هستند اگرچه هنوز تا به وجود آمدن کامل شبکه راه درازی در پیش است. اما این تشکل‌ها به صورت منسجم فعالیت می‌کنند. در بحث فقر در استان ما سمنی به نام هیات مستمندان تبریز وجود دارد که قدمتی بالغ بر ۶۰ سال دارد و در سطح کشور تشکیلات بی نظیری است و وظیفه عمده آن دست‌گیری از فقرا و مبارزه با تکدی‌گری است.

**کارایی:** دولت چه کمکی در این راستا به این موسسات انجام می‌دهد؟

**استوار آذر:** ما سعی کرده‌ایم در توانمندسازی و توسعه این سمن‌ها گام‌هایی برداریم و با فعالین این حوزه‌ها ارتباط تنگاتنگی داریم تا در نهایت بتوانیم مشکلات این حوزه‌ها را با مسئولین کشوری تاثیرگذار در میان بگذاریم. حتی خود وزرا را هم برای بازدید از این سمن‌ها برده‌ایم تا مستقیماً در جریان مسائل و مشکلات مربوطه قرار گیرند و هم در خصوص رفع مشکلات و موانع گام‌های اساسی‌تر بردارند. البته همان‌طور که می‌دانید سمن‌ها تشکیلات دولتی نیستند که زیر چتر حمایت مالی مستقیم دولت‌ها قرار بگیرند ولی تلاش می‌کنیم که این تشکل‌ها، مورد حمایت قانونی قرار بگیرند. البته در سطح کلان اقداماتی انجام شد و پیش‌نویس قانونی جهت ارسال به مجلس تهیه شد. این پیش‌نویس در جهت حمایت از سمن‌ها و رفع مشکلات ثبتی

مساله آسیب‌های اجتماعی اخیراً از حوزه وزارت کشور به نهاد ریاست جمهوری انتقال پیدا کرده است و تحت مسئولیت آنان جلسات مربوطه برگزار می‌شود. این مساله، به جهت اهمیت موضوع بوده است. از سال پیش چهار جلسه در حضور مقام معظم رهبری تشکیل شده و پنج آسیب اعتیاد، طلاق، حاشیه‌نشینی، فساد و فحشا و بی‌بندوباری در آن مورد بررسی قرار گرفته است. در همین راستا از دستگاه‌ها هم به صورت جدی تقاضا شده که در جهت انجام کار خارق‌العاده علاوه بر وظایف معمول خود اقدام نمایند

می‌گیرد؟

**استوار آذر:** بله، البته می‌دانید که مجموعه استانداری به عنوان سیاست‌گذار و ناظر و نظارت‌گر است اما در طول سال کارگروه‌های فعالی داریم؛ از جمله کارگروه اجتماعی فرهنگی که به صورت کلان به موضوعات مرتبط ورود می‌کند و کمیته‌های منتسب به این کارگروه‌ها از جمله کمیته مبارزه با مصرف مشروبات الکلی، کمیته بررسی علل خودکشی و کمیته بررسی تهدیدات سایبری، به طور متعدد جلسه تشکیل می‌دهند. در طول سال بازرسی‌هایی از اقدامات دستگاه‌های استانی و فرمانداران صورت می‌گیرد و گزارش‌گیری که از این فرمانداران انجام می‌شود تقریباً در همان راستای نظارت بر عملکردها است.

**کارایی:** به عنوان آخرین سوال فکر می‌کنید که امروز مردم چقدر انتظار دارند که مشکلات معیشتی که با آن درگیر هستند، به دست دولت و دولتیون حل شود؟

**استوار آذر:** البته قطعاً بازتاب دیدگاه مردم توسط رسانه‌ها به خوبی انجام می‌پذیرد. اما من به عنوان یک خادم کوچک این مجموعه عموماً شاهد برداشته شدن قدم‌هایی بوده‌ام که در جهت کاستن از مشکلات معیشتی مردم است. اما این‌که نتیجه و توفیقات این گام‌ها چگونه بوده است، بحث دیگری است. قبول می‌کنیم که نتیجه آن‌طور که باید و شاید در شان مردم نبوده است. به دلیل این‌که ما هم در بطن مردم زندگی می‌کنیم، می‌بینیم که مردم دچار مشکلات کم‌رکنی شده‌اند. به همین دلیل انتظار است که دولت‌مردان هرچه زودتر اهتمام ویژه‌ای نسبت به این مساله بگذارند. مقام معظم رهبری همواره دغدغه معیشت مردم را دارند. مخصوصاً در مباحث اجتماعی اخیراً به صورت مستقیم وارد کار شده‌اند و ابلاغ صریح هم شد که دستگاه‌ها علاوه بر وظایف خود با کارهای فوق‌العاده در جهت کاستن از فشارها حرکت نمایند. بخشی از آسیب‌های اجتماعی، محصول فقر و فلاکت است اگر چه اکثر افرادی که در این شرایط با فقر مواجه شدند انسان‌های بسیار شریفی هستند اما در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار گرفته‌اند. امیدواریم هرچه سریع‌تر شاهد کاهش این موارد باشیم.





# برنامه ریزی توسعه روستایی



احمد بشیری، کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی  
کارشناس اداره کل امور عشایر آذربایجان شرقی

## مقدمه:

نواحی روستایی دارای جایگاه مهمی در کل نظام سکونت سرزمینی می باشند و اگر به دلایلی در روند پیشرفت و توسعه فضاهای روستایی وقفه ایجاد شود به گونه‌ای که نظام روستایی قادر به ایفای نقش سازنده‌ی خویش در نظام ملی و سرزمینی نباشد، آثار و پیامدهای مسائل روستایی در حوزه‌های شهری و در نهایت، کل سرزمین قابل مشاهده خواهد بود. ده سال قبل، جمعیت شهری دنیا از جمعیت روستایی آن پیشی گرفت و اکنون بیش از ۵۴ درصد از کل جمعیت جهان، در شهرها زندگی می‌کنند و پیش بینی می‌شود تا سال ۲۰۵۰ این میزان به ۶۶ درصد برسد. مهاجرت، علت اصلی رشد شهرنشینی است و برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد تخمین می‌زند که هر هفته سه میلیون نفر به شهرها مهاجرت می‌کنند. بخش عمده این مهاجرت در آسیا و آفریقا اتفاق می‌افتد و بی‌تردید تحولات اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی بسیاری برای دنیا به همراه دارد.

واقعیت آن است که اگر شهرها به مدیران خوب، استراتژی‌های مناسب و سرمایه‌گذاری‌های مطلوب مجهز باشند شهرنشینی می‌تواند تغییرات مثبتی برای زندگی همه مردم به همراه داشته باشد، اما این امکان نیز وجود دارد که شهرها را به محل تجمع و تمرکز فقر تبدیل کند. هیچ‌جا به اندازه شهرها شاهد رشد نابرابری نبوده و نیست، جایی که طبقات ثروتمند جامعه در کنار زاغه‌نشینان، اما جدا و متفاوت از آنان زندگی می‌کنند.

طبق گزارش بانک جهانی با تداوم خالی شدن مناطق روستایی از جمعیت، تعداد فقرای شهرنشین جهان که در سال ۱۹۹۵، ۱/۶ میلیارد نفر بوده است در سال ۲۰۲۵ به ۳/۱ میلیارد نفر خواهد رسید. شاید به همین دلیل است که بر اساس مطالعه سازمان ملل روی تمامی ۱۹۳ کشور عضو این سازمان در سال ۲۰۱۳، ۸۰ درصد از کشورها سیاست‌هایی برای کاهش مهاجرت از روستا به شهر تدوین کرده‌اند.

در سال ۱۳۳۵، ۶۸،۴ درصد از جمعیت کشور روستایی و ۳۱،۶ شهرنشین بودند، پنجاه سال بعد یعنی در سال ۱۳۸۵ این نسبت برعکس گردید و به ۳۱،۵ درصد روستایی در مقابل ۶۸،۵ درصد شهری رسید، روند کاهش نرخ روستانشینی در کشور ادامه یافته و در سال ۱۳۹۰، به ۲۸،۶ درصد تنزل یافت. بدیهی است ادامه‌ی برخورد سهل انگارانه با موضوع توسعه روستایی پیامدهای خسارت آمیز فزاینده‌ای را از طریق تشدید بحران‌های ناشی از افزایش بیکاری، حاشیه نشینی، بحران زیست محیطی، تغییر کاربری‌ها، تغییر چشم اندازه‌ها و ... به توسعه ملی تحمیل خواهد نمود.

## برنامه ریزی روستایی

برنامه ریزی روستایی، ایجاد تحول و دگرگونی در بخش روستایی در جهت مطلوب و مورد نظر جامعه است. این دگرگونی‌ها بطور کلی با واژه توسعه بیان می‌گردند و عبارت است از ایجاد تغییرات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نهادسازی و ... در قالب این هدف، مسیر حرکت جامعه روستایی در آینده مشخص می‌شود.

برنامه ریزی روستایی متأثر از نوع نگرش و طرز تلقی برنامه‌ریزان از روستا است، به طوری که برخی از محققین مسایل روستایی با نگرش صرف تولیدی به روستا، معتقدند فضاهای روستایی، محل تولید محصولات کشاورزی به روش سنتی و بر اساس خرده مالکی بوده و امکان رفع

نیازهای داخلی و ایجاد مزیت نسبی برای صادرات را فراهم نمی‌کنند، بنابراین می‌بایست به سمت یکپارچه سازی اراضی، احداث شبکه های آبیاری مدرن و ... رفت، این نگرش، بدون توجه به هویت فرهنگی- اجتماعی روستا و روابط عمیق و پیچیده‌ی ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، روستا را تا سطح یک خوابگاه انسانی تنزل می‌دهد، همچنین از طریق توسعه کشاورزی موفق نیز الزاماً توسعه روستایی محقق نمی‌شود چون: اولاً فواید توسعه کشاورزی عاید همه روستاییان نمی‌شود و بیشتر عاید زمین داران و به خصوص مالکان بزرگ می‌شود، ثانیاً افزایش بهره‌وری کشاورزی حداقل در دراز مدت باعث کاهش نیاز به نیروی انسانی می‌شود.

دیدگاه دیگری نیز در برنامه ریزی روستایی وجود دارد که روستا را یک فضای فرهنگی می‌داند که با دارا بودن هویت مستقل و پویا، در یک فرآیند تاریخی، فرهنگ معیشت و تولید، فرهنگ اجتماعی زیستن در کنار یکدیگر، به عنوان عناصر تشکیل دهنده یک ماهیت مشخص، شکل یافته و بصورت پیوسته و متعامل رو به تکامل نهاده است، در این نگرش، توسعه روستایی، تولید بهتر و بیشتر، اشتغال روستایی متعادل، عزت انسانی و اعتماد به نفس، آزادی، عدالت اجتماعی و مشارکت را در بر می‌گیرد.

## ضرورت‌های برنامه ریزی روستایی

تا پیش از دهه ۱۹۷۰ چنین فرض می‌شد که ارائه راهبردهای کلان توسعه می‌تواند هم جمعیت شهری را دچار تحول کند و هم جمعیت روستایی را، در حالی که تجربیات جهانی نشان داد نه تنها رویکرد مکاتب توسعه باید دگرگون شود بلکه توسعه شهری نمی‌تواند به بهبود شرایط زندگی روستایی بیانجامد.

در زمینه ضرورت‌های برنامه ریزی روستایی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- نقش و جایگاه توسعه روستایی در توسعه ملی:

فریدمن **Friedman** و ویتز **Weits** از صاحب نظران توسعه، در چارچوب توسعه همه جانبه روستایی به طرح الگوهایی چون توسعه روستایی- شهری می‌پردازند و توسعه روستایی را فراتر از توسعه شهری در نظر گرفته و توسعه ملی را در گرو توسعه روستایی می‌دانند. تولن هم معتقد است که جهان سوم از طریق برنامه ریزی روستایی و توسعه روستاهاست که به توسعه دست می‌یابد نه از طریق بهره‌گیری از گسترش خیالی منافع توسعه شهرها در روستاها.

- انسانی بودن توسعه:

جمع کثیری از انسان‌ها در فضاهایی زندگی می‌کنند که به نحوی از انحاء در گذر تاریخ از اغلب مزایای پیشرفت و توسعه ملی محروم مانده‌اند و به لحاظ انسانی لازم است که آن‌ها هم همپای انسان‌های دیگری که در جامعه و فضای دیگر زندگی می‌کنند از این مزایا برخوردار شوند.

- فرهنگ تولیدگری:

بخش عمده‌ای از نیازهای غذایی جامعه را روستا تامین می‌کند و امنیت غذایی به عنوان یکی از اهداف اولیه توسعه پایدار ملی مطرح است. در پی افزایش نرخ شهرنشینی در جهان، وزرای کشاورزی ۶۵ کشور جهان در بیانیه مجمع جهانی غذا و کشاورزی که در ۱۶ ژانویه سال ۲۰۱۶ در برلین تشکیل یافت، نسبت به گسترش سریع شهرنشینی در برخی کشورها و امنیت غذایی به عنوان اصل پیش نیاز برای ثبات سیاسی و اجتماعی

کشورها ابراز نگرانی نمودند. در این میان تولید کنندگان روستایی که روز به روز به طور نسبی کمتر می شوند، اهمیت بیشتری می یابند چون مواد غذایی بقیه جمعیت را همین جمعیت اندک می بایست تامین کنند. - زیست محیطی:

به دلیل تراکم آلودگی‌ها و مسایل و مشکلات شهری، روستا محل آرامش، محل پاک و محیط زیست سالم تلقی می‌شود. شوماخر در کتاب ارزشمند خود «کوچک زیباست» آورده است: با توجه به این که آسیب پذیری بخش کشاورزی و جامعه روستایی از عوارض زیست محیطی نسبت به جامعه شهری کمتر است، بهتر است برای این که از انتقام طبیعت مصون باشیم، نقطه عزم به توسعه ملی را بخش کشاورزی و جامعه روستایی قرار دهیم.

- اصل مکمل بودن فضاها:

طبق این اصل هیچ مکانی نمی‌تواند خودکفا باشد و ضرورت دارد با مکان‌های دیگر در ارتباط باشد. بدون توجه به روستا نمی‌توان مشکلات شهرها را حل کرد و این نگاه سیستمی است که اجزاء را با همدیگر و در ارتباط با هم می‌بیند، اصل مکمل بودن فضاها یا سلسله مراتب سکونتگاهی، یا ارتباط شهر و روستا ضرورت توجه به روستا را مطرح می‌سازد. از نظر مایکل تودور ضرورت تقدم توجه به توسعه روستایی نسبت به توسعه شهری به این علت نیست که اکثریت جمعیت جهان سوم در مناطق روستایی سکونت دارند، بلکه به این علت است که راه حل نهایی مسئله بیکاری شهری و تراکم جمعیت، بهبود محیط روستایی است.

### برنامه ریزی روستایی در ایران

در برنامه‌های اول تا سوم عمرانی کشور تحت تاثیر الگوی رشد اقتصادی، توسعه کشاورزی بدون توجه به عمران روستایی مد نظر بود و این فرض وجود داشت که توسعه کشاورزی زمینه توسعه روستایی را فراهم خواهد ساخت، در این برنامه‌ها تمایز چندانی بین برنامه‌های پیش بینی شده برای کشاورزی به عنوان یک «فعالیت» و روستاها به عنوان یک «جامعه» وجود نداشت و توجه به روستاها از منظر کشاورزی بود، در حالی که عمران شهری از جایگاه مناسبی در نظام برنامه‌ریزی کشور برخوردار بود، اختصاص فصل مشخص به عمران روستایی، در برنامه عمرانی چهارم تحقق یافته و عمران روستایی صرفاً مترادف با گسترش خدمات و تاسیسات رفاهی قلمداد گردید.

اتخاذ راهبرد صنعتی شدن مبتنی بر پارادایم رشد به ویژه در دوره پس از جنگ جهانی دوم تا دهه ۱۹۷۰ موجب حاکمیت دیدگاه «فن محور» شد، در این سال‌ها انعطاف ناپذیری توسعه روستایی مبتنی بر پارادایم رشد و نوسازی به اثبات رسید. آدلمن در زمینه ایرادات توسعه از طریق رشد اقتصادی به این نکته اشاره دارد که در این رویکرد منافع حاصل از توسعه نه تنها به طور خود به خودی به پایین نفوذ نمی‌کند بلکه برعکس، فرآیند توسعه به نفع طبقات متوسط و ثروتمند به طرف بالا نفوذ می‌کند و فواید حاصل تنها به کسانی می‌رسد که قدرت، ثروت و رابطه بیشتری دارند.

در طول دهه اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی عمدتاً برنامه‌ای برای توسعه کشور به اجرا در نیامد اما در راستای محرومیت زدایی و برقراری عدالت اجتماعی فعالیت‌های عمرانی چشمگیری در روستاها انجام گرفت که با مجموع سال‌های قبل از آن قابل مقایسه نیست. اختصاص فصل مستقل به عمران روستایی در برنامه دوم توسعه تحقق یافت، در برنامه‌های اول و دوم توسعه تمرکز بر فعالیت‌های زیربنایی و کالبدی بود ولی در برنامه‌های بعدی توسعه رویکرد نسبتاً جامعی به موضوع توسعه روستایی اتخاذ گردیده و ابعاد اجتماعی و اقتصادی نیز علاوه بر رویکرد کالبدی قابل مشاهده است، ولی متأسفانه در عمل، فعالیت‌های اجرایی و عملیاتی تفاوت چندانی با برنامه‌های قبلی ندارد.

کوشش‌های بسیاری برای بررسی اثر نیازهای اساسی بر رشد و توسعه اقتصادی شده است، گروهی آن را لازمه دستیابی به توسعه می‌دانند و استدلال می‌کنند که بهبود نیازهای اساسی باعث بالا رفتن کیفیت و کارایی نیروی انسانی می‌شود. گروهی دیگر نیز آن را دام توسعه نیافتگی می‌دانند و معتقدند که باعث افزایش هزینه‌های مصرفی و کاهش سهم سرمایه‌گذاری در بخش تولید می‌گردد.

نارسانی‌های برنامه‌ریزی روستایی کشور

- عدم نگرش تخصصی:

در تدوین برنامه‌های توسعه روستایی سعی نشده است تا به این موضوع به عنوان حوزه کاملاً تخصصی توجه شود. برای درک این مطلب لازم است این پرسش‌ها مطرح شود که: برنامه‌ریز توسعه روستایی در ایران چه کسی است؟ کجا و در چه رشته‌ای تحصیل کرده است؟ چه تخصصی دارد؟ چه کسی یا دستگاهی بر فعالیت وی نظارت می‌کند؟ - فقدان نظریه پایه‌ای:

بخش عمده‌ای از مشکلات برنامه ریزی توسعه روستایی، ریشه در بنیان‌های فکری و معرفتی نظام برنامه ریزی در کشور دارد زیرا بر مبنای نظریه یا نظریاتی متقن است که می‌توان اقدامات عملی را طرح ریزی کرد. به رغم کسب تجارب ارزنده و تدوین برنامه‌های توسعه‌ای و اختصاص فصل‌هایی از آن‌ها به توسعه و عمران روستایی، همچنان برنامه‌ریزی توسعه روستایی بر مبنای نظام نظری مطلوب و متناسب با جامعه روستایی ایران شکل نگرفته و از این منظر با کاستی‌هایی مواجه است تا جایی که می‌توان گفت برنامه ریزی توسعه روستایی در ایران فاقد نظریه پایه‌ای است.

- مدیریت برنامه‌ریزی توسعه روستایی:

جای خالی یک تشکیلات مستقل برای مدیریت توسعه روستایی و هماهنگ کننده دستگاه‌های بخشی در روستاها به شدت احساس می‌شود. لذا ایجاد سازمانی تحت عنوان سازمان عمران و توسعه روستایی که بتواند این نقش را در سطح ملی، استانی، شهرستانی و بخشی ایفاء کند ضروری است.

- سطوح ساختار برنامه‌ریزی روستایی:

برنامه‌ریزی توسعه و از جمله برنامه ریزی توسعه روستایی در ایران در دو سطح ملی و منطقه‌ای (استانی) صورت می‌گیرد، در سطح محلی چنین برنامه‌هایی وجود ندارد و بدلیل نظام تصمیم‌گیری متمرکز برنامه ریزی در کشور، برنامه‌های منطقه‌ای ضعیف و نارسا بوده و برنامه‌ریزی توسعه در ایران عملاً محدود و منحصر به سطح ملی می‌باشد.

- کم توجهی به ماهیت فرابخشی توسعه روستایی:

عمران روستایی خصوصیت بین بخشی و یا چند بخشی دارد و لحاظ عمران روستایی به عنوان یک بخش یا فصل موازی با بخش‌هایی مانند آب، کشاورزی، انرژی و ... صحیح نمی‌باشد. نمی‌توان انتظار داشت که محتوای فصل عمران روستایی شامل همه امور روستاها باشد چرا که در این صورت با برنامه‌ریزی بخشی در تضاد خواهد بود، برنامه بخشی می‌بایست در چارچوب‌های مکانی و فضایی مانند عمران شهری، عمران روستایی، عمران عشایری و عمران منطقه‌ای با یکدیگر تلفیق و هماهنگ گردند.

فقدان رویکرد مشارکتی در تدوین برنامه‌های توسعه روستایی:

مشارکت به طور کلی در دو وجه مورد نظر برنامه ریزان و کارشناسان توسعه و علوم اجتماعی قرار می‌گیرد یکی به عنوان ابزار توسعه، بدین معنی که چنانچه مشارکت مردم یا گروهی از مردم در طرح یا برنامه و یا حتی اقدام ساده‌ای جلب شود، آن برنامه طرح یا اقدام به بهترین صورت انجام می‌شود و به موفقیت کامل می‌رسد، در این صورت مشارکت را به عنوان ابزار توسعه و وسیله اجرای بهتر طرح‌ها و برنامه‌ها در نظر می‌گیرند. در شکل دیگر، مشارکت هدف نهایی توسعه در نظر گرفته می‌شود بدین ترتیب که جدای از نقش مشارکت در اجرای بهتر طرح‌ها، می‌خواهیم به جامعه‌ای دست پیدا کنیم که کارها و امور جامعه با مشارکت مردم انجام می‌گیرد و مسایل و مشکلات با دخالت موثر و حضور فعال مردم حل می‌شود.

نظریه‌پردازان با آزمون نظریه‌های موجود، حتی نظریه مشارکت Participation را متحول ساخته و به نظریه شراکت یا Partnership رسیده‌اند. جان ترنر در نظریه شراکت در مورد نقش دولت و مردم در مدیریت روستایی معتقد است به جای این که دولت یا مردم فراهم کننده یا تصمیم گیرنده باشند، هم دولت و هم مردم، هر دو با هم این وظیفه را انجام دهند، در این همکاری دولت آن چه را که مردم نمی‌توانند فراهم کنند یا در مورد آن تصمیم بگیرند را انجام می‌دهد و هم زمان مردم محلی در چارچوب تشکیلات اجتماعات محلی خود، هر آن چه را می‌توانند فراهم می‌کنند و در مورد هر آن چه می‌توانند تصمیم می‌گیرند.

# ضرورت نقش نهادهای حکومتی در «فقر» زدایی

آصف حاجی زاده

## مقدمه:

«فقر» بعنوان یک پدیده ی توأم با درد و رنج در طول حیات بشر وجود داشته است جهان بینی ها و نظریه های متعدد، متنوع و متضادی در این رابطه به میان آمده اند و هر کدام تلاش کرده اند تا از منظر و منطق خویش این موضوع را مورد تحلیل، تفسیر و تجویز قرار داده اند یکی از مناقشه های اساسی مربوط به چیستی این پدیده می باشد که آیا اساساً فقر موضوعی اقتصادی است؟ و آیا دامنه ی اثرات آن محدود به حوزه ی اقتصادی حیات انسانی است؟ یا از این حوزه فراتر رفته و سایر وجوه حیات بشری را نیز مورد هدف قرار می دهد؟ و میزان و عمق آسیب رسانی این پدیده ی شوم در کدامین مرزها متوقف می گردد؟

با حصول شناخت از «ماهیت فقر» این سوال پیش می آید که برطرف نمودن این معضل اجتماعی برعهده ی چه کسی یا چه کسانی است؟ گرچه بعضی ها وجود آن را عموماً طبیعی تلقی کرده و برای جامعه لازم می دانند ولی در کل اینطور نبوده و غالباً آن را به عنوان یک معضل و آسیب جدی مطرح کرده اند که نباید جامعه در مقابل آن سکوت نماید و به همین منظور این موضوع پیش می آید که آیا جامعه ی انسانی بی آنکه حکومت ها در آن نقشی داشته باشد می تواند این معضل را حل کند؟ و حتی برخی این سوال را پیش می آورند که آیا این پدیده یعنی فقر، در سایه ی فقدان وجود «عقلانیت» حاصل نشده است؟ و آیا شرایط طبیعی و مکانیزم های آزاد و رقابتی غیرعقلانی و غیر انسانی جامعه منجر به فقر نشده است؟ لذا این موضوع پیش می آید که آیا نهادهای دولتی می توانند نقش تولید عقلانیت را برای برطرف نمودن فقر برعهده داشته باشند؟ نهادهای حکومتی در چه صورتی و تا کجا می توانند بر روی فقر زدایی نقش داشته باشند؟ و اینکه آیا رشد فقر با عدم دخالت موثر و عقلانی نهادهای حکومتی ارتباط مستقیم ندارد؟ برای ورود به بحث بهتر است ابتدا دیدگاه ها و نظرات مربوط به ماهیت فقر مورد توجه واقع شده و آنگاه با پرسش های دیگر پرداخته شود.

## فقر چیست و زندگی در فقر چگونه است

غالباً روی این موضوع اجماع نظر است که «فقر» شرایط و موقعیتی است که انسان نمی تواند، «نیازهای ضروری» یعنی خوراک، پوشاک، مسکن، سایر و یا «نیازهای اساسی» یعنی امنیت، حرمت، آزادی، روابط اجتماعی، روابط اخلاقی خود و افراد تحت مسئولیت و تعهد اش را، آنطور که لازم است را تأمین نماید. عده ای براین باورند که با کمی دقت بیشتر، می توان به این واقعیت پی برد که فقر پدیده ی مخرب جدی ای است که «ماهیت انسانی» انسان را، مورد هدف قرار داده است. حتی «فطرت» وجودی انسان، چون خداجویی، زیبایی گرای، اخلاق گرای که ودیعه های قرار گرفته در نهاد آدمی است در صورت وجود مشکلات اساسی در ذات وجودی انسان یعنی وجود فیزیولوژیکی او، می تواند آسیب های جدی را بر کالبد ظریف نهاد فطرت وارد سازد. بنابراین فقر بیش و پیش از آنکه مقوله ای در باب اقتصاد و مربوط به ذات جسمی انسان باشد موضوعی اخلاقی و مربوط به ماهیت انسانی انسان است زیرا فقر شاخص هایی را مورد هدف قرار می دهد که نوع انسان را

از سایر موجودات تمییز می دهد. بنابراین برخی براین باورند که توجه به علل و عوامل فقر و رفع آن، در واقع توجه به وجهه های انسانی یک جامعه است.

با تمام این موارد براساس قوانین کلی می توان فقر را ناتوانی در آزادانه عمل کردن در اکثر مواقع به علت کمبود منابع مالی و یا فرصت برای به دست آوردن آن منابع مالی تعریف کرد. بنا به این تعریف، کسی که دو سانس کار می کند تا بتواند هزینه مواد غذایی واجاره خود را پرداخت کند و کسی که در کشوری دیگر به دلیل دستمزد پایین گرسنه می ماند هر دو از نظر توصیفی فقیر محسوب می شوند و آن هم به دلیل عدم توانایی در انجام آزادانه کارهای مورد نظر می باشد.

با این وجود که هر دو گروه افراد تعریف شده در بالا فقیر محسوب می شوند، اما گروه دوم که در وضعیت بدتری هستند در اصطلاح «فقر مطلق» به سر می برند و افراد این دسته از تهیه نیازهای اساسی خود مانند غذا، پوشاک، مسکن و غیره ناتوانند. تعیین خط فقر، در ابتدا نیازمند در نظر گرفتن مکان جغرافیایی خاص است که برپایه آن بتوان قیمت نیازهای اساسی را تعیین کرد. برای مثال برای تعریف خط فقر، اقتصاددان ها باید هزینه میانگین خرید روزانه مقدار معینی کالری که فرد در منطقه جغرافیایی خاص بدان نیاز دارد، تعیین کنند.

با تعیین خط فقر، افرادی که در زیر خط فقر به سر می برند، افرادی هستند که قادر به تهیه هزینه خوراک خود نبوده و فقیر محسوب می شوند. بنا به بررسی های انجام شده، خط فقر در کشورهای درحال توسعه حدود ۲ دلار اعلام شده است.

به علت اینکه قیمت همه کالاها به طور طبیعی با گذشت زمان گران تر شده و ارزش پول دچار تغییر می شود، ارزش مادی خط فقر نیز با زمان، مکان و ارزش پول دچار تغییر می شود. برای مثال خط فقر غذا در ایالات متحده ۴.۹۱ دلار است، در حالی که همین خط در سوئیس برابر با ۱۰.۲۵ دلار است.

براساس بررسی های اخیراً کسفام، ۸۵ ثروتمندترین افراد جهان توانسته اند ثروتی برابر با دارایی ۵۰ درصد از جمعیت فقیر جهان را به دست بیاورند. ثابت شده است که یک درصد از ثروتمندان جهان در مجموع ثروتی برابر با ۱۱۰ هزار میلیارد دلار در اختیار دارند که این مقدار ۶۵ برابر از دارایی ۵۰ درصد مردم پایین دنیاست. حداقل ۸۰ درصد از مردم جهان با دارایی کمتر از ۱۰ دلار در روز زندگی می کنند. فقر در تمام جهان و همه کشورها، چه مدرن و چه در حال توسعه وجود دارد. در معرفی افراد فقیر از واژه زیر خط فقر استفاده می شود، اما مسئله ای که وجود دارد این است که آیا فردی که زیر خط فقر آمریکاست با فرد فقیر جنوب صحرای آفریقا برابر هستند؟

مردمی که در خانه های کوچک در حومه شهرهای بزرگ جهان مانند نیویورک زندگی می کنند ممکن است در مقایسه با همسایگان خود فقیر باشند، اما در مقایسه با مردم بی بضاعت در محله های فقیرنشین کشورهای در حال توسعه، ممکن است وضعیت مالی آن ها زیاد هم بد نباشد.

بنا به گزارش بانک جهانی، با وجود اینکه فقر در جهان به آرامی در حال فروکش کردن می باشد، اما تعداد افرادی که با درآمد زیر

یک دلار در جهان زندگی می‌کنند در سال ۲۰۱۵، نزدیک به یک میلیارد نفر بود. فقر به معنی نداشتن بودجه نیست، بلکه به معنی نداشتن امکان تهیه کردن خواسته‌ها و نیازها است. یعنی اراده‌های انسانی بخشی از سطوح اجتماعی در وضعیت اضطراری قرار گرفته و بخش دیگر امکان تحمیل اراده‌های خود را بر گستره‌ی عظیم در دست می‌گیرند با وجود فقر دیگر صحبت کردن از قراردادهای اجتماعی و دموکراسی، تقریباً تردیدآمیز می‌شود.

لذا برخی از فلاسفه و نظریه پردازان دخالت دیوان سالاری حکومتی را که امکان افزایش عقلانیت جمعی در سطح آن مقدور و میسر است را در امور جامعه چون «فقر زدایی» ممکن، لازم و حتی ضروری می‌دانند. گرچه چپ‌ها حکومت‌ها را ابزار دست سرمایه‌داران می‌دانند و معتقدند که دولت‌ها خود باز تولید کننده‌ی شکاف‌های طبقاتی و اجتماعی هستند و لی در نهایت با تجویز دولت‌های سوسیالیستی در واقع راه حلی بجز دخالت حکومت‌ها در امر ایجاد «عدالت» و «فقر زدایی» ندارند. برای فهم این موضوع لازم هست به نظریه‌های مربوط به میزان دخالت حکومت‌ها در امور مردم توجه شود.

### دامنه‌ی مداخله‌ی حکومت‌ها در امور مردم تا کجاست

در یک جامعه کدام اصول راهنمای سیاست‌ها و تصمیمات حکومت‌ها قرار می‌گیرد؟ حکومت‌ها تا چه اندازه‌ای می‌توانند در باز تولید و باز توزیع ثروت نقش داشته باشند؟ حد دامنه‌ی مداخله‌ی دولت‌ها تا کجاست؟ این حد منوط به حفظ نظم، امنیت و تأمین رفاه مادی مردم است؟ و یا اینکه حکومت‌ها می‌توانند در راستای هدف نایل شدن به فضیلت در کلیه‌ی امور نقش فعالانه‌ای داشته باشند؟

پاسخ به این پرسش‌ها، به جهان‌بینی، انسان‌شناسی و رهیافت‌ها و رویکردهای معرفتی معین از سوی نظریه پردازان سیاسی برمی‌گردد. عالمان و نظریه‌پردازان فلسفه‌ی سیاسی، براساس مبانی نظری خود در محورهای یاد شده، دیدگاه‌های متنوع و متفاوتی را ابراز نموده‌اند. نگرش‌های غالب و اثر گذار در این خصوص عبارتند از:

• نظریه سعادت‌گرایانه‌ی مکتب باستان  
به اعتقاد فلاسفه کلاسیک مانند افلاطون، ارسطو و فارابی، هدف غایی جامعه- یعنی انسان‌هایی که بصورت ارگانیک یک جمع را بنام شهروندان تشکیل می‌دهند- فضیلت و سعادت انسان است.

انسان‌ها در جامعه است که بواسطه‌ی اخلاق از واقعیت‌ها حرکت کرده و به حقیقت‌ها متصل خواهند شد و از این منظر انسان فاقد حکومت، در خارج از دایره‌ی انسان بودن قرار دارد. بنابراین دولت مقدم بر فرد است برای اینکه حکومت‌های درست، به انسان‌ها کمک می‌کند تا در مسیر سعادت، فضیلت‌مندانانه زندگی کنند و بهترین حکومت، حکومتی است که بهترین مردمان از نظر اخلاقی و فضیلت زمامش را بر عهده داشته باشند. برای کامروایی، پرورش و بکارگیری «قوای عقلانی» نیاز است و این مستلزم «عدالتی» است که از طریق دولت برقرار می‌شود. از این منظر در مجموع، حکومت می‌بایستی در زمینه‌ی رفاه، سلامتی و پرورش فضائل شهروندان نقش فعال و موثری داشته باشد.

فارابی براساس باورهای اسلامی، افزون بر نقش حکومت در دستیابی به فضیلت و کامروایی این جهانی، کامیابی اخروی را نیز در نظر دارد و حیات دنیوی را مقدمه و وسیله‌ای برای سعادت مندی اخروی می‌داند. از این‌رو، همچنین حکومت را موظف به هدایت افراد به سوی سعادت اخروی می‌داند.

• نظریه امنیت‌مدارانه‌ی مکتب مدرنیته

نظریه پردازان سیاسی عصر جدید در غرب، خود را از آسمان، آرمان، حقیقت و اخلاق دور نموده و تعریف زمینی، مکانیکی و تحت جبر از انسان ارائه می‌کنند. انسان‌ها «ذاتاً» شهروند نیستند عاملان مستقل، آزاد و برابری هستند که به دنبال ارضای علایق و منافع خویش هستند هرکس در پی کسب بیشترین رضایت و نفع است و این مقدر نیست مگر آنکه هرکس «قدرت» بیشتری را حاصل کند و این بخودی خود وضعیت «تهدید آمیزی» را ایجاد می‌کند که در چنین وضعیتی انسان چه بصورت «جبری» و چه بصورت «اختیاری» و عقلانی «باهم دیگر توافق می‌کنند تا با واگذاری بخشی از قدرت خویش به دیگری (حکومت و حاکم) و یا از طریق «تعهد عقلانی» نسبت به توافق، «امنیت» را برقرار نمایند و امنیت در واقع در سایه‌ی انواع «قدرت» یعنی قدرت‌های نظامی، اقتصادی و مهارتی ممکن می‌گردد.

در نگاه لیبرالی دنیای مدرن، وجود حکومت‌ها «ذاتی» و طبیعی نیست بلکه دولت‌ها در نتیجه‌ی «توافق» افراد و بصورت مصنوعی بوجود می‌آیند در این دیدگاه دولت‌ها فاقد نقش معلمی در جامعه هستند دولت‌ها نگهبان و داور بازی‌های بین افراد هستند. وظیفه‌ی حکومت صرفاً حفظ نظم، حفاظت جان و مال شهروندان،



۶. هدف از آفرینش انسان رسیدن به کمال حقیقی، یعنی قرب الهی است. بنابراین، قوانین اجتماعی باید بستر و مقدمات این تکامل را فراهم سازد.  
۷. از آنجایی در حیات اجتماعی قهراً تراحم منافع پیش می‌آید، توافق الزاماً مورد نیاز است.  
۸. وظیفه حکومت به تنظیم امور اجتماعی و تأمین امنیت در راستای بهبود حیات مادی و رفاه اقتصادی محدود نمی‌شود. ترویج ارزش‌ها و اجرای احکام و قوانین دینی و صیانت از حدود الهی به لحاظ نقش آنها در سعادت ابدی انسان، از وظایف عمده و نهایی حکومت است.

### راه حل های نظری اسلامی برای برون رفت از تناقضات لیبرالیستی

چنانچه ذکر گردید در دنیای مدرن و لیبرال غرب هدف غایی انسان رسیدن به «امنیت» است و امنیت با کسب «قدرت» ممکن می‌شود و «توافق» (قرارداد اجتماعی) یعنی دموکراسی، شرط اساسی نظم بخشیدن به روابط انسان‌ها است اما در این خصوص، دو مشکل و تناقض اساسی وجود دارد:

۱. اکثریت می‌تواند با توافق (قرارداد اجتماعی) خویش یعنی خروجی تصمیمات دموکراتیک، حقوق «قلیت» را نقض کند و یا به توافق‌هایی برسد که «تبعیض» را به رسمیت بشناسد.
  ۲. در فرایند توافق یعنی دموکراسی، «میزان قدرت» افراد برابر نیست لذا آنهایی که قدرت بیشتر و یا انحصاری دارند در واقع نفع خروجی‌های توافق، از آن ایشان یعنی قدرتمندان است.
- با وجود چنین تناقض‌های عمده‌ای، به شیوه‌هایی نیاز است که «نهادهای اجتماعی عمده» یعنی نهادهای عمده‌ی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، بتوانند «توزیع حقوق» و «تکالیف» را عادلانه انجام دهند و تقسیم «مزایای» ناشی از «همکاری اجتماعی» را در پیش گیرند. همچنین هر نظریه‌ی عدالت، دست کم بایستی «بنا اعتقادات جافاده‌ی انسان‌های آن جامعه در باب عدالت تطابق داشته باشد».
- نظریه‌ی در باب «سعادت و حقیقت‌یابی» حاوی عناصری از اخلاق، فضیلت و حق است که برای پیشبرد عدالت در واقعیت، لازم و ضروری است و «نهادهای حکومتی» برای پیشبرد عدالت در الف- «دسترسی برابر به قدرت» و ب- «مخالفت با توافق‌های به نفع تبعیض»، لازم و واجب است و مردم‌سالاری دینی نیز به لحاظ مفهومی به «توافق‌هایی» اشاره دارد که در چارچوب این دو عنصر عدالتی مستتر باشد. بدین ترتیب نهادهای حکومتی می‌توانند به توزیع عادلانه ثروت، و امکانات و خیرات در جامعه کمک نمایند.

### جمع بندی:

۱. فقر پدیده‌ای است که توانایی انسان را برای رفع «نیازهای ضروری» خود یعنی خوراک، پوشاک، مسکن، سایر، و «نیازهای اساسی» یعنی امنیت، کسب احترام اجتماعی، آزادی اندیشه، آزادی بیان، از او سلب نموده و انسان را در مسیر انحطاط و اختلال فطرت خدادادی، قرار می‌دهد که هر کس را قدرت و توانایی مقاومت در برابر آن نیست.
۲. با توجه به اینکه هدف غایی انسان یعنی فطرت او فضیلت است و ذات جسمی او نیازمند رفع نیازهای ضروری است به پیروی از این اصل، کارکرد نهادهای دولتی، که برحسب ضرورت بوجود آمده اند، می‌تواند در راستای حمایت از انسان‌ها در مسیر «فضیلت» و «کامروایی» باشد. لذا دخالت حکومت‌ها در خصوص زودودن فقر که پدیده‌ای بیمارگونه در وضعیت اجتماعی است می‌تواند ضروری باشد.
۳. در لیبرالیسم دو تناقض اساسی یعنی توافق بر سر تبعیض و برتری قدرتمندان در موضوع توافق و قرارداد اجتماعی، سبب لاینحل ماندن موضوع فقر، و عدم امکان ورود حکومت به این موضوع شده است.
۴. توسعه‌ی همراه با تأمین نیازهای ضروری، رویکرد اساسی نهادهای حکومتی شامل نهادهای تصمیم‌گیری، اجرایی، نظارتی و قضایی در مبارزه با فقر می‌باشد که نیازمند مبانی نظری، توافق جمعی و مسئولیت‌پذیری و تعهد عمومی، می‌باشد.

حل و فصل منصفانه‌ی دعوایها، و مجازات کسانی است که حقوق دیگران را نقض کرده‌اند. دولت کاری به کمال اخلاقی انسان‌ها ندارد شهروندان به حال خودشان رها شده‌اند تا «خودشان خیر خودشان را دنبال کنند». «یگانه‌آزادی‌ای که شایسته‌ی نام آزادی است آزادی دنبال کردن خیر خود به شیوه‌ی دلخواه خود است». لذا، هر دولتی که در پی ترویج و تحمیل یک چشم انداز اخلاقی خاص باشد یا درک و برداشتی خاص از زندگی خوب بر شهروندانش باشد دولتی ستمگر و سرکوبگر و لذا «ناعادل» است. پس در دولت لیبرالی، سیاست و تصمیمات دولت، به کلام رونالد دورکین، «باید تا حد ممکن مستقل از هرگونه درک و برداشت خاص از زندگی خوب یا آنچه به زندگی ارزش می‌دهد باشد».

این دیدگاه، تفسیر خاصی از «عدالت» دارد. از نظر آنان عدالت به معنای فراهم آوردن شرایط و ساختار اجتماعی خاصی است که افراد بتوانند آزادانه فعالیت کنند و با اتکاء به استعداد و تلاش‌های خود، مالک محصول و درآمد خود باشند. در این دیدگاه نتایج اهمیتی ندارد؛ یعنی اگر نتیجه ساختار اجتماعی رقابتی و آزاد، انباشت ثروت در دست عده‌ای اندک و فقر مفرط اکثریت باشد، بازهم عدالت خدشه‌دار نشده است؛ زیرا این نتیجه در اثر رقابت آزاد در چارچوب قانون به دست آمده است. این دیدگاه را عدالت مبادله‌ی نامیده‌اند. طبق این دیدگاه، دولت به بهانه «فقرزدایی یا حمایت از بیکاران» «حق دخالت» و گرفتن دارایی‌های مردم و وضع قوانین محدود کننده ندارد؛ زیرا این دخالت سلب آزادی و خلاف عدالت است. در این دیدگاه دخالت دولت باید به حداقل برسد و دولت حق ندارد نتایج برآمده از این ساختار را تعدیل کند.

• نظریه‌ی کلی‌گرای فراد ساختاری مکتب اصالت وجودی اسلام اهداف حکومت چیست؟ و از نظر اسلام حکومت در قبال اموری همچون امنیت، عدالت و تأمین رفاه جامعه چه وظیفه دارد؟ آیا هدایت جامعه به سوی کمال و ترویج خداپرستی نیز از جمله اهداف حکومت اسلامی است؟ آیا از نظر اسلام دخالت قدرت در حوزه ارزش‌ها مشروع و مطلوب است یا قلمرو ارزش‌ها از دایره اعمال قدرت و سیطره و دخالت حکومت خارج است؟

این نظریه از تلفیق حقیقت (بابی-سازی) و واقعیت (بابی-سازی) با دو مفهوم پیشینی و پسینی همراه است. در این مکتب فرض مسلم بر این است که هم حقیقت و هم واقعیت به دو شکل پیشینی و پسینی وجود دارند. نقش فعال و خلاقانه‌ی انسان ایجاد می‌کند تا علاوه بر تلاش جهت یافتن «هیافتی» مناسب برای حقیقت بابی و واقعیت بابی در حوزه‌ی شناخت و معرفت، «رویکردی» مناسب ایجاد شود یعنی با ایدئولوژی مناسب اقدامات در راستای اهداف، سامان بخشی شده و با توجه به امکانات، بصورت راهبردی، اقدامات سازماندهی گردد تا زمینه برای ظهور خلاقیت و نیت در هر دو زمینه‌ی حقیقت‌سازی یعنی خلق وجود‌های جدید مانند انقلاب، و واقعیت‌سازی یعنی ایجاد تحول در وجود‌های موجود چون افزایش قدرت، فراهم گردد.

زیرا عقل می‌تواند با استناد به بدیهیات و استمداد از قلب و وحی، حد نصاب سعادت و کامروایی را برای عموم مردم تعریف نماید. و عقل ارتباطی و ابزاری می‌تواند با کسب قدرت لازم، امکان وصول به این حد نصاب سعادت، کامروایی و فضیلت را میسر نماید لذا برای تحقق این امر ضرورت «توافق» (قرارداد اجتماعی) یعنی مردم‌سالاری وجود دارد و مکتب اسلام نیز برای وقوع آن مبانی لازم را در اختیار انسان‌ها قرار داده است و استنباط آن با تکیه بر عبارات ذیل است:

۱. از دیدگاه اسلام، هستی دارای مراتبی است که در اعلی مرتبه آن هستی بی‌نهایت قرار دارد که مبدأ و سر سلسله هستی است و آن خدای یگانه بی‌همتا، حکیم، مدبر و محیط بر همه مراتب هستی است.
۲. حیات بشری محدود به همین حیات مشهود مادی نمی‌شود.
۳. نوع حیات اخروی انسان ثمره‌ی بینش و کنش انسان در این جهان است.
۴. انسان مدنی بالطبع و به ناچار دارای حیات اجتماعی است.



## «آتش نشانان» فداکاران سیاست گذار

سپیده جلالی

ها و گاهها بخاطر فرار هزینه های ناچیز، فشار و هزینه های سنگین جانی و روحی، همه ی این کاستی ها بر روی اراده های عظیم و پیکرهای نحیفی از انسان ها قرار می گیرد.

در این میان قشری در تمامی جوامع مختلف و متنوع ظهور یافته است که این اقبال انسان های برگزیده و فداکاری هستند که در جمع بندی کلی می توان گفت دلسوزی، شجاعت، ایثار و جسارت آن ها بی ارتباط با موقعیت های پرخطر حیات خانوادگی و اجتماعی آنها نیست که نام این انسان های وارسته بر هرکس آشکار است آری آنان «آتش نشانان».

آتش نشان فردی است که شرایط های مختلف خطر را تجربه نموده است و نسبت به شرایط وقوع حادثه ها بیش از هر انسانی واقف است و تصویر روشنی از امکان های بروز خطر و جلوگیری از آن را در اختیار دارد. انواع مهارت های اطفاء حریق و عملیات امداد و نجات نیز بخشی از مهارت های او را شامل می شود. او از افراد و اموال آنها در برابر آتش و سایر خطرات محافظت کرده و در شرایط اضطراری به آنان کمک کرده و حتی خود را فدای انسان ها و اموال شان که در دام حریق افتاده اند، می نماید. آتش نشانان قادرند بخشی از تجربه های خود را در قالب های آموزش همگانی در راستای ارتقاء مهارت های فردی و جمعی به عموم مردم انتقال دهند.

در جوامع توسعه نیافته کار آتش نشانی محدود به دو بخش اطفاء حریق و عملیات امداد و نجات می شود. در بخش اطفاء حریق به

حادثه ها خبر نمی کنند و هر لحظه در کمین مردم نشسته اند خصوصاً حادثه های مربوط به آتش سوزی ها که هر روز جان انسان های بسیاری را می سوزاند و خاکستر آنها را بشکل رنج های عمیق بر روی روح عزیزانشان می افشانند.

آتش نشانی یا اطفاء حریق مجموعه اقداماتی است که برای مقابله با آتش بوسیله پیشگیری از طریق آموزش و تجهیزات فنی و تولیدی، خاموش کردن، کنترل و یا هدایت آتش های ناخواسته انجام می گیرد. اهداف آتش نشانی حفاظت از سلامت افراد، جلوگیری از آسیب به اموال و حفاظت از محیط زیست است. در همه کشورها سازمان آتش نشانی وجود دارد که وظیفه مقابله با آتش، سوانح و حوادث مختلف را برعهده دارد. در واقع معیار اساسی پیشرفته بودن یک کشور، را می توان از طرق ذیل مورد ارزیابی قرار داد:

- بهره گیری از تجربه های بشری در ایجاد استاندارد های پیشگیری
- بهره گیری از تجهیزات فنی کنترل و مهار کننده ی حریق، منطبق با استانداردهای تعریف شده از جانب آتش نشانان
- بهره گیری از روش ها و تجهیزات خاموش کننده ی حریق دارای استانداردها

- بهره گیری از روش های جبران کننده ی خسارت تضمینی در کشور های کمتر توسعه یافته بعلمت فقدان علاقمندی و اجبار در رعایت استانداردهای پیشگیرانه، تجهیزات کنترل کننده و خاموش کننده ی حریق، به خاطر فقدان تعهد، بی مسئولیتی ها، بی توجهی

یژگی اساسی یعنی:

۱. وجود سختگیری های دقیق و حساس در وضع و تدوین این استانداردها

۲. نبود هیچگونه عدم انطباقی در کارکرد تجهیزات آتش نشانی

ساخته شده بر اساس این استاندارد ها

سبب شده است تا این استاندارد ها ارجحیت یافته و تمامی سازمان ها و نهادهای مشابه و مرتبط، به آن احترام گذاشته و «مرجع» خویش قرار دهند.

انسان هایی که بیش از هر کسی جان خویش را در دست گرفته و فداکارانه بر روی آتش ها هجوم برده و دیگر انسان ها را از این تهدید خطرناک، رهایی می بخشند بیش و پیش از هر کسی ضرورت های ایمنی و امنیت را درک و فهم می نماید و می تواند روش ها و امکانات موجد ایمنی را بهتر از هر کسی بیان نماید.

ایجاد آزمایشگاه های تست تحت شرایط مشابه، زمینه های لازم را برای بررسی های کیفیت آب، ایمنی غذا، مواد پرخطر، میزان تحمل آلودگی و... فراهم می نماید تا روش های تست بصورت اختصاصی بر روی محصولات، مواد اولیه، قطعات، مونتاژ، تولید وسایل و تجهیزات مربوط به محصولات ایمنی انجام شده و نتایج آن در قالب های استاندارد به عموم مردم منعکس گردد.

از دیگر فعالیت های این نهادها، ارزیابی و تضمین کارایی فرایند تجارت شرکت ها براساس برنامه ی ثبت شده ی سیستم مدیریتی آنهاست.

این نهادها همچنین شرکت ها و روش های بیمه ای ایجاد کرده اند که پرداخت خسارت های بیمه های پیشگیری و جبران خسارت حریق را عهده دار می شود. این شرکت ها از روش های بیمه تجاری استفاده می کنند. در این روش، حق بیمه و خطرات، برخلاف روش های آماری، براساس تجزیه و تحلیل و تخمین مهندسی برآورد می شود. روال این شرکت ها بدین صورت است که ابتدا کارشناسان بیمه گذار، محل مورد نظر جهت بیمه را از نظر ارزیابی خطر، بازدید نموده و توصیه های لازم برای پیشگیری از بروز آن را در جهت کاهش خسارت مادی و معنوی ارائه می دهد. این شرکت بیمه گذار با همکاری شرکت ها و سازمان های استاندارد و با توجه به امکانات خود قادر است، محصولات تولید شده در صنعت ایمنی را بطور کامل بیمه نماید. این بدان معنی است که اگر محصولی دچار مشکل فنی شده و یا از استاندارد معین خارج شده باشد که تحت تأیید بیمه گزار است، این شرکت کلیه خسارت وارده را طبق نظر کارشناسی و مهندسی به مشتریان خود پرداخت خواهد نمود.

فضای انجام تست ها بایستی بگونه ای باشد که شرایط را برای انجام تست های آتش سوزی و مناطق انفجاری، تکنولوژی های پیشگیری و اکتشافات پر خطر، آسیب ها و فجایع طبیعی (سیل، گردباد، زلزله و...)، خطرات الکتریکی و تحقیقات در مورد سیستم های هیدرولیکی اسپرینکلر، فراهم نماید. این تست ها، گواهی بر چگونگی سوختن تولیدات (محصولات ضد حریق) و چگونگی وضعیت اجزاء تشکیل دهنده اصلی تجهیزات در زمان آتش سوزی می باشد.

حتی شرکت بیمه گزار پا را فراتر از این گذاشته و به منظور سهیم کردن سود با مشتریان، بخش قابل توجهی از سهام خود را به مشتریان واگذار می نماید تا گامی در جهت ارتقای فرهنگ پیشگیری از خطرات، برداشته باشد. در حالیکه در کشورهای کمتر توسعه یافته، مردم بیمه و حق بیمه را نوعی مالیات می دانند که به دولت پرداخت می شود لذا سعی می کنند که در موقعیت دورتری از آن قرار بگیرند. یکی از نکات پر اهمیت در کشورهای پیشرفته این موضوع است که داشتن تأییدیه ی بیمه گزار، در مورد محصولات ایمنی، می تواند اطمینان خاطر برای مشتریان و مصرف کنندگان محصولات و تجهیزات پیشگیری و اطفای حریق است.

با این وصف، آتش نشانی، یک روند استراتژیک ایمنی، در مواجهه ی با تهدیدات امنیتی زیستی انسان ها است که تضمینات لازم را برای حیات توأم با آرامش نسبی، در اختیار افراد یک جامعه قرار می دهد و در واقع آتش نشانی، صرفاً ایجاد قشری از انسان های فداکار در یک جامعه، برای سد شدن در برابر هجوم آتش و بروز خطرات نیست.

خاموش کردن انواع آتش ها در مناطق مختلف پرداخته می شود. در بخش عملیات امداد و نجات، افرادی که در چاه یا معدن سقوط کرده، در آسانسور یا ارتفاعات گیر کرده، دچار مسمومیت و خفگی شده، زیر آوار مانده و... را نجات می دهند.

آتش نشانان در کشورهای جنوب و بیرونی بعنوان ابزارهایی در برابر حریق و خطرات هستند که بی آنکه تجربه هایشان انباشته شده و در جهت پیشگیری، مهار و نجات از حریق استفاده شود و بجای آنکه تفکر و تجربه هایشان «راه حل مسئله ها» گردد وجودهایشان فداکارانه بخشی از «موضوع و مسئله ی حریق» می شود. بمانند اینکه دستمزدهای یک آتش نشان جهان سومی تقریباً یک دهم دستمزدهای یک آتش نشان کشور توسعه یافته است. فقدان وجود لباس، کفش و کلاه، امکانات و تجهیزات اطفای حریق که جزء ابتدائی ترین وسایل مورد نیاز آتش نشانان است این قشر را بیشتر در معرض آسیب قرار می دهد. همچنین فقدان تشکل ها و نهادهای صنفی و تخصصی آتش نشانان در کشورهای کمتر توسعه یافته، امکان انباشت تجربه ها و انتقال آنها به نهادهای مردمی، نیمه دولتی و دولتی را از آنها سلب می نماید و حتی این قشر فداکار، امکان طرح مطالبات و حقوق برحق خویش را از دست می دهند.

کشورهای کم تر توسعه یافته در راستای مهار و نجات از حریق، هزینه های هنگفت و چند برابری را نسبت به هزینه های پیشگیری کشورهای پیشرفته متحمل می شوند همینطور به خاطر فقدان نهادمندی پوشش های بیمه ای آتش سوزی، میتوان گفت، در مجموع ۰/۰۲ درصد هزینه های مالی، توسط بیمه ها امکان پرداخت پیدا می کنند. سال هاست که در بسیاری از کشورها، بیمه خودرو یک امر اجباری است و در صورت نداشتن بیمه، پلیس می تواند خودروی اشخاص را متوقف کند. در حالیکه ارزش یک ساختمان بسیار بیشتر از یک خودروست و در صورت خرابی خسارت بسیار بیشتری را با خود خواهد داشت. با این حال هنوز بیمه های ساختمان ها و اموال و اثاثیه و تجهیزات مربوطه به ساختمان ها، امری الزامی و اجباری نیست. در صورتیکه می توان قوانینی تنظیم نمود که واحدهای تولیدی و تجاری در زمان تمدید پروانه کسب و کار خود، ملزم به ارائه بیمه نامه هایی که مطابق استاندارد های معرفی شده از طرف آتش نشانان وضع شده، شوند همچنین باید توجه داشت که علاوه بر هزینه های مالی، تلفات انسانی، ضایعات اسف انگیزی را بر پیکره ی اجتماعی این کشورها تحمیل می کند.

در حالیکه قسمت اعظم و مهم کار آتش نشانان در کشورهای پیشرفته، سیاست گذاری و تصمیم گیری در مورد «کلیت راه حل های مسئله های» مربوط به حریق و خطر، یعنی «ایمنی» می باشد در این کشورها آتش نشانان با ایجاد نهادهای تخصصی مربوط به خود، از یک سو تجربه های اندوخته و انباشته ی خویش را تبدیل به سیاست های ایمنی و امنیتی نموده و از طرف دیگر با حمایت حاکمیتی دولت ها از این نهادهای تخصصی، وجود و حضور تفکر و تجربه هایشان در درون مناسبات فناورانه الزامی و اجباری می گردد بطوریکه حتی امکان حضور بین المللی برای فناوری کشورهای پیشرفته را فراهم می آورد یعنی با جهت دهی به فناوری های اطفای حریق در کشورهای صنعتی، برای آنها بازارهای جهانی هم ایجاد می کند. بنابراین اهمیت فکر آتش نشان یک کشور پیشرفته کمتر از فداکاری های جانانه ی او نیست

بیش از صد سال است که انجمن های ملی و بین المللی آشنشانی در برخی از کشورهای پیشرفته در عرصه های فناوری، بوجود آمده است. این انجمن ها در واقع در پنج زمینه ی تخصصی بشرح ذیل فعالیت دارند:

- محصولات ایمنی
- محیط زیست
- بهداشت
- حیات
- خدمات تحقیقات دانشگاهی

این انجمن ها در واقع با استفاده از تجربه های عملی و عینی آشنشنان، استانداردها و اسناد مربوط به ایمنی در مقابل تهدیدات مربوط به آتش و آتش سوزی را وضع، تدوین و منتشر می نمایند. دو



ما بیداریم نه ایران گوهر تابان خود  
خوردیم ... خون دلها



## مفهوم «انقلاب» در نگرش های «سیستمی»

ماهنامه کارایی در راستای برگزاری سلسله بحث هایی با عنوان «معیارهای ارزیابی سیستم های اجتماعی»، به مناسبت سی و هشتمین سالگرد انقلاب اسلامی، میزگردی را با حضور اساتید دانشگاه، آقایان دکتر علیرضا بافنده (هیأت علمی گروه مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی)، دکتر مقصود اسمعیلی (هیأت علمی گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی)، دکتر علی ستاری (هیأت علمی گروه مدیریت دانشگاه نسی اکرم)، دکتر داود حمیدی رزی (دانشجوی دکتری توسعه اقتصادی از دانشگاه تبریز، مدرس دانشگاه و عضو بنیاد ملی نخبگان)، حبیب الله آقامحمدی (کارشناسی ارشد جامعه شناسی، محقق و نویسنده)، در محل دفتر کارایی با عنوان مفهوم انقلاب در نگرش های سیستمی، را تشکیل داد، که گزارش این میزگرد بشرح ذیل ارائه می گردد:

شود و وجود چند مرکزی در جامعه پذیرفته می شود سیستم برای بقای خود به انرژی نیاز دارد و تولید ثروت، دانش، ارزش و هنجارهای کارآمد و... هر کدام، انرژی سیستم را تأمین می کنند که در نبود آن سیستم مختل می شود. در ایران نیز «نفث و شعایر» بیشترین سهم را در تولید انرژی دارد و «بحران» در هریک از این دو، خصوصا بحران همزمان آنها، می تواند کل سیستم را وارد بحران و در روند تغییر قرار دهد از منظر این محقق، بحران در یک سیستم می تواند از طریق بی نظمی های درونی، قابل مشاهده باشد که متاثر از تولید انرژی است و برای بحران ضعف های تولید انرژی در داخل، ارتباطات با بیرون می تواند نقش جبران کننده را داشته باشد.

حمیدی بر این باور است که آفت اساسی دانشگاه ها این است که به میانی فلسفی احاطه ندارند و هستی شناسی موضوعات درک نمی شود و معلوم نیست که افراد با کدام انگاره ها می خواهند روابط بین پدیده ها را بررسی کنند. در واقع شناختی از فلسفه علم وجود ندارد و تبیین های مبتنی بر شاخص های اقتصادی توسعه، سیاسی توسعه و فرهنگی توسعه، فاقد میانی شناختی فلسفی است. همین موضوع باعث شده در جامعه ما فهم مشترکی از برخی مفاهیم مانند توسعه وجود نداشته باشد، چرا که برخی بجای واژه «توسعه» از واژه «پیشرفت» استفاده می کنند! وی همچنین افزود که دیگر شاخص های توسعه با معیارهای رشد ارزیابی نمی شوند بلکه با پرسش های اساسی در مورد هستی انسان و ارتقای توانایی های او آغاز می گردد.

برخی از شرکت کنندگان در میزگرد انقلاب و سیستم، این سوال را پیش کشیدند که آیا سیستم های اجتماعی مانند سیستم های طبیعی است؟ و صرفا در راستای حل مسئله های پیش آمده ی خویش حرکت می کند و یا اینکه بخاطر وجود موجودی بنام انسان در این سیستم ها، سیستم ها بر مبنای نیت انسانی در جهت اهداف معین شده پیش می روند که انقلاب نیز می تواند بعنوان یک هدف کلی تلقی گردد.

اسمعیلی در مقدمه ی توضیح به این سوالات اظهار نمودند تبیین عقلانی سیستم ها دارای اهمیت زیادی است و در جوامع

بافنده به عنوان اولین سخنران جلسه، به این موضوع اشاره نمود: از منظر حاکمیت و قدرت حاکمه، انقلاب یک تغییر غیر برنامه ریزی شده و تحمیل شده است. انقلاب، نو پدیداری (emergent) است که از تعاملات پیچیده متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بر می آید. بنابراین در تحلیل آن نه تنها توجه به کارکردهای مولفه های اجتماعی، بلکه تمرکز بر شبکه ارتباطات و ساختار تعاملات بین مولفه ضروری به نظر می رسد. وجود تناقضات بین مولفه های نظام اجتماعی بستری برای بروز عدم تعادل و در نهایت فروپاشی سیستم است. گاهی این تناقض از درک مکانیکی از جامعه شکل می گیرد. طراحان و سیاست گذاران نظام های اجتماعی جامعه را به صورت یک ماشین تصور می کنند در حالی که وجود انسان و تعاملات آن، سیستم های اجتماعی را به موجودیتهای نیت مند تبدیل می کند. سیستم نیت مند، مداخلات سیاست گذاران را اگر با انگاره های ذهنی خود مغایر تشخیص دهد در برابر آن مقاومت خواهند کرد. این انگاره های هستی شناختی وقتی به صورت بین الذهانی و مشترک بین افراد جامعه باشد، مقاومت کل نظام اجتماعی را رقم می زند. یکی از عوارض جانبی این مقاومت، انقلاب ها است. البته طرز آرایش نیروهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در جامعه می تواند تناقضات را در طول زمان تشدید یا تضعیف نماید. انقلاب سفید نمونه ای بود از مداخله دولت در سیستم اجتماعی بدون توجه به انگاره های ذهنی موجود در جامعه. این مداخلات احساس بی هویتی و مسخ شدن را در جامعه برانگیخت. غرب زدگی آل احمد و بازگشت به خویشتن شریعتی شاید نمونه ای از مقاومت نیت مند در برابر این مداخلات در لایه های روشنفکری و پیوستن حاشیه شهر به جنبش های اجتماعی در طبقات پائین نمونه دیگری از این مقاومت برای ترمیم احساس بی هویتی باشد.

آقامحمدی بر این نظر است که از در نگاه سیستمی وجود طبقه ی فرمانروایی و فرمانبرداری دیگر معنی ندارد در نگاه سیستمی افراد، نهادها، ارزشها، هنجارها و... باهم در ارتباط بوده و همه ی اجزاء هم فرمان می دهند و هم فرمان می برند هم تأثیر می گذارند و هم تأثیر می پذیرند در این نگرش مرکز زادایی می

اسلامی، ابن رشد سیصد سال قبل از آغاز دوران عقلانیت (رنسانس) در غرب، بر روی تبیین عقلانی تأکید نموده است اما همچنان عده ای در جامعه ی ایرانی با عقلانیت مشکل دارند. و هنوز هم که هنوز است تبیین مبتنی بر مدل مورد غفلت است در غرب علی رغم آنکه حقله فرانکفورت مدعی مارکسیستی بودن را داشت ولی با شدت تمام اندیشه های مارکسیستی را مورد نقد قرار داد ولی در جهان سوم این نقد جایی ندارد و فرق بین ایران و افغانستان و آلمان در تبیین های معطوف به انقلاب، زیاد جدی گرفته نمی شود و به همین خاطر است که در روسیه حکومت تزاری ساقط می شود ولی بعد از تأسیس دولت کمونیستی، اهداف در نظر گرفته شده تحقق نمی یابد چون سیستم جدید بر پایه ی همان مردم و «همان فرهنگ» بنا می شود زیرا سیستم بر پایه ی تعقل لازم، مورد تبیین قرار نگرفته بود.

دکتر بافنده در ادامه می افزاید سیستم های هدف جو و سیستم های هدف مند وجود دارد و بر این مبنا میتوان به نتایج متفاوتی دسترسی یافت در سیستم های هدف جو، عناصر دنبال هدف های ثابت هستند ولی در سیستم های هدف مند، نیت نقش کلیدی و اساسی را دارد و عناصر درون آن می توانند در هر لحظه اهداف جدیدی را برای سیستم تعریف نمایند دکتر اسمعیلی یادآوری نمود که بدون توجه به تبیین عقلانی در سیستم ها و تأکید صرف بر روی نیت و هدف می تواند منجر به ایده الیزم گردد.

حمیدی همچنین در ادامه چنین گفت که در ورود به میحث توسعه گرچه نیاز به درک عناصر کمی وجود دارد اما سیستم های اجتماعی مانند سیستم های طبیعی نیستند که ما آن ها را فقط از طریق تبیین روابط ضروری (و ثابت) بین پدیده ها درک کنیم بلکه این فرایندها پویا می باشند؛ برای مثال مفهوم توسعه مختص سیستم های اجتماعی است و طبق عقیده نظریه پردازان توسعه همچون دکتر بهشتی عبارت است از فرآیند تکاملی درونزای بلندمدت که حداقل باید برخی ویژگی ها مانند رشد اقتصادی مستمر در آن وجود داشته باشد. حال ما اگر بر روی واژه های «فرآیند» و «درونزایی» متمرکز بشویم راحت تر می توانیم فرق بین سیستم های طبیعی و اجتماعی را تشخیص بدهیم. برای مثال فرآیند یعنی مسیری که ابتدا دارد ولی انتها ندارد؛ و هر سیستم اجتماعی در روند توسعه قرار بگیرد از منافع اش بیشتر برخوردار می گردد درست مثل مسیر الی الله!

دکتر ستاری در ورود به بحث چنین اظهار کرد که یقیناً سیستم های اجتماعی، متفاوت از سیستم های طبیعی است در سیستم اجتماعی انسان جزء سیستم است و تلاش می کند که از بیرون و از بالا به سیستم بنگرد و آن را تحلیل کند در سیستم های طبیعی انسان می تواند پیوسته سیستم را خرد کرده و در درون هسته های متعدد آن فرو رفته، شکافته و شناخت حاصل کند ولی در سیستم های اجتماعی متغیرها زیاده بوده و روابط پیچیده تر است و انسان مدام در تلاش است تا از بیرون روابط به خود، و روابط خود در درون سیستم نگاه کند لذا برای ارزیابی سیستم ها، بایستی بر اساس اهداف سیستم ها آن ها را مورد ارزیابی قرار داد.

در پایان میزگرد، تقریباً مجموع اساتید بر این نظر واحد اشتراک داشتند که عنصر نیت و فرهنگ، عنصر اساسی در تبیین تغییرات و انقلاب ها در نگرش های سیستمی است لذا توجه و تبیین عقلانی نسبت به موضوع فرهنگ و نیت انسان ها در هدف گذاری برای سیستم ها، می تواند معیار مفیدی برای ارزیابی های تحلیل عملکردی سیستمی باشد.

همچنین در این میزگرد سوالات اساسی مهمی مطرح گردید که مقرر شد در قالب موضوعات جدید، در جلسات آتی ماهانه ی کارایی مورد بحث قرار گرفته و به آنها پاسخ داده شود.



# هویت ناشناخته انسان انقلاب اسلامی ایران در عصر مدرن



محمد رضا الفی  
هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

## مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی، نقطه‌عطفی برای احیای هویت دینی و نفی هرگونه خودباختگی بوده و این باور را در میان ملت های مسلمان ایجاد کرد که می توان با تکیه بر فرهنگ اصیل اسلامی و هویت دینی، به مجد و عظمت واقعی دست یافت. در واقع، انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) مهمترین حرکت سرنوشت ساز در طول تاریخ ایران بوده و با ساختار فرهنگ دینی خود، فرهنگ استعماری غرب را زیرسؤال برد. به همین دلیل، نظام استکباری به نابودی فرهنگ انقلاب و نظام مبتنی بر آن، همت گماشته است. به اعتراف صریح نظریه پردازان غربی، درگیری اصلی بین فرهنگ انقلاب و نظام اسلامی با فرهنگ غربی است. هانتینگتون معتقد است: تقابل اصلی آینده ی جوامع بشری، برخورد فرهنگ اسلامی و فرهنگ غربی است. همچنین ریچارد نیکسون، جهان اسلام را در قرن بیست و یکم، یکی از مهمترین میدان های زورآزمایی سیاست خارجی آمریکا می داند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی دشمنانی که سال ها برای جلو گیری از گسترش فرهنگ اسلامی تلاش کرده بودند به ناگاه با انقلابی عظیم، با هویت اسلامی و انسانی متفاوت از معیارهای جهان غرب و مدرن روبرو شدند و از تمام ظرفیت های خود برای براندازی نظام مقدس جمهوری اسلامی و تضعیف شخصیت و هویت انسان انقلابی تحول یافته استفاده کردند. همچنین با توسل به شیوه های مختلف و حمایت از جریان های جدایی طلبانه، تقویت همه جانبه منافقین و مخالفین داخلی، تحمیل جنگ، تحریم های اقتصادی از جمله اقدامات آنان بوده است. اما از آنجا که این رویکرد نتوانست برای آنها فایده ای داشته باشد، در صدد نابودی، تخریب، ترور شخصیت و بی هویت سازی آن پرداختند. هویتی که انقلاب و جنگ تحمیلی راهگشای آن بود و معلم شان کسی جز معمار کبیر انقلاب نبود. این دو عامل، طوری این انسان را متحول کرد که از دل آن، مدیرانی پرورش یافتند که سیاستمداران، استراتژیست ها و بسیاری از کارشناسان بزرگ نظامی کشورهای استعماری را به تعجب واداشت و آنان را به چالش کشید. جوانان و مدیرانی که شعارشان خیلی ساده بود ولی پر معنی: «ما مرد جنگیم» و همین جمله کوتاه، خواب راحت را از چشمان

ابرقدرتان زمان روده بود. بنابراین، انقلاب اسلامی، راه جدیدی را در چشم انداز سیاسی انسان معاصر گشود که برای تحلیل گران و سازمان های جاسوسی قابل پیش بینی و ارزیابی نبود و بسیاری از تحلیل گران بزرگ دنیا در تکوین و تداوم انقلاب به ناتوانی در تبیین آن اذعان کردند.

## مفهوم انسان شناسی

خدا، انسان و جهان، سه محور اساسی اندیشه بشری است که در طول تاریخ و در همه ی جوامع پرسش های مهم، اندیشه سوز و اندیشه ساز درباره ی آنها طرح شده و همه ی تلاش فکری انسان متوجه این سه کانون و یافتن پاسخ های درست و مناسب برای پرسش های مربوط به آنهاست. در این میان، شناخت انسان اهمیت ویژه ای دارد و دانشمندان فراوانی را در رشته های علمی مختلف به خود مشغول ساخته است. در آموزه های ادیان آسمانی، به ویژه اسلام، پس از خدا، «انسان» اساسی ترین محور به شمار آمده و آفرینش جهان، فرستادن پیامبران و کتاب های آسمانی، برای رسیدن به سعادت نهایی اش صورت گرفته است. در جهان بینی قرآن، همه ی موجودات آفریده ی خدایند و هیچ چیز در عرض خدا قرار ندارد، با این حال جهان از منظر قرآن را می توان مانند دایره ای با دو نقطه ی استناد به مختصات اصلی، یکی در بالا (خدا) و دیگری در پایین (انسان) در نظر گرفت. از سوی دیگر، با وجود سابقه ی دیرینه و گستردگی تلاش های بشر در این زمینه، انسان شناسان بسیاری از پرسش های مهم ناظر به انسان و زوایای وجود وی ناتوان اند و امروزه از «انسان موجودی ناشناخته» و «بحران انسان شناسی» سخن می آورند.

## تعریف و انواع انسان شناسی

انسان شناسی دانشی است که انسان یا انسانیت را به طور کلی مورد مطالعه قرار می دهد.

انسان شناسی، گونه های مختلفی دارد که به لحاظ روش یا نوع نگرش، از یکدیگر متمایز می شوند. این مقوله را می توان بر اساس «روش»، به انسان شناسی تجربی، عرفانی، فلسفی و دینی و با توجه به «نوع نگرش»، به انسان

شناسی کلان یا کل نگر و انسان شناسی خرد یا جزء نگر تقسیم کرد.

### هویت

هویت، ماهیتی ترکیبی، تعاملی و سیال دارد. به عبارتی دیگر: هویت ماهیتی پارادوکسیکال (تناقض ها نما) دارد. لذا همین امر باعث شده تعریفی مانع و جامع از هویت وجود نداشته باشد.

از نظر لغوی: هویت معادل هستی، وجود، ماهیت و سرشت است و سبب تمایز فرد از دیگری می شود.

در اصطلاح، هویت معنایی مختلفی دارد. در جامعه شناسی تعاریف مختلفی از آن ارائه شده که به برخی اشاره می گردد.

مانوئل کاستلز معتقد است: «هویت سرچشمه معنا و تجربه برای مردم است. برداشت من از هویت، در صورتی که سخن از کنشگران اجتماعی باشد، عبارت است از فرایند معنا سازی بر اساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه به هم پیوسته ای از ویژگیهای فرهنگی که بر منابع معنایی دیگر اولویت داده می شود.»

تاجفل هویت اجتماعی را با عضویت گروهی پیوند می زند و آن را متشکل از سه عنصر می داند:

۱. عنصر شناختی (آگاهی از این که فرد به یک گروه تعلق دارد)،  
۲. عنصر ارزشی (فرضیاتی درباره پیامدهای ارزشی مثبت یا منفی عضویت گروهی)،

۳. عنصر احساسی (احساسات نسبت به گروه و نسبت به افراد دیگری که رابطه ای خاص با آن گروه دارند). بر ان اساس هویت اجتماعی از دیدگاه وی عبارتست از: «آن بخش از برداشت یک فرد از خود که از آگاهی او نسبت به عضویت در گروه (های) اجتماعی همراه با اهمیت ارزشی و احساسی منضم به آن عضویت سرچشمه می گیرد.

هویت چون در خلاء شکل نمی گیرد لذا یک خود و غیر خود دارد. هویت به دو حوزه فردی و اجتماعی قابل تقسیم است. «خودهای» اجتماعی انسان از خانواده شروع می شود و به جامعه جهانی ختم می شود. که در بین این دو «خود اجتماعی»، می توان خودهای همسالان، گروه های تفریحی، شغلی، شهری، ملی و امتی (ایدئولوژیک) را نام برد. بنابراین هویت عبارت است از: مجموعه ای از ارزش ها، هنجارها، نمادها، اعتقادات، احساسات و طرز تلقی های سازگار و مکمل و هماهنگ است که به صورت مجموعه ای غالب درآمده اند.

### مبانی و خاستگاه انسان شناسی انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران به عنوان انقلابی برای خدا، معنویت، ارزش ها و احیای فرهنگ و هویت دینی نه تنها ریشه در اعتقادات اسلامی داشته و دارد، بلکه محرک و هدف خود را در دین جستجو می کند. این انقلاب، بر پایه ی ایمان به خدای یکتا و اختصاص حاکمیت و تشریح به او، لزوم تسلیم بودن در برابر خداوند، ایمان به وحی الهی و نقش بنیادین آن در بیان قوانین پایه گذاری شده است. در انقلاب اسلامی کرامت و ارزش والای انسان و آزادی همراه با مسئولیت او در برابر خدا مورد توجه جدی است. بر اساس اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تمام موارد مذکور در چارچوب دین اسلام قابل دسترسی است. بنابراین، مبانی نظری انقلاب اسلامی را باید در اسلام و جهان بینی اسلامی جست. مبانی ای، چون: توحید، انسان شناسی اسلامی - قلمروشناسی دین اسلام - امامت و غیره. در میان مبانی مذکور انسان شناختی اسلامی به عنوان یکی از خاستگاه های نظری انقلاب اسلامی ایران می باشد. و انقلاب اسلامی بر پایه ی نوع نگرش اسلام به انسان و تعریفی که جهان بینی اسلامی از انسان ارائه می دهد، توسط بنیان گذاران آن شکل گرفت و اهداف آن نیز بر اساس اهداف انسان از دیدگاه اسلام تنظیم شده است.

مهمترین ویژگی موجود در انسان شناسی اسلامی که دیدگاه امام خمینی (ره) مبین آن است، قائل شدن به ویژگی های ذاتی و فرا زمانی برای انسان و در کنار آن ویژگی های اکتسابی با دو گرایش خیر و شر است.

### ویژگی های ذاتی انسان

ذیل حدیث یازدهم کتاب چهل حدیث امام خمینی (ره)، بحث «فطرت انسان» مورد توجه قرار گرفته است. «فطرت» به معنای خلقت است. از نظر امام در وجود انسان فطرت هایی به ودیعه گذاشته شده، الطافی است که خدای تعالی آنها را ویژه ی انسان قرار داده است و دیگر موجودات اصلا دارای این گونه فطرت ها نیستند، یا بهره ی کمی از آن دارند. ویژگی مهم فطریات این است



که میان تمام انسان ها مشترک است و با تبدل احوال و تغییر زمان، مکان و تمدن متحول نمی شود. مبنای فطرت باعث شده علمای شیعه به یگانگی ذاتی انسان ها حکم دهند. از نظر علمای شیعه؛ تمام انسان ها از فطرت مشترکی برخوردارند. بنابراین، اصل بر همگرایی، وحدت، یگانگی و صلح میان انسان ها است و اختلاف و نزاع از سر غفلت به وجود می آید.

### ویژگی های اکتسابی انسان

انسان ها علاوه بر ویژگی های ذاتی، می توانند ویژگی هایی را نیز کسب کنند. ویژگی های اکتسابی بر این مبنای مهم استوار است که انسان می تواند برای زندگی و رفتارهای فردی و اجتماعی خود تصمیم بگیرد و عمل کند. انسان دو راه در پیش روی خود دارد؛ صراط مستقیم و صراط های غیرمستقیم، انسان می تواند موجودی الهی و موجودی شیطانی و جهنمی شود. در این باره حضرت امام (ره) می فرمایند: انسان یک موجود عجیبی است، در جمیع طبقات موجودات و مخلوقات باری تعالی. هیچ موجودی مثل انسان نیست. اعجوبه ای است که از او یک موجود الهی ملکوتی ساخته می شود و یک موجود، جهنمی شیطانی هم ساخته می شود. موجودات دیگر این طور نیستند.

همانگونه که در اوایل بحث گفته شد خاستگاه فکری حضرت امام (ره) براساس جهان بینی اسلامی شکل گرفته و بر اساس همین جهان بینی، ایشان دست به قیام می زند و به تربیت انسان انقلابی می پردازد. امام (ره) در قرن بیستم، که به عصر «تقابل ایدئولوژیها و اندیشهها»، مشهور است. هر کدام از ایسم ها و مکاتب ساخته ی دست بشر از جمله لیبرالیسم، اومانیزم، فرویدیسم، مارکسیسم و ... درصدد تحمیل آراء و نظرات خود بودند و انسان ها را به دین گریزی و بی هویت سازی از اصل خود (فطرت پاک سرشت) ترغیب می کردند. امام (ره) با ایستادگی در برابر آنان خدامحوری و توحید را جایگزین تمام مکاتب می نماید و با ندای حق طلبی در برابر ظلم و ستم، استعمار، استبداد هویتی جدید به انسان می بخشد و انسان ها به سمت کمال جویی و کمال طلبی دعوت می کند. با توجه به آنچه گذشت مبانی انسان شناسی دینی امام (ره) را باید در توحید جست، توحید هویتی به انسان می بخشد. هیچکدام از مکاتب مصنوع دست بشر نمی توانند چنین هویتی را به او ارائه کنند. این اصول عبارتند از:

۱- تسلیم فقط در برابر ذات اقدس حق و از هیچ انسانی نباید اطاعت کند، مگر اینکه اطاعت او، اطاعت خدا باشد.

واقعی و مظاهر واقعی تمدن، نفی هرگونه تقلید غیر عقلایی از دیگران، نقد سنت های غیر عقلانی خودی، حفظ کرامت و ارزش های اصیل انسانی و ... می توان دید که زمینه هر گونه حرکت مستقل و تکاملی جوامع می باشد.

### انقلاب اسلامی و باز آفرینی هویت اسلامی (دینی) در عصر مدرن

بحث از مساله ی «هویت» در سطوح گوناگون آن در جامعه ایران سابقه های طولانی دارد و به نوعی می توان ریشه آن را در اندیشه روشنفکران و نویسندگان عصر مشروطه به بعد جستجو کرد. به نظر می رسد در چند سال اخیر مباحث مربوط به هویت، به ویژه «هویت اسلامی»، «هویت ایرانی»، «هویت ملی»، مورد توجه اندیشمندان رشته های گوناگون علوم انسانی را به خود جلب کرده است. انتشار مداوم کتاب ها، رساله ها و مقالات گوناگون، برگزاری برخی نشست ها و همایش های ملی و بین المللی و تداوم پژوهش این زمینه مؤید این امر است. از سوی دیگر، تداوم این روند، نشان دهنده آن است که نیاز به ارائه پاسخ های مناسب و جامع به سؤالات اصلی در باب هویت ایرانی هنوز وجود دارد، بلکه افزایش سطح آگاهی در میان ایرانیان، باعث افزایش تلاش آنها در این زمینه شده است.

نکته مهم و حیاتی که باید در ابتدای بحث، به آن اشاره شود نقش دین و مذهب به عنوان بخش مهمی از هویت اصلی ایرانی می باشد. در ایران، آغاز کار مذهب را باید با ابتدای تاریخ آریایی ها در ایران توأم دانست. بنا به دلایل متعدد تاریخی، مذهب، تدین، معنویت، خداگرایی و وحدانیت، جزء ذاتی هویت ایران و ایرانیان محسوب می شود. از آنجایی که دینداری و دین مداری یکی از عناصر ذاتی و اصلی هویت ایرانی در طول تاریخ به شمار می آید، به نحوی که امکان تفکیک آن از سرزمین، فرهنگ و سایر عناصر هویت ایرانیان وجود ندارد.

هویت دینی فرایند پاسخگویی آگاهانه و هوشمندانه ی یک ملت به جهان بینی، ایدئولوژی، تعالیم دینی و مذهبی و ویژگی های مناسک و مراسم مذهبی متناسب با اعتقادات دینی و مذهبی خودشان است

با نگاهی به نظریه کنش متقابل نمادین هربرت مید می توان به خوبی ارتباط بین نماد و زندگی اجتماعی در هویت ایرانیان را بخوبی درک کرد. در جامعه ایران عناصر مختلفی در شکل گیری هویت دینی مردم تأثیر دارند که امام خمینی (ره) به عنوان افتخارات از آن یاد می کنند از جمله آنها می توان به قرآن به عنوان کتاب انسان سازی که ودیعه ی الهی به بشریت شده است.

همچنین بر اساس روش شناسی تفسیری ماکس وبر و دیلتای می توان مدعی شد که اسلام بعنوان یک مکتب؛ هویت خاصی به انسان و جامعه داده و زندگی آن را معنادار نمود. معناداری انتخاب گرانه و آگاهانه بر اساس جهان بینی اسلامی و رد اندیشه های پوزیتیویستی و انتقادی در این خصوص بوده است.

اما یکی از مسائلی که ذهن اکثریت روشنفکران ایرانی را بعد از ورود مدرنیته به ایران تقریباً در دو قرن اخیر به چالش کشیده این بحث بوده که هویت ایرانیان قبل از اسلام و بعد از اسلام چه بوده و منابع تأمین کننده آن چه می باشد. افرادی همچون میرزا ملکم خان، آخوندزاده، سیدحسن تقی زاده و ... این است. در خصوص سوال مذکور، نظریات مختلفی ارائه شده که به برخی از آنها اشاره می گردد. در اینکه هویت ملی ایرانیان ناشی از چه منابعی بوده نظریات مختلفی ارائه شده است. زبان فارسی، مرزهای جغرافیایی، نهاد شاهنشاهی و اسلام. اما اندیشمندی معتقد است: به طور واضح نمی توان از یک هویت با ثبات ایرانی در طول تاریخ تا به امروز صحبت کرد؛ چرا که بخش اعظم این هویت، علی رغم داشتن ارکان و اصولی ثابت، دچار تغییر شده است. در طی تاریخ ایران، ما شاهد یک سری فراز و فرودهای تمدنی هستیم که تعیین کننده جنس هویت انسان های عصر خودش است.

هویت ایرانیان را می توان مثلی سه ضلعی دانست که ضلع نخست آن را زمان حکومت مادها و پارت ها و امپراطوری هخامنشی در باور ایرانیان شکل گرفت. با ورود اسلام به ایران زمین و پس از آن گسترش مذهب شیعه، قطعه دیگری از پازل هویت ایرانیان در کنار فرهنگ و تمدن ایرانی قرار گرفت و به عبارتی ضلع دوم از مثلث هویت ایرانیان به وجود آمد. قرن ها بعد ضلع سوم این مثلث با تحولات مدرنیته به ایران وارد شد و از دل دارالفنون تا مشروطیت زمینه ساز بستری شد که «رعایای» دیروزین، «ملت» امروزین خطاب شوند و با شکل گیری مجلس ملی و تغییرات پس از آن به آرامی و البته با فراز و نشیب فراوان «هویت ملی ایرانیان» صورت پذیرد.

یکی دیگر از نویسندگان در پاسخ به سوال فوق چنین اظهار نظر می کند: تا پیش از مواجهه ایرانیان با تمدن غرب، هویت ملی ترکیبی نیرومند از عناصر ایرانی و آموزه های شیعی بود و ایرانی خود را با دین اسلام چنان عجین ساخته



۲- هیچ انسانی حق ندارد انسان های دیگر را به تسلیم در برابر خود؛ مجبور کند.

۳- هیچ فردی حق ندارد انسان، جامعه و ملتی را از آزادی محروم کند و برای او قانون وضع و رفتار و روابط او را بنا به درک و شناخت خود و بر اساس، خواسته ها و امیال خود تنظیم نماید.

۴- قانون گذاری برای پیشرفت، در اختیار خدای تعالی است، چنانکه قوانین هستی و خلقت را خداوند مقرر فرموده است، سعادت و کمال انسان و جوامع تنها در گرو اطاعت از قوانین الهی است که توسط انبیاء به بشر ابلاغ شده است.

۵- انحطاط و سقوط بشر به علت سلب آزادی او و تسلیم در برابر سایر انسان هاست.

۶- انسان باید علیه این بندها و زنجیرهای اسارت و در برابر دیگرانی که به اسارت دعوت می کنند، قیام کند و خود و جامعه خود را آزاد سازد، تا همگی تسلیم و بنده خدا باشند.

۷- برای آزادسازی است که مقررات اجتماعی، علیه قدرتهای استبدادی و استعماری آغاز می شود.

۸- همه انسانها در پیشگاه خداوند یکسانند، او خالق همه و همه مخلوق و بنده او هستند. اصل برابر انسان ها و اینکه تنها امتیاز انسان بر معیار تقوا و پاکی از انحراف و خطاست.

۹- مبارزه علیه هر چیزی که برابری را در جامعه بر هم می زند و امتیازات پوچ و بی محتوایی را در جامعه حاکم می سازد.

اصول نه گانه فوق آموزه هایی است که در عرصه امور اجتماعی و مناسبات انسانی توسط امام راحل، از اصل توحید قابل استنتاج است و نشان می دهد که در نظام دینی حضرت امام، با محوریت توحید، مقوله های بسیار مهم و اساسی مثل آزادی، برابری، عدالت، ظلم ستیزی و مبارزه با استبداد و استعمار و تبعیض نژادی که از نیازهای اساسی دیروز و امروز بشر بوده و همواره انسان در آرزوی رسیدن به آن در تلاش و کوشش است. امام توحید را جوهره ی اصل انقلاب دینی خود می داند و معتقد است: با توحید، نه تنها درون انسان ها اصلاح می شود، بلکه جامعه نیز به صلاح و فلاح می رسد.

به نظر امام (ره) احیای این هویت انسانی، موجب ظهور انسانیت انسان می شود که تجلی آن را در حمایت چنین انسانی از اهدافی همچون استقلال، خود باوری، اتکای به نفس، امید به آینده، عدم سلطه پذیری، حمایت از پیشرفت

بود که هیچگاه تصور تغایر میان آن دو را به ذهن خود راه نمی داد؛ اما با ظهور و گسترش تمدن جدید و روبه رو شدن ایرانیان با قدرت افسونگر دنیای صنعتی و شیفتگی آنان به دستاوردهای این تمدن، دوران حیرانی و پریشانی انسان ایرانی آغاز شد. ارزش های اروپایی به طور غافلگیرانه جامعه ایرانی را دستخوش تحول ساخت و چالش های تازه ای را پیش روی او قرار داد. این چالش ها بستری برای دگردیسی در باورها و فرهنگ ایرانی و سرانجام ترکیب اجتماعی هویت ملی شد. نفوذ مدرنیته در ایران کارکردهای طبیعی، تاریخی و مشخصه های هویتی ما را دچار اختلال جدی کرد. این نفوذ از طریق ابزارهای تکنولوژیک و اقتصادی، شرایط تاریخی ساده کشورهایی نظیر ما را به شرایط پیچیده بدل کرد. رابطه ما با گذشته مان به رابطه های بغرنج کشاند؛ چرا که ایران پدیده ای را در خود پذیرا شد که نه در نحوه ورودش از بیرون و نه در چگونگی جاگیری در درون، کوچک ترین دخالتی نداشت... مدرنیته از طریق بی دخالتی ما در شکل گیری وضعیت نوین کشورمان، بحرانی در هویت تاریخی ما ایجاد نمود؛ یعنی ایرانی بودن و ایرانیت ما را دچار مسئله کرد... ما پیش از تماس با غرب «کسی» بودیم و پس از آن به ناگزیر، چه بخواهیم و چه نخواهیم، کس دیگری شده ایم. ما نه «انیم» و نه این؛ یعنی نه ایرانی به معنای پیشین و تاریخی آن هستیم و نه غربی. میان این و آن مانده ایم. هویتی بحرانی داریم.

با توجه به آنچه گذشت به این نکته می رسیم که با تغییراتی که اسلام و مدرنیته در هویت ایرانیان گذاشته، ما هویتی ترکیبی یافته ایم، که بخشی از فرهنگ اسلام، بخشی از غرب و قسمتی هم از فرهنگ ایرانی را یدک می کشیم در ادامه با معیار قرار دادن هویت اسلامی؛ به نقش امام (ره) در بازسازی هویت ایرانی در میان سه هویت می پردازیم و به ویژگی های هویتی انسان انقلابی پرداخته می شود.

### ویژگی های هویتی انسان انقلاب اسلامی:

امام(ره) با مشاهده آشفتنگی در فرهنگ و هویت ایرانی بالاخص از زمان قاجار و تشدید آن در دوره پهلوی و زیر پا گذاشته شدن ارزش های اسلامی به بهانه مدرنیته کردن فرهنگ جامعه، به انتقاد از وضعیت موجود پرداخته و به اصلاح انسان و جامعه اقدام می نماید.

امام(ره) با اتکاء به جهان بینی و مبانی انسان شناسی به تربیت انسان و انسان هایی پرداخت که نه از مرگ هراسی داشته و نه قدرت های استکباری با ابزارهای مادی می توانستند تحت فشارش قرار دهند. در صحنه جنگ و عمل، آگاهانه و با اراده و بر اساس تکلیف و احساس رسالتی که به عنوان یک انسان مومن به توحید و معاد... داشت در پاسخ به ندای رهبرش به لبیک گویی پرداخته و به استقبال مرگ می رود. این انسان لذت و اوج بندگی را در شهادت می بیند نه در مادیات این جهان. انسانی که در صحنه رزم و در اوج تشنگی قمقمه ی آب را به همززش هدیه کرده و همچون ابوالفضل وار جان می سپارد. این در حالی است که در جهان مدرنیته، که در مادیات غوطه ور است کجا چنین منظره ای زیبا و بی نظیر جلوه گیری می نماید. این انسان، در جبهه جنگ برای جلوگیری از پیشرفت دشمن، با بستن نارنجک به کمر، در زیر تانک خوابیده و برای تأمین امنیت هموطن و همزمانش ایثارگری می نماید. همین انسان تربیت یافته در دامن خمینی(ره) که می فرمود: «بسیج مدرسه عشق است» با پوشیدن لباس خاکی بسیجی، خاکی تر از آن می گردد که به خاک از افتادگی وی، احساس خجلت می کند. همین انسان، در میدان سازندگی کشور و در زمان دستگیری از مظلوم و بینوایان دست به جهاد می زند و بدون کوچکترین چشمداشت مادی، جهاد فی سبیل الله را برترین عبادت می داند. همین انسان تربیت یافته با توسل به ائمه و شعار ساده ولی زیبایی «یا زهرا»، «یا مهدی» و ... لرزه بر جان دشمن می اندازد. با حمل پرچمی به نام «یا ابوالفضل» همچون سقای کربلا جانبازی می کند. همین دانش آموخته مدرسه عشق با بستن سر بند «لبیک یا حسین» به پیشانی خود، حسین وار خط بطلانی به یزید و یزیدیان زمان می کشد و لرزه بر جان دشمن، استکبار، استعمار، و زرق و برق جهان مدرن می اندازد. بی جهت نبود که آمریکایی ها، به این باند قرمزپیشانی، «باند سحرآمیز» ( Magic Band ) می گفتند.

انسانی که از دل انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی با هویتی جدید جوشید دارای ویژگی هایی دیگری است که می توان به آنها اشاره کرد. مومن، خداجو، معتقد، حق گرا، حق طلب، هدفمند، آرمانخواه، عمل گرا، مقاوم، شجاع، بی باک، نترس، مطیع... می باشد. انسانی که در دامن دین و اندیشه امام تربیت شد با هیچیک از معیارهای روانشناسی اثبات گرایان پوزیتیویستی، تجربه گرایان و اومانیست های اروپایی، عقل گرایان کانتی، مادی گرایان مارکسیستی،

لیبرالیست های سکولاریستی و ده ها مکتب و مسلک سیاسی- اجتماعی دیگر تطبیق نداشته و اصلاً قابل مقایسه نمی باشد. زنانی که زینب وار، با تقدیم فرزندانشان به دین و میهن، شهادت را برای همسر، فرزندان و برادرانشان، لطف الهی دانسته و و در سنگر دفاع از ناموس و شرف، دلی همچون زینب دارند. آری صحبت از انسان هایی است که در میدان عمل، علم مدیریت خوانده و تجربه کافی در بسیاری امور اداری را نداشتند ولی مانند یک مدیر ماهر عمل می کردند. انسان هایی که بسیاری از آنان، تجربه یک روز کاری در دستگاه های دیپلماسی را نداشتند، ولی در پای میز مذاکره، همانند یک دیپلمات کهنه کار عمل می نمودند. انسان هایی که دوره عالی مدیریت جنگ را نداشتند ولی در صحنه جنگ با داشتن سن کم همچون فرماندهان بزرگ عمل می کردند. رزمندگانی که در هیچیک از دانشگاه های علوم دفاعی و استراتژیک تحصیل نکرده اند، ولی استراتژی های استراتژیست های کهنه کار را خنثی می نمودند. از اینرو سیاستمداران، روانشناسان، نظامیان، و استراتژیست های دنیای مدرن را مات و مبهوت گذاشته بودند. چنانکه برخی در نهان و آشکار، با اعتراف به رفتارهای این انسان انقلابی، ناتوانی خود را در تحلیل رفتار آنان اعلام می کردند. فراتر از این ها سخن از انسان های پاک سیرتی است که رهبر محبوبشان پیرمردی ساده زیست، فکور، استراتژیست، دوراندیش، تحلیل گر و ... فرماندهی که از یک اتاق کوچک ولی با دلی بزرگ و خدایی، استراتژی های بزرگترین استراتژیست های دو ابرقدرت قرن آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی و ایادی آنان را خنثی می نمود.

بهرحال آنچه که انسان انقلاب اسلامی ایران را، بر می انگیزد، احساس رسالتی بود، که از تغییر در شیوه ی نگرش او پدید آمده بود. جور دیگری نگاه کردن، از دشوارترین مسایل در روابط انسانی و تفاهم میان آدمیان است، چرا که به زور، نمی توان نگاه و فکر دیگران را عوض کرد، و تنها فعالیت های ناشی از ایمان راسخ می تواند، تأثیرگذار باشد. بنابراین انسان انقلاب اسلامی ایران، در «عمل» متبلور می شود، البته راهنما و هدف آن نیز خواسته هایی، به ظاهر متناقض هستند. ولی باید توجه داشت، که این تناقض ها ساخته و پرداخته اندیشه ی مغرب زمین(عصر مدرن) می باشد، نظیر تناقض علم و دین، دین و سیاست، و سیاست و اخلاق .

با این وجود، انسان انقلاب اسلامی و تربیت شده مکتب خمینی(ره) می خواهد تجربیاتش راهنمایی برای سایر انسان ها باشد و به جهانیان نشان دهد که جهان بینی توحیدی و مکتب انسان ساز اسلام، چگونه می تواند به تحول انسان پرداخته و تأثیرگذار باشد. همچنین به اثبات این امر مهم پردازد؛ چگونه با بریدن از شعارهای فریبنده و به ظاهر دنیای مدرن و بازگشت به اسلام راستین ناب محمدی و فرهنگ ائمه و مکتب انسان ساز تشیع هویتی دیگر بیابد.

### عوامل ناشناخته ماندن انقلاب و انسان انقلابی

- مقابله غرب با انقلاب اسلامی (هویت دینی- انسان انقلاب اسلامی)  
در نیم قرن اخیر که مقوله انقلاب از ابعاد و منظرهای گوناگون مورد توجه قرار گرفته است. بی شک می توان آمریکا را یکی از کانون های تأمل و نظریه پردازی در زمینه ی انقلاب دانست. این کشور نه صرفاً بر پایه ی دغدغه های علمی، بلکه با توجه به سیاست های جهانی و ماهیت استعماری و استکباری خود تلاش وافر را در جهت شناخت انقلاب ها با هدف مقابله و به شکست کشاندن آنها سامان داده است. از دیگر سوی در غرب، گفتگو درباره انقلاب بر پایه بنیان های فکری مدرنیته استوار است. بدان معنا که انقلاب به مثابه یک تحول عظیم اجتماعی بر انسان شناسی با رویکرد اومانیستی و سکولاریستی و دیگر بنیان های فکری غرب متکی است.

انقلاب اسلامی از آن لحاظ که انقلابی ما بین مرحله مدرنیته و فرامدرنیته بود، توانست به عنوان الگویی برای تلفیق سنت و مدرنیته و نیز الگوی مقابله با مظاهر مدرنیسم غربی از قبیل: اومانیسم، سکولاریسم و ماتریالیسم قرار گیرد و در نتیجه توانست در عین اخذ جنبه های مثبت تمدن غرب، ارزش های اسلامی را هم به آن بیافزاید و تأثیر عمیقی بر نظریه های غربی گذاشت، که بعضی از نظریه پردازان با بیان انقلابی به نام خدا، بر جنبه های معنویت گرایانه و حقی طلبانه انقلاب اسلامی تأکید کردند.

همچنین انقلاب اسلامی به صورت های مختلف، ساختارهای پذیرفته شده در جهان را شکست و به جای آن، ساختارهای ارزشی جدیدی را جایگزین ساخت. به عنوان نمونه: در اندیشه مدرنیته برای انتقال جامعه سنتی به مدرن، نیاز به یک الگوی جهانی توسعه است، الگویی برگرفته از غرب پیشرفته؛ ولی انقلاب اسلامی ایران با زیر سوال بردن مبانی توسعه غرب و نفی دنیا گرایی افراطی

ایجاد نا آرامی، نا امنی، ترور رهبران، ترور مردم عادی توسط منافقین و گروه‌ها برای ایجاد بدبینی نسبت به انقلاب و رهبران رهبران، بی ثباتی سیاسی- اجتماعی در مناطق مختلف کشور، ایجاد تفرقه‌های مختلف قومی و مذهبی میان اقوام و مذاهب و ناامن نمودن فضاها علمی دانشگاه، طراحی کودتا نافرمانی همچون نوزه و تحمیل جنگ برای جلوگیری از تفکر عمیق و غیره بوده است. هریک از موارد فوق الذکر منجر به تشویش اذهان شده و موجبات پراگندگی ذهن در اندیشمندان، محققان و حتی مردم عادی می‌گردید. لذا وقتی برای انسان آرامش خاطر وجود نداشته باشد و از سویی دیگر احساس ناامنی کند چگونه می‌توانست به مطالب خیلی مهمی فکر نماید. همچنین همین عوامل ذهن رهبران و بنیانگذاران انقلابی را بخود مشغول کرده بود لذا دولتمردان به جز تأمین امنیت داخلی و خنثی سازی تحرکات دشمنان در داخل و خارج، نمی‌توانستند به برخی از امور فکر کنند. عبارت دیگر تأمین امنیت، حفظ و تداوم انقلاب از مهمترین اولویتهای سیاستگذاران بوده است. لذا اگر این امور را ازد دیدگاه روش شناسی تفسیری ویلهلم دیلتای مورد ارزیابی قرار دهیم می‌توانیم رفتارهایی رهبران سازنده انقلاب و سایر انسان را در آن شرایط درک نمایم که چرا این انسان در آن شرایط ناشناخته ماند.

- استفاده از شیوه‌های جنگ نرم

با توجه به تهدیدات موجود خارجی و داخلی، یکی از مهمترین چالش‌های پیش روی انقلاب اسلامی در دهه چهارم حیات آن جنگ و براندازی نرم می‌باشد و این از سخت‌ترین و پیچیده‌ترین تهدیداتی است که آینده انقلاب را به مخاطره می‌اندازد. لذا این مسأله نیازمند توجه هر چه بیشتر دلسوزان انقلابی را می‌طلبد و غفلت از آن می‌تواند خسارات جبران‌ناپذیری بر پیکر انقلاب وارد نماید. چرا که دشمن درصدد بدون استفاده از حمله نظامی، به تسخیر اذهان و افکار عمومی پرداخته و عزم و اراده ملت را از بین برده، مقاومت و دفاع از آرمان و سیاست‌های نظام را تضعیف و با فروپاشی تدریجی فکری و روانی مردم، زمینه را برای نابودی نظام سیاسی و اجتماعی فراهم کند. بنابراین جنگ نرم در برابر جنگ سخت، شامل هرگونه اقدام روانی و تبلیغات رسانه‌ای است که مردم جامعه‌ای را نشانه رفته و بدون درگیری نظامی، رقیب را به انفعال یا شکست وا می‌دارد. کشور ما به دلیل برخورداری از فرهنگ و تمدن اسلامی، وسعت سرزمین، کمیت و کیفیت جمعیت، امکانات نظامی، اقتدار سیاسی، نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی، منابع طبیعی، سرمایه اجتماعی، درایت و توانمندی رهبران فرهنگی و سیاسی، یکپارچگی انسجام ملی و مهمتر از همه تمسک به فرهنگ و مکتب اهل بیت (ع) و التزام به ولایت فقیه؛ الگویی مترقی و متعالی برای کشورهای اسلامی و عامل مهمی در بیداری و خیزش ملت‌های اسلامی منطقه است. بنابراین غرب و در راس آن ایالات متحده کانون حملات نرم و براندازانه خود را متوجه ایران اسلامی کرده‌اند و درکنار تحمیل هشت سال جنگ تحمیلی، کودتاهای گوناگون، حمایت از گروه‌های ضدانقلابی و ایجاد اغتشاش در کشور، از انواع متدهای جنگ نرم در حوزه‌های گوناگونی از جمله سینما، تئاتر، رمان و ادبیات داستانی، شعر، رسانه‌های دیجیتال، گروه‌های مجازی و حقیقی، معنویت‌های ساختگی و عرفان‌های دروغین و ترویج مدگرایی در بین جوانان بهره برده‌اند.

با توجه به آنچه بیان شد به نظر نگارنده، عوامل فوق‌مهمترین، اساسی‌ترین عوامل ناشناخته ماندن این انسان که «هسته استعداد» بوده و تحولش، تفکر دشمن را به چالش کشیده است.

#### جمع‌بندی:

پس از پیروزی انقلاب اسلامی دشمنانی که سال‌ها برای جلوگیری از گسترش فرهنگ اسلامی تلاش کرده بودند به ناگاه با انقلابی عظیم با هویت اسلامی و انسانی متفاوت از معیارهای جهان غرب و مدرن روبرو شدند و از تمام ظرفیت‌های خود برای براندازی نظام مقدس جمهوری اسلامی و تضعیف شخصیت و هویت انسان انقلابی تحول یافته استفاده کردند. با توسل به شیوه‌های مختلف و حمایت از جریان‌های جدایی طلبانه، تقویت همه جانبه منافقین و مخالفین داخلی و خارجی، تحمیل جنگ، تحریم‌های اقتصادی از جمله اقدامات آنان بوده است. اما از آنجا که این رویکرد نتوانست برای آنها فایده‌ای داشته باشد، درصدد نابودی، تخریب، ترور فیزیکی و شخصیت و بی‌هویتی سازی آن پرداختند. اما در کنار اقدامات سخت و نرم جهان استکبار، از عوامل ناشناخته ماندن هویت این انسان، می‌توان به خودباختگی فکری و فرهنگی و نفوذ اندیشه‌های بیگانه در داخل کشور اشاره کرد. نباید فراموش کرد که تأثیر عوامل درونی بیشتر از عوامل بیرونی بوده است.

گفت: که در توسعه سیاسی- اجتماعی نیازی به توسل به الگوهای غربی نیست. انقلاب اسلامی با طرد نظریه توسعه و زندگی بدون معنویت، فضای ارزشی تازه‌ای را به روی جهانیان گشود که در آن هم به نیازهای مادی و هم به نیازهای معنوی پاسخ داده می‌شود.

با توجه به آنچه گذشت غرب و استکبار جهانی پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، و چالش جدی فرهنگ و تمدن دینی و اسلامی با فرهنگ غرب و نیز گرایش رو به گسترش دینداری در جهان و حرکت رو به رشد اسلام‌گرایی که غرب آنرا به عنوان بنیادگرایی معرفی می‌کند تا بتواند اذهان جهانیان را نسبت به انقلاب بدبین کند. همچنان با توجه وجود رهبری مذهبی، صدور فوری و سریع پیام‌های انقلاب اسلامی که از ویژگی‌های برجسته آن می‌باشد. از سویی دیگر شکوفایی استعدادها بالقوه انسانی و نیز تحرک سریع جنبش‌های آزادیبخش در جهان و خاورمیانه تحت عنوان بیداری اسلامی با الهام از انقلاب اسلامی، و ... منجر به تشدید ترس، نگرانی کشورهای استعماری و حامیان آنها را در خاورمیانه فراهم نمود. از اینرو جهان استکبار با همه امکانات خویش به مقابله با هویت دینی و انسان تحول یافته برخاست. اما پس از ناکامی در تهاجم نظامی، به تهاجم فرهنگی و اخیراً هم به تهاجم دینی و حمله به ارزش‌ها و فرهنگ غنی و ناب دینی پرداخته است و با همه توان و امکانات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری خویش، به جنگ نرم فرهنگی با نظام اسلامی و انسان انقلاب اسلامی آمده است. همچنین دشمن بدنبال فروپاشی فکری و از درون می‌باشد و برای تحقق این هدف، از تمام بهانه‌ها، اختلافات، اعتراضات، ناپسامانی‌های اقتصادی، تنوع و کثرت قومی، دامن زدن به نافرمانی‌های مدنی و نزدیک شدن گام به گام و تدریجی به مردم، برای افزایش تأثیرگذاری بر جریان‌های اجتماعی، بهره گرفته و با صحنه سازی، بزرگنمایی، جوسازی سیاه نمایی امور، شایعه سازی و غیره عملاً درصدد هدایت و بدست گیری افکار عمومی، مخصوصاً دانشگاهیان می‌باشد.

در ضمن دشمن در تلاش است با آلوده کرده جوانان نسل جدید، القاء گسست نسلی فعلی با نسل‌های قبل انقلاب، حرکت قطار انقلاب را کند و یا موتور لکوموتیو آن را خاموش نماید. در این خصوص مقام معظم رهبری در هشدار به مسئولین سیاسی و مردم چنین می‌فرماید: «همیشه دشمنان بیرونی ملت ایران سعی کرده‌اند ... ملت ما را ناامید، کسل، بی اعتماد به نفس، تنبل و چشم به دست بیگانه بار بیاورند...»

بهر حال غرب با مشاهده شکل گیری هویت جدید انسان‌های مومن، متعهد، با ایمان، آگاه که هر کدام یک «هسته‌ی استعداد» هستند از اول انقلاب در صدد مانع شکوفایی آنها می‌باشد. لذا یکی از عوامل ناشناخته ماندن انسان انقلاب اسلامی، فعالیت‌ها و اقدامات سخت و نرم دشمن بوده است.

- خودباختگی فکری و فرهنگی و نفوذ اندیشه‌های بیگانه

از جمله‌ی مهمترین و اساسی‌ترین عواملی که در کنار سایر عوامل، در ناشناخته ماندن این انسان، نقش داشته؛ عامل خودباختگی فکری و فرهنگی و نیز نفوذ اندیشه‌های بیگانه می‌باشد. شهید مطهری با آفات دانستن آن برای یک نهضت؛ می‌نویسد: اندیشه‌های بیگانه از دو طریق نفوذ می‌کنند. یکی از طریق دشمنان، هنگامی که یک نهضت اجتماعی اوج می‌گیرد و جاذبه پیدا می‌کند و مکتب‌های دیگر را تحت الشعاع قرار می‌دهد، پیروان مکتبهای دیگر برای رخنه کردن در آن مکتب و پوسانیدن آن از درون، اندیشه‌های بیگانه را که با روح آن مکتب مغایر است وارد آن مکتب می‌کنند و آن مکتب را به این ترتیب از اثر و خاصیت می‌اندازند و یا کم اثر می‌کنند. دیگر از طریق دوستان و پیروان، گاهی پیروان خود مکتب به علت ناآشنائی درست با مکتب، مجذوب یک سلسله نظریات و اندیشه‌های بیگانه می‌گردند و آگاهانه یا ناآگاهانه آن نظریات را رنگ مکتبی می‌دهند و عرضه می‌نمایند.

حضرت امام (ره) نیز با تذکر در این خصوص معتقد است: در طول تاریخ و بالخصوص از آن وقتی که غربی‌ها راه باز کردند به شرق، و از همه بالاتر در این پنجاه و چند سال حکومت سیاه، برای ملت ما پیش آمده است، و مع الأسف بسیاری از قشرها غافل از آن هستند، و بعضی‌ها هم بطور خیانت آمیز دامن به او می‌زنند. مهم این است که دردی که برای ملت ما پیش آمد و الآن به حال یک مرض، یک مرض مُرّمن، تقریباً هست، این است که کوشش کرده‌اند غربیها که ما را از خودمان بی‌خود کنند؛ ما را میان تهی کنند؛ ما به این طور بفهمانند، و بفهمانند، که خودتان هیچ نیستید، و هر چه هست غرب است و باید رو به غرب بایستید.

- ایجاد بی‌ثباتی، تنش، در کشور و مراکز آموزشی

یکی از شگردهای اساسی دشمنان انقلاب از همان فرآیند پیروزی انقلاب،

## مدیر صنعتی موفق، سردار جنگ



کشور عزیزمان ایران، دیار مردان و زنان پر افتخاری است که زبان و قلم در وصف این تلاشگران قاصر و ناتوان است و با نگرش بر کارنامه درخشان امت مومن و متدین این سرزمین در تمامی عرصه ها مخصوصاً عرصه صنعت و تولید می توان به بزرگی و همت و عزم و اراده آنان پی برد و آذربایجان حکایتی شیرین و دلنشین در صحنه صنعتی و تولید و علمی فرهنگی دارد و تلاش های بی شائبه و مخلصانه فرزندان غیرتمند این دیار نشانگر پویایی و بالندگی این افتخار آفرینان است.

شرکت سایپاآذربایجان با نقش آفرینی در عرصه تولید قطعات حساس و استراتژیک خودرو پراید و تیبیا همچون سایر صنعتگران در سربلندی این سرزمین تلاش می نمایند و از ابتدای سال ۱۳۹۳ با انجام تغییرات در سطح مدیریت شرکت، گام های اساسی و ارزشمندی در امر افزایش چشمگیر تولید و کسب افتخار در ساخت سیلندرهای با استاندارد ۴ و ارتقای انگیزشی کارکنان با راه اندازی کانتینرهای غذایی برای تمامی کارکنان و بهره مندی از آب شرب شهری پس از چهل سال و انجام فعالیت های فرهنگی را شاهد بوده ایم و در سال ۱۳۹۳ با توان افزایی، با تولید سیلندر های یورو ۴ و میل لنگ و انواع بلک های دنده های گیربکس و ساخت دنده های کرانویل و پنیون حضور کارآمدی در کنار سایر قطعه سازان گروه خودرو سازی سایپا دانسته است.

ماهنامه کارایی در راستای معرفی عملکرد مدیران شایسته و موفق استانی و کشوری، در این شماره با مهندس رضا رضوانی از سرداران جبهه های حق علیه باطل در دوران دفاع مقدس، که عملکرد موفق را در دوران مدیرعاملی شرکت سایپاآذربایجان تجربه نموده است و همچنین در عرصه های اجتماعی، اقتصادی و صنعتی آذربایجان از چهره های اثرگذاری به شمار می رود، در خصوص عملکردهای موفق اش، در این شرکت به گفتگو می نشیند.

رضا رضوانی در آغاز این گفتگو به کارایی گفت: در راستای تحقق منویات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در امر افزایش تولید ملی و بهره وری و اجرایی کردن سیاستهای اقتصاد مقاومتی، مدیران و کارکنان مجموعه شرکت سایپاآذربایجان در اقدامی نو و جدید، با راه اندازی گروه خودکفایی و اقتصاد مقاومتی، با تلاش و همت فراوان، با انجام فعالیت های فنی و مهندسی توانستند ۸۰/۰۰۰ قطعه را که از لحاظ ساختار ابعادی دارای اشکال کیفی و مهندسی بوده است بازیافت نموده و با انجام عملیات های فنی و مهندسی به چرخه تولید وارد نمایند.

کارکنان سایپاآذربایجان با شور و شعور و همت خود، بیش از هشتاد هزار قطعه را که از لحاظ ابعادی دارای اشکال بوده و از سال قبل در مجموعه انبار های ضایعاتی جمع شده بود، با انجام اقدامات فنی و حرارتی به چرخه تولید تحویل و پس از طی مراحل ماشین کاری، بصورت بلنک های دنده، جهت استفاده به شرکت مگا موتور تحویل دادند. وی در ادامه افزود: این اقدام موثر و کلیدی کارگران سایپاآذربایجان بالغ بر دو میلیارد و پانصد میلیون ریال صرفه جویی اقتصادی در بر داشته است و اگر این نوآوری و ابتکار صورت نمی گرفت این قطعات به عنوان ضایعات می بایست از چرخه تولید حذف می گردید. مهندس رضوانی با اشاره به تلاشهای مضاعف کارگران شرکت سایپاآذربایجان یادآور شد: در سایه تلاش و همت کارگران این مجموعه، شاهد افزایش تولید و بالا رفتن راندمان تولید در مجموعه بوده ایم و راه اندازی خطوط جدید تولید دنده کرانویل و پنیون از اثرات و نتایج تلاشهای این رزمندگان جان بر کف ولایت، در میدان رزم اقتصادی می باشد.

با توجه به اینکه تمامی تجهیزات فنی و دستگاهها دارای قدمت ده ها ساله بوده و اکثراً دارای مشکل می باشند و حتی بعضی از این تجهیزات سال هاست که به دلایل فنی از خط تولید خارج شده اند، از سوی دیگر خرابی این دستگاهها هزینه های گزافی را برای شرکت متحمل می سازند، که از آن جمله می توان به مصرف فراوان روغن که از مشکلات اساسی شرکت است اشاره نمود. با همت و تلاش کارگران و متخصصان شرکت موضوع بازسازی خرابی با راه اندازی تیم های بازسازی آغاز و نتایج مطلوبی را در بر داشته است.

## خودکفایی در ساخت ابزارها

با توکل به خداوند سبحان و با بهره گیری از روحیه خودباوری و در جهت تحقق جمله «ما می توانیم»، ابزارآلات مهم و کلیدی مورد نیاز سایپاآذربایجان از مرحله ی ابتدائی تا نتیجه نهایی، در شرکت سایپاآذربایجان ساخته و به مرحله بهره برداری رسید. این مهم که توسط تیم ابزار سازی مستقر در سایت ۲ شرکت سایپاآذربایجان صورت پذیرفت، منجر به ساخت کلیه فیکسچر ها و ابزارهای تولیدی و کنترلی شد که شامل انواع کالت ها، مورس ها، فک های مخصوص CNC، گیج های توپی، گیج های دهان اژدر، قطعات یدکی CNC و ... می شوند.

## احیاء در سایه تفکر کارگران

از آنجایی که اکثر این ابزارآلات در انحصار کشورهای بیگانه و غربی از جمله آلمان بودند، به علت مسائل مرتبط با تحریم های بی اثر، متخصصان داخلی شرکت سایپاآذربایجان بر آن شدند تا پشت سر گذاشتن چندین مرحله تست و ارزیابی، سرانجام اقدام به تولید این ابزارها نمایند که با برآورد بعمل آمده بالغ بر ۷۵ درصد صرفه جویی اقتصادی نسبت به قبل را داشته و از هدر رفت سرمایه جلوگیری نموده است، لازم به ذکر است که دقت و توان این تولیدات به مراتب بالاتر و با کیفیت تر از نمونه های مشابه خارجی می باشد.

با بهره گیری از توان فکری و هوشمندی کارگران پرتوان، نسبت به احیاء کاترهای ماشین آلات خطه کپه و راه اندازی و به کارگیری تیغه های از رده خارج شده اقدام و صرفه جویی بالای اقتصادی را نصیب شرکت نمودند. از آنجایی که این قطعات سالهای متمادی بصورت راکد و مستهلک غیرقابل مصرف محسوب می شدند، با تلاش تنی چند از کارگران خوش فکر، تعمیر و ماشین کاری مجدد شده و بر روی دستگاه های خط تولید نصب و به چرخه تولید بازگشتند.

## گام هایی در راستای ارتقاء استانداردها

استاندارد E4 یکی از الزامات مهم و اساسی در صنعت خودرو بوده و





طی یک تصمیم مدیریتی و منطبق بر افزایش توان مالی پرسنل صورت گرفته است. کارت های اعتباری ملت در واقع کیف پولی برای همکاران بحساب می آید که دارای اعتبار سی میلیون ریالی بوده و تمامی دارندگان می توانند از این طریق اقدام به خرید از فروشگاه های مختلف نمایند.

همچنین در راستای هماهنگی حقوق پرسنل با معیارهای استاندارد پرداخت، به همت کارگروه طبقه بندی مشاغل شرکت سایپاآذربایجان، پس از بحث و بررسی های فراوان و تطبیق قوانین و احراز شرایط و همچنین بهره مندی از نظرات و انتقادات کارکنان مجموعه سایپاآذربایجان، و درج سوابق آموزشی، تحصیلی و ... در پرونده های پرسنلی، سرانجام مرحله نخست این طرح، با تنظیم جداول اطلاعات کارکنان به اتمام رسید.

همینطور در جهت بالا بردن توان فکری و مهارتی کارگران مقرر گردیده که یک روز در هفته کلاس های آموزشی با عناوین مختلف در شرکت سایپاآذربایجان برگزار گردد. در همین راستا کلاس های آموزشی با حضور کلیه کارکنان در هر دو سایت یک و دو شرکت، برگزار می شود. موضوعاتی از قبیل تولید، اصول مدیریت و سازمان مدیریت تولید و عملیات، نحوه استفاده از ماشین آلات روغن ریزی، تعمیرات و نحوه استفاده صحیح از ابزار، خود کنترلی و کیفیت، حفاظت و حراست از سیستم و اطلاعات، اصول ایمنی و روابط کار، بهداشت کار، ایمنی کار و ارگونومی و ... از جمله موضوعات این کلاس ها بوده که بر طبق یک برنامه زمان بندی مشخص به طور مرتب برگزار شده است. ساعت تشکیل این کلاس هادر بدو ورود پرسنل تلاشگر به محل کار، تعیین می گردد تا عزیزان با شادابی و نشاط در این جلسه حضور یافته و با آمادگی کامل فعالیت خود را آغاز نمایند.

لازم به توضیح است که اساتید منتخب در این دوره از افراد با تجربه و تحصیل کرده و مدیران و سرپرستان داخل شرکت هستند که تجربیات و دانش های تخصصی خود را در اختیار همگان قرار می دهند.

### تعامل با نمایندگان در راستای رشد تولید و صنعت

مهندس رضوانی در گفتگو با ماهنامه کارایی اظهار کرد که در زمان مدیریت اش در سایپا آذربایجان، برای حل مسائل و مشکلات شرکت با مسئولین استانی و کشوری در تماس و تعامل بوده است بارها به کمک رئیس کمیسیون صنعت و معدن مجلس شورای اسلامی یعنی دکتر رضا رحمانی، مانع قرار گرفتن این شرکت در مسیر خصوصی سازی شده است. و دکتر رحمانی قائم مقام محترم وزیر صنعت، معدن و تجارت، در گفتگو با خبرنگاران اظهار نموده است که: شکوفایی و بالندگی اقتصادی قطب صنعتی شمال غرب، همه مدیون ایده و تفکر دینی و ولایی می باشد. ایشان از ابتکارات و تلاشهای مدیریت سایپاآذربایجان در زمان مدیریت مهندس رضوانی ابراز خشنودی کرده و افزوده است که: عملکرد جهادگونه مدیریت شرکت سایپاآذربایجان، و همت بالای کارگران این شرکت، انشالله سبب رشد و ارتقاء شرکت سایپا آذربایجان خواهد شد. ایشان علاوه می کند که: توسعه بیش از پیش این شرکت از اهداف اصلی ما بوده و در آینده تعداد کارکنان و میزان تولیدات رشد قابل توجهی خواهد داشت و تمام سعی و تلاش خود را در جهت حمایت از سایپاآذربایجان خواهیم نمود تا آینده ای روشن برای این شرکت در استان آذربایجان شرقی صورت پذیرد.

سازندگان می بایست به این استاندارد دست پیدا کنند و خودشان را با آن تطبیق دهند. این درحالی است که ایربگ، ترمز ABS، سرسیلندر و سیلندر و ... بیشترین و اساسی ترین تغییرات را جهت ارتقاء به یورو ۴ دارا می باشند. از آنجایی که شرکت سایپاآذربایجان در زمینه تولید بلوک سیلندر نیز فعالیت دارد لذا بلافاصله پس از ابلاغ E4، تیم کارشناسی تشکیل و شروع به انجام برخی فعالیت ها و تحقیقات در این زمینه نمودند.

در سیلندر با استاندارد یورو ۴ با توجه به تغییر Material و اش سرسیلندر سطح سرسیلندر علاوه بر مقدار صافی سطح، می بایست عاری از هرگونه ضرب خوردگی، برجستگی ناشی از نقل و انتقال در میان هر OP و ترانسفر قطعات باشد که در کمپرس موتور نقش اساسی دارد.

استفاده از جت روغن با طرح جدید، سوراخ کاری سوراخ های سیلندر، در محل بست سرسیلندر و بسیاری دیگر از آیتم های ابعادی از تغییرات سیلندر E4 می باشد. بحث کاهش آلایندگی بودن موتور E4 از شاخصه های این استاندارد محسوب می گردد که بیشترین تغییرات در ابعاد و پارامترهای یورو پیستون می باشد.

با توجه به فرسوده بودن ماشین آلات شرکت سایپاآذربایجان و مهم بودن پارامترهای E4 که موجب بر هم خوردن نتایج و عدم ثبات در تولید بلوک سیلندر می گردید، تیم کارشناسی اقدام به بررسی میدانی این موضوع نمود و پس از ساعت ها بحث کارشناسی اقدام به خرید دستگاه ناگل (Nagle) نموده و راه اندازی گردید و با توکل به خدا و اتکا به توان داخلی، برخی کمبودها در این دستگاه از جمله ابزار مناسب، جهت ماشین کاری Fine، در داخل شرکت طراحی و ساخت گردید. در ادامه نیز دستگاه فیلتراسیون که یکی از نقش های اساسی در هونینگ و تولید E4 می باشد طراحی و ساخت گردید، شستشوی اولیه که نقش مهمی در تغییر پارامترهای E4 داشته به صورت کاملا ساده و بدون هیچ هزینه ای جهت خرید توسط مواد موجود در شرکت ساخت و بدون استفاده از نیروی انسانی جهت شستشو وارد چرخه تولید گردید و در حالی که دیگر شرکت های تولیدی در این زمینه ناامید و ناتوان گردیده بودند، به حول قوه الهی، شرکت سایپاآذربایجان با در اختیار داشتن نیروها مخلص و توانمند و مبتکر و باایمان به استاندارد بین المللی یورو چهار در تولید سیلندر با کمترین هزینه و بدون هیچ گونه چشم داشتی دست پیدا نمود.

### تأمین زیرساخت ها

از آنجایی که سایت یک شرکت سایپاآذربایجان از بدو تاسیس همواره از نعمت آب شرب بی بهره بوده و در طول سالیان دراز مشکلات متعددی را برای کارکنان بوجود آورده بود، در ابتدای سال با روی کار آمدن مدیر عامل جدید این شرکت، آقای مهندس حاج رضا رضوانی تأمین آب شرب برای این شرکت را به عنوان یکی از اهداف اصلی ارتقاء این شرکت در دستور کار قرار گرفت.

پس از بررسی ها و پیگیری های متعدد و بر طرف نمودن مشکلات پیش رو، این مهم اکنون با عنایت ویژه خداوند متعال و دعای کارکنان و خانواده های محترمشان، در سالی که توسط مقام معظم رهبری (مدظله العالی) سال اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی نام گذاری گردیده بود، سرانجام پس از چهل سال مورد بهره برداری قرار گرفت و سایت یک سایپاآذربایجان دارای آب شرب گردید.

### کارگران ستون های اصلی و استوار تولید

آقای مهندس رضوانی بر این باور است که برای برداشتن گام های اساسی در جهت پیشرفت و پیشبرد اهداف صنعت، همانند فضای جبهه و جنگ که اصل وحدت فرماندهی و سربازی برقرار بود الزام وحدت و هماهنگی کامل بین مدیریت و جامعه کارگری وجود دارد لذا درک و فهم مسائل و مشکلات کارگران و تلاش برای حل مسائل آنها، و برقراری ارتباط مبتنی بر اخوت از الزامات این وحدت و تعهدات مدیران است به همین خاطر ایشان تلاش نموده است تا تغییر وضعیت کارکنان روزمزد صورت پذیرفته و تمامی آن عزیزان بصورت پیمانی در شرکت انجام وظیفه کنند. به این طریق برخی از مشکلات اساسی این عزیزان از جمله بیمه رفع شده است.

در اقدامی مهم دیگری توزیع کارت های اعتباری بیمه ملت در سایپاآذربایجان، نیز صورت پذیرفته این مهم در جهت ارتقاء رفاه حال کارگران سخت کوش، در مجموعه سایپاآذربایجان، و همچنین با هدف گذاري ارتقاء توان خرید این عزیزان،

# دادرسی الکترونیکی کار آیی عدالت



غلامعلی حیدر نیا فتح آبادی

می کند، تشبیه این دو تاسیس، از نظر آثار مثبت و سازنده و مردم پسند آن دو است و هرگز در تاریخ کشور نظیر و سابقه نداشته است.

میدانیم که برای تحقق عدالت، فقط داشتن قوانین ماهوی عادلانه کافی نیست، و نحوه اجرای این قوانین، و چگونگی پیاده کردن مقررات موضوعه در جامعه - که آن را آیین دادرسی نام نهاده ایم - به همان اندازه، مهم است. و می دانیم که آیین دادرسی بی که منطبق بر شرایط هفتاد سال پیش باشد، پاسخگوی نیازهای کنونی نبوده و در حکم دو چرخه ای در عصر موشک است. شالوده ی «آیین دادرسی» موجود با همه ی اصلاحات و پس و پیش رفتن هایش، در سال ۱۳۱۸ منطبق با مقتضیات آن روز ریخته شده، با تحولات جهشی اخیر، کهنه شده و توان پاسخگویی به نیازهای زمان حال را ندارد و به این می ماند که بخواهیم حسابداری یک فروشگاه زنجیره ای در سراسر کشور را با چرتکه انجام دهیم.

اولین اثر کهنگی ضوابط اجرای عدالت، قربانی شدن خود عدالت، و نتیجه ی آن، نارضایتی مردم است. اصول المرافعه، طریق الحکم، یا طریق القاضی، یا فن المرافعه، و همه ی اصطلاحات قدیمی آیین دادرسی، که مقررات شکلی روزگاران سابق اند، امروزه می توانند فقط مبحثی از «تاریخ» حقوق ما باشد و در اجرائیات، نتیجه ای جز تراکم پرونده ها و اطاله ی دادرسی ها و به تاخیر افتادن فعالیت های اقتصادی و نارضایتی های اجتماعی نخواهند داشت.

در باره ی آیین دادرسی و اصلاح و انطباق آن با شرایط روز، پس از انقلاب، بحث ها و کشاکش ها، عمدتاً حول محور بودن یا نبودن دادسرا، و شرح محاسن وجود دادگاه های پژوهش و فرجام و کمبود قاضی و نظایر آن بوده است و کمتر کسی به تحولی به نام «دادرسی الکترونیک» پرداخته است. تحولی که به یقین در آینده ای نه چندین دور، کلیت سازمان قضایی را به شکل باور نکردنی بی تحت تاثیر قرار خواهد داد و همه ی بحث های سابق را منتفی خواهد کرد.

آنان که با تاریخ ستم حاکمان و زور گویی حکومت ها آشنا نیستند، بخوبی میدانند که دیوان عدالت اداری، بنیادی نو و تحولی ارزشمند و افتخار آمیز بعد از انقلاب اسلامی است که راه اعتراض و شکایت از اقدامات و تصمیمات خلاف قانون مامورین و ادارات دولتی را گشود و احاد مردم توانستند برای تظلم از حکومت به این دیوان شکایت کنند.

پس از حکومت امیرالمومنین علی ع، کلمه ی عدل و عدالت، گمشده ی مردم بود. هزاران بیرق مبارزه در طلب آن گمشده به پا خاست و فرو افتاد. در قیام مشروطیت نیز، مردم خواهان «عدالتخانه» بودند. یعنی خانه و مرجع و ملجائی که عدالت را تضمین کند و پناه ستمدیدگان باشد. اما اینگونه نشد. مشروطیت را به توپ بستند و شرع را به دار کشیدند و قانون اساسی و متمم آن را که تضمین «اسلامیت» قیام مردم بود، به فراموشی بردند، و خودکامگی ۲۵۰۰ ساله تا سال ۱۳۵۷ ادامه یافت.

پس از مشروطیت، فقط یک قانون که اجازه ی شکایت از دستگاه های دولتی را می داد، به نام «قانون راجع به شورای دولتی» در سال ۱۳۳۹ تصویب شد که آن نیز هرگز به مرحله ی اجرا و عمل نرسید و اکثر اساتید حقوق، از آن به عنوان مثال بارز قانون متروک، و نسخ عملی قانون، یاد کردند.

در سال ۱۳۵۷ انقلاب اسلامی ایران که نمره ی خون همه ی شهیدان تاریخ اسلام بود پیروز شد و قانون اساسی این انقلاب در ۱۷۷ ماده به تصویب ملت رسید که دومین جمله ی آغازینش، بعد از بسم الله الرحمن الرحیم، این آیه ی مشعشع و عدالت گستر قرآن کریم است که:

لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط

آیه ای که نه تنها هدف از حکومت، بلکه هدف ارسال پیامبران را نیز عدل و قسط می داند. یقیناً پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، پدیده ی شگفت تاریخ بود و یقیناً اهدافی که در قانون اساسی ترسیم شد، تاریخساز و سرنوشت سازند، اما دلیل این که نویسندگان این سطور، به ذکر خیری از دیوان عدالت اداری شروع

با پیوند به همه ی مراجع ذیربط ، روی میز قاضی و مقابل نگاه اوست ، مکلف کرده است و به موجب ماده ی ۶۵۳ همین قانون ، دستگاه های دولتی ، نهاد های عمومی غیر دولتی و شخصیت های حقوقی بخش خصوصی موظفند پاسخ لازم استعلام مراجع قضایی و اطلاعات خواسته شده را از طریق شبکه مزبور اعلام کنند .

جالب تر این که قانونگذار در تبصره ی ماده ۶۵۲ ، شخصیت های حقوقی بخش خصوصی را نیز مشمول حکم قانونی قرار داده و به پاسخ دادن در این سامانه ملزم کرده است و کسانی را که در اجرای این حکم کوتاهی کنند ، مشمول ماده (۵۷۶) قانون مجازات اسلامی - کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ - کرده است .

به این ترتیب کلیه ی اطلاعاتی که پرونده ی ارجاعی برای رسیدگی و صدور رای قضایی نیاز دارد ، به صورت به روز و با پیوند به تارنمای کلیه ی مراکز و دستگاه های دولتی و خصوصی ، موجود است و در صورت هرگونه نقص و کاستی در اطلاعات ، قاضی می تواند به راحتی از دستگاه مسئول و ذیربط از طریق رایانه استعلام و پاسخ آن را سریعاً دریافت کند .

در چنین حالتی ، که تمامی فرایندها توسط رایانه و با درج خودکار و لحظه ای زمان و مدت و املا و انشای مکاتبات و درخواست ها و پاسخ ها انجام می گیرد ، نه نیازی به استعلام های کتبی و زمانبر و مراجعات حضوری و شلوغی راهرو ها و اتاق ها و تماس های سالم و ناسالم است ، و نه حاجتی به تمبر و پست و مامور و بایگانی و کاغذ و پاکت و سفر های درون شهری و برون شهری و تصادفات بین راه و ترافیک و آلودگی های اداری و هوایی و نارضایتی ارباب رجوع و اطاله ی دادرسی و ابلاغ حکم پس از مراسم فوت محکوم له . قانون دادرسی الکترونیک ، به حدی پیشرفته است که امکان به کارگیری سامانه های ویدئو کنفرانس و سایر سامانه های ارتباطات الکترونیکی به منظور تحقیق از اصحاب دعوی، اخذ شهادت از شهود یا نظرات کارشناسی را هم به رسمیت شناخته است .

شاید شروع این تحول عظیم با تصویب قانون تجارت الکترونیک بود مصوب ۱۳۸۲ باشد . اما وقتی این قانون مقرر داشت سند می تواند یک « داده پیام » ( Data Message ) باشد ، کسانی بودند که اگر هم مفهوم این عبارت را درک می کردند نه آن را جدی می گرفتند و نه عملی می دانستند . کسانی که به مفهوم سنتی و تاریخی « کتابت » خو گرفته بودند ، باور نمی کردند که جز با مداد و خودنویس و لزوماً با جوهر ثابت ، بتوان نوشت و چیزی به غیر از کاغذ را سند انگاشت .

شاید دلیل تأخیر ورود به این میدان را پس از دوران پر تلاطم اوایل انقلاب و جنگ تحمیلی ، نبودن زیرساخت های فنی و عوامل انسانی آشنا به کار می توان دانست . تدوین کنندگان قانون تجارت الکترونیک هم ، به رغم جسارت شروع این اقدام مهم ، شرط احتیاط را نیز در نظر داشته و در جا هایی مثل ماده ی ۶ آن قانون ، ضمن تجویز تولید اسناد الکترونیکی و به رسمیت شناختن آن ، همچنان سه مورد را استثنا کرده بود و در بخش مهمی از قانون نیز ، به تعاریفی پرداخته بود که بیشتر به آموزش اصطلاحات کامپیوتری به افراد نا آشنا شباهت داشت . اما به هر حال ، قانون تجارت الکترونیک با نو آوری های خود ، گره کور سنت های کهنه ی مقررات شکلی را گشود و با ورود مفاهیمی مثل سند الکترونیک و امضای الکترونیکی ، زمینه را برای به روز کردن مقررات شکلی دست و پاگیر فراهم کرد . هفت سال بعد متعاقب قانون تجارت الکترونیک ، قانونگذار هر چند بیرون از حوزه ی قوه ی قضائیه و صرفاً در پیکره ی قوه ی مجریه ، همه ی اسناد الکترونیکی را به رسمیت شناخت و در ماده ۴۸ قانون برنامه پنجم توسعه کشور مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ به صریح قاطع اعلام کرد که : « سند الکترونیکی در حکم سند کاغذی است مشروط بر آن که اصالت صدور و تمامیت آن محرز باشد. در هر موردی که به موجب قانون، تنظیم اوراق یا اسناد و همچنین صدور یا اعطاء مجوز ، اخطار و ابلاغ ، مبادله وجه و مانند آن ضروری باشد ، انجام

با تصویب قانون دادرسی الکترونیکی در سال ۱۳۹۳ ، کشور گام در راه تحول بزرگی گذاشته است و به سوی آثار بسیار شگفت انگیز آن می رود که البته ضرورتی جهانی و بین المللی است . آثاری که شاید بخشی از آن ، به تصور واضعان این قانون نیز نرسیده باشد . کافی است قدم در راهی بگذاریم که ابلاغ به نشانی ایمیل افراد یا به تلفن همراه اشخاص را به جای ابلاغ ها و اخطار های کاغذی به رسمیت بشناسد ، دیگر ، دفتر اندیکاتور و اندیکاتور نویس و کاغذ و نامه و مهر و پست و مامور ابلاغ و همه ی آنچه در مشکلات این کلمات میدانیم ، از میان خواهد رفت . شگفت تر ، اینکه وقتی جزئیات اطلاعات خواهان و خواننده و موضوع دعوی حتی بیش از آنچه طرفین محاکمه بدانند ، در صفحه ی کامپیوتر قضایی پرونده موجود است و نرم افزار ، در حین ورود اطلاعات ، تمامی اشکالات و نواقص و مجهولات را بر طرف کرده و فیلتر های متعدد طراحی شده را اعمال نموده است ، ایراد و اعتراض و تجدید نظر چه معنایی خواهد داشت ؟ از این شگفت انگیز تر اینکه وقتی مثلاً اجزای حقوق و ریز مطالبات و جزئیات بدهی ها و تعهدات اشخاص به تاریخ روز و ماه و سال و دقیقه ، در اختیار است ، چه حاجتی به استعلام و کارشناس و غیره ؟

دستور رهبر انقلاب طی ابلاغ سیاست های کلی قضایی پنجساله به تاریخ ۱۳۸۸/۹/۲ ناظر بر « بهره برداری از فناوری های نوین خصوصاً در زمینه های اطلاعات ، ارتباطات ، فرایند دادرسی و خدمات ثبت »

صادر شد و متعاقب آن ، قانون مصوب مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۹۳/۷/۸ با عبارت درست « دادرسی الکترونیک » راه را بر همه ی بن بست های جانکاه برای مردم گشود .

عبارت « دادرسی الکترونیک » ، مورد استفاده در قانون مجلس شورای اسلامی ، بسیار دقیق و عام الشمول است و از عبارت « ارائه ی خدمات الکترونیک قضایی » که در آیین نامه ی آن مورد استفاده قرار گرفته است ، بهتر و به مقصود نزدیک تر است . هر چند محتوای مقدمه ی آیین نامه نیز رسا و فراگیر تنظیم شده است اما از این نظر که جا افتادن عنوان « دادرسی الکترونیک » به تحقق آن بیشتر کمک خواهد کرد و به روح و منطق ابلاغیه ی رهبر انقلاب نزدیک تر است ، بجاست عبارت دادرسی الکترونیک که شامل کل پیکره ی سازمان قضایی کشور می شود - و نه فقط دفاتر خدمات قضایی - منظور نظر باشد .

اهمیت این قانون ، و برکاتی که از این طریق برای مردم و کشور فراهم خواهد شد ، به افکار عمومی عرضه نشده و مردم در جریان این راه کار بسیار مفید و سازنده که حتی آثار فرا قضایی نیز خواهد داشت ، بخوبی آگاه نیستند .

دولت الکترونیک بخشی از راه خود را پیمود و پیشرفت هایی کرد و از سال ۱۳۹۳ قانون دادرسی الکترونیک ، که بیگمان مکمل آن است ، تحول الکترونیک کشور را تکمیل کرد . به موجب این قانون کلیه ی اقدامات قوه ی قضائیه نه فقط کامپیوتری می شود بلکه از همین طریق ، در اختیار مردم قرار می گیرد . نیروی انتظامی و شعب دادگاه ها ، وکلا ، کارشناسان ، ضابطان و دستگاه ها ، هیأت ها و کمیسیون های ذی ربط و هرچه در امر دادگستری دخیل است ، در یک درگاه ( سایت ) اینترنتی ، به هم می پیوندند و در اختیار مردم قرار می گیرند .

دستگاه های تابعه ی قوه ی قضائیه ، نظیر دیوان عدالت اداری ، سازمان بازرسی کل کشور ، سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور ، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، سازمان پزشکی قانونی، سازمان قضایی نیروهای مسلح و مراجع ذی ربط در غف و بخشودگی و سجل کیفری ، و روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ، همگی از طریق « درگاه ملی قوه قضائیه » و « شبکه ملی عدالت » موظف به ارائه ی خدمات به مردم اند .

این قانون ، دامنه ی خدمات این درگاه را به ادارات و سازمان های بیرون از بدنه ی قوه قضائیه هم سرایت داده و سایر اشخاص حقیقی و حقوقی را نیز که در جریان دادرسی به اطلاعات آنها نیاز است ، به پیوستن به « شبکه ی ملی عدالت » که اکنون



الکترونیکی آن با رعایت مفاد قانون تجارت الکترونیک مجاز بوده و کفایت می‌نماید.»

سه سال بعد، کار به جایی رسید که قانونگذار در ماده ۶۵۵ قانون دادرسی الکترونیک، هرگونه سند، مدرک، نوشته، برگه اجراییه، اوراق رأی، امضا، اثر انگشت، ابلاغ اوراق قضایی، نشانی و مانند آن در شکل رایانه ای در حوزه ی دادرسی نیز به رسمیت شناخت. جسارت و تاکید قانونگذار در الکترونیکی کردن امور، که ناشی از درک اهمیت آن است، به حدی است که با گنجانیدن عبارت «و مانند آن»، دامنه ی فوق العاده ای به مفاهیم مدارک مورد نظر داده است.

مجموعه ی مقررات و قوانین فوق، تحولی شگرف است که نه تنها در آیین دادرسی و قوه ی قضائیه، بلکه لاجرم در همه ی امور اجرایی و دولتی تاثیرات خود را خواهد گذاشت.

شاید از عنوان قانون «دادرسی الکترونیکی» چنین به نظر برسد که الزام تجمیع اطلاعات صرفاً متوجه قوه ی قضائیه است. اما استدلال های دیگری می توان آورد که چنین نیست برای تحقق عدالت، در دادرسی الکترونیکی اطلاعات موجود در سایر دستگاه های زیر مجموعه ی قوه ی قضائیه و حتی قوه ی مقننه نیز لازم است.

در خود شورای ۲۰ نفری پیش بینی شده در قانون دادرسی الکترونیک وزیر ارتباطات و فن آوری و وزیر دادگستری و فرمانده نیروی انتظامی نیز عضو هستند.

در تبصره ی ۲ ماده ۶۵۱ قانون مزبور، مراجع انتظامی و سایر ضابطان و دستگاه ها، هیأت ها و کمیسیون های ذی ربط موظف شده اند اطلاعات مرتبط با امور قضایی خود را در مرکز ملی داده های قوه قضائیه قرار دهند و آنها را روزآمد نگه دارند. مراکز نامبرده در این تبصره را نمی توان منصرف به مراکز زیر مجموعه قوه ی قضائیه دانست، چرا که این مراکز صراحتاً در اصل ماده احصا شده اند و بر قانونگذار حکیم، تکرار روا نیست.

در ماده ۶۵۲ قانون مزبور، قوه قضائیه موظف شده است به منظور ساماندهی ارتباطات الکترونیکی بین محاکم، ضابطان و دستگاه های تابعه خود و «نیز سایر اشخاص حقیقی و حقوقی که در جریان دادرسی به اطلاعات آنها نیاز است»، شبکه ملی عدالت را راه اندازی کند. در تبصره ی همین ماده، به مراجع قضایی اجازه داده شده است که استعلامات قضایی و کسب اطلاعات لازم را از طریق شبکه ملی عدالت به عمل آورند و دستگاه های دولتی، نهاد های عمومی غیردولتی و شخصیت های حقوقی بخش خصوصی موظف شده اند پاسخ لازم را از طریق شبکه مزبور اعلام کنند و عدم پاسخگویی جرم تلقی شده و مستنکف از مفاد این تبصره مشمول ماده (۵۷۶) قانون مجازات اسلامی - کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵/۳/۲- است.

بند ت ماده ی ۶۵۴ قوه ی قضائیه را ملزم به ارائه ی اطلاعاتی مانند بهای منطقه ای املاک «کرده است که مسئولیت تدوین این اطلاعات و مرجع اداری آنها، سازمان های خارج از پیکره ی قوه ی قضائیه است. بند ت مزبور اشعار می دارد: (کلیه اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه هزینه دادرسی، مانند بهای منطقه ای املاک) کلمات «کلیه» و نیز «مانند» حاکی از توسعه ی مفهوم به خارج از بدنه ی قوه ی قضائیه است.

در ماده ی ۶۵۵ قانون مزبور، کلیه ی اسناد به شکل الکترونیکی به رسمیت شناخته شده است. از آنجا که سند به مفهوم عام آن، در خارج از بدنه ی قوه ی قضائیه نیز تولید و بکار گرفته می شود، و مراجع قضایی مکلف و مجاز به استفاده و بکارگیری هر گونه از این اسناد شده اند، مراجع دیگر نیز مکلف به ارائه ی اسناد حوزه ی مدیریتی خود جهت تحقق دادرسی الکترونیک هستند.

در بند ۳ ابلاغ «سیاست کلی قضایی» توسط رهبر انقلاب اسلامی، لزوم همکاری سایر دستگاه ها با قوه قضائیه مورد تاکید قرار گرفته است که حتی از منظر «اهتمام به پیشگیری از وقوع جرم» که در این بند ذکر شده، نوع همکاری سایر قوا اگر از جنس تبادل اطلاعات باشد، عملاً راه را بر عدالت قضایی و تحقق دادرسی

قضایی نیز هموار خواهد ساخت.

از مجموع سیاست های کلی یاد شده و قانون مزبور و به راحتی بر می آید که کلیه ی فرایند های لازم در سازمان قضایی کشور باید به شکل الکترونیک رایانه ای انجام گیرد و مردم از ره صد ساله ای که می توان به یک لحظه پیمود، راحت شوند و کشور و انقلاب نیز از چنبره ی شیوه های کهنه ی رنج آور خلاص شوند. در مجموع، قانون دادرسی الکترونیکی، در کنار قوانین دیگری مثل «قانون تجارت الکترونیک» مصوب هفدهم دی ماه ۱۳۸۳ و «قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد» نظام اداری کشور را کاملاً به صورت الکترونیک تعریف کرده اند. همه ی اقدامات اداری و قضایی، در همه ی سازمان ها و نهاد ها باید به شکل رایانه ای در دسترس مردم باشد و مردم به سهولت در هر نقطه ای که باشند، هم اطلاعات لازم را کسب کنند و هم نیاز های خود را بدون مراجعه به ادارات حل و فصل کنند. تاکید قانونگذار بر الکترونیکی کردن امور به حدی است که علاوه بر وضع قوانین جامع و عام الشمول، درباره دسته از فرایندهای اداری از جمله نقل و انتقال اموال غیرمنقول، ثبت شرکتها و واحدهای تولیدی، اخذ مجوز مراحل مختلف صادرات و واردات و امور مربوط به اتباع بیگانه که انجام آن به چند سازمان مربوط می گردد صراحتاً به خرج داده، و دستگاه ها را مکلف به ایجاد و راه اندازی فرایندهای مرتبط و مکانیزه به گونه ای که نیاز به مراجعه اشخاص به ادارات مزبور به حداقل کاهش یابد، کرده است. نکته ی جالب توجه دیگر این که قانونگذار، هم برای تدوین آیین نامه ها و هم برای اجرای مقررات وضع شده، در اکثر مواد، مهلت معینی را مقرر داشته و مجریان را به انجام تکالیف خود در مدت های محدودی مثل یک ماه، سه ماه، شش ماه و یک سال مکلف کرده است و با توجه به این که از زمان تصویب قوانین یاد شده، بیش از این مهلت ها سپری شده است، علی القاعده تمامی اقدامات قانونی می باید تاکنون عملی شده باشد.

به راحتی می توان پیش بینی کرد که با چنین روندی، شیوه های سنتی آیین دادرسی منسوخ یا متروک خواهند شد و قضات هشیار و وکلا و حقوقدانان راه حل هایی را بر خواهند گزید که آنان را سهل تر و سریع تر به تصمیم عادلانه برساند. همانگونه که جوهر ثابت از دفاتر اسناد رسمی رخت بر بست و اکنون تنظیم سند در این دفاتر بیش از چند دقیقه طول نمی کشد، مراجعه به دادگاه ها و احقاق حق از طریق دادگستری نیز، با با اطلاعات کامل و دقیق، و حذف بسیاری از مقررات زائد و مواعد طولانی، بسیار سریعتر از آنچه که هست انجام خواهد شد، و با اشراف به روز مردم به حق و تکلیف خود، چه بسا دعوایی که مطلقاً حذف و منتفی خواهند شد.



## اولویت‌های برنامه ریزی برای رویداد تبریز ۲۰۱۸

مرتضی گرمی  
کارشناس ارشد گردشگری

جوامع هستند. تصویرسازی، نیازسنجی، ترغیب، اقناع، آگاه‌سازی، ارتباطات مؤثر و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در حوزه رسانه‌ای است که بسیاری از کشورها را در زمره برترین مقاصد جذب توریست در جهان قرار داده است. بدیهی است که ایران و به تبع آن شهر تبریز، از نظر جاذبه‌های گردشگری، میراث تاریخی و فرهنگی و اکوتوریسم داشته‌های فراوانی دارند و با کمی تلاش می‌توان صنعت گردشگری در ایران را تا حد قابل توجهی گسترش داد. رویداد تبریز ۲۰۱۸ یک فرصت استثنائی برای گردشگری شهر تبریز است که برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح این رویداد می‌تواند نقطه شروعی برای گردشگری شهر تبریز قلمداد شود. یکی از شاخص‌های اصلی و مهم برای توسعه گردشگری بازاریابی و تبلیغات می‌باشد. چیزی که یکی از ضعف‌های شهر تبریز در امر گردشگری است. عده‌ای بر این باورند که گردشگران منتظر سال ۲۰۱۸ هستند که با شروع سال میلادی چمدان‌های خود را بسته و عازم شهر تبریز شوند. حتی برخی برای این اتفاق آمار و ارقام هم پیش‌بینی می‌کنند. غافل از اینکه رویداد تبریز ۲۰۱۸ یک فرصت استثنائی برای معرفی و تبلیغ شهر تبریز به جهانیان است؛ که اگر درست عمل شود می‌توان انتظار ورود گردشگران را نیز داشت. اگر دوران گردشگر پذیری در تبریز را به ۱۵ روز نوروز و ۳ ماه تابستان خلاصه کنیم چیزی حدود ۸ ماه در سال برای دعوت از گردشگران برای حضور در تبریز وجود دارد. فرصت مهم ۸ ماهه دعوت از گردشگران برای حضور در تبریز همیشه در سایه کم‌توجهی مسئولان گردشگری استان و تبریز و نبود استراتژی صحیح تبلیغاتی از دست‌رفته است. گردشگری، صنعتی مبتنی بر تبلیغات است. هیچ عقل سلیمی قبول

به‌منظور توسعه گردشگری در شهر تبریز و برگزاری رویداد تبریز ۲۰۱۸، عوامل و متغیرهای زیادی دخیل هستند ولی با توجه به شرایط ویژه شهر تبریز، می‌توان به موارد زیر به عنوان اولویت‌ها، اشاره نمود.

### تبلیغات و اطلاع‌رسانی

تعداد گردشگران جذب‌شده یکی از مهم‌ترین شاخص‌های موفقیت در پیاده‌سازی سیاست‌های گردشگری بوده و تعداد گردشگران بر میزان درآمد ناشی از گردشگری به‌عنوان دیگر معیار مهم موفقیت در سیاست‌گذاری گردشگری، تأثیرگذار است؛ بنابراین شبکه‌های اجتماعی مانند؛ تلویزیون، رادیو، روزنامه‌ها، مجلات و فضای مجازی از پتانسیل قابل توجهی در تعیین موفقیت و یا شکست سیاست‌های گردشگری برخوردار هستند. وسایل ارتباط جمعی می‌توانند با بهره‌گیری از شگردهای تبلیغی و آفرینش‌های هنری، زیبایی‌ها، توانایی‌ها و پتانسیل‌های یک مقصد گردشگری را به بهترین نحوه تصویر کنند. یا باعث ذهنیت منفی و بدبینانه شوند. گردشگری یک پدیده اجتماعی است و اساساً هر پدیده اجتماعی، خواه مثبت و مفید و یا منفی و مضر، برای بروز و ظهور خود در جامعه، نیاز به بستری مناسب و کافی دارد. رسانه‌ها قادرند با برنامه‌ریزی‌های دقیق و کنترل‌شده، اندیشه‌های مردم یک جامعه را شکل دهند و رفتار آنان را به‌صورت دلخواه سمت‌وسو بخشند و دیدگاه موردنظر خود را گسترش دهند. رسانه‌ها در جهان امروز با اشکال مدرن و مخاطب پسند خود بزرگ‌ترین و مؤثرترین ابزار تولید محتوا و مفاهیم، تناسبات اجتماعی و به‌طور کلی پیام‌رسانان فرهنگ در

نمی‌کند که تبریز بدون داشتن تبلیغی مناسب و موثر در این عرصه، بتواند با غول‌ها و مراکز عمده گردشگری ملی و فراملی رقابت کند. صنعت گردشگری صنعتی است که درآمد حاصل از آن می‌تواند بسیاری از مشکلات اقتصادی تبریز و استان را برطرف کند. قابلیت‌های گردشگری تبریز به قدری هست که بشود از آن در جهت جذب گردشگر استفاده کرد ولی بی‌عملی مسئولان امر در امر تبلیغات و محدود کردن فعالیت‌های گردشگری در بازه زمانی تابستان و نوروز و اکتفا کردن به برگزاری چند نمایشگاه صنایع‌دستی بخشنامه شده از مرکز در تبریز و برخی شهرهای ایران، باعث شده است، رقیبان سالیان سال گوی سبقت را از ما برابند. علی‌رغم اهمیت صنعت گردشگری و همچنین وجود ظرفیت‌های بالای گردشگری در استان، تاکنون برنامه‌های علمی و عملی برای توسعه گردشگری استان و تبریز تدوین نشده است و حلقه مفقوده گردشگری ما به تحقیق تبلیغات است. عدم توجه به کارکرد صحیح تبلیغات و بهره‌برداری از فرصت‌های تبلیغاتی باعث گردیده است که صنعت گردشگری تبریز، همچنان اتفاقی بی‌برنامه و بدون شناسنامه باشد. توجه به امر تبلیغات در صنعت گردشگری، همان دعوت‌نامه‌ای است که می‌تواند گردشگران را به حضور در تبریز در سال ۲۰۱۸ و سال‌های بعدی ترغیب کند.

### آموزش و فرهنگ‌سازی

یکی از اصلی‌ترین عوامل رشد و توسعه صنعت گردشگری در همه کشورها، فرهنگ چگونه رفتار کردن با گردشگر می‌باشد. این نکته که هر گردشگر در کنار بازدید از جاذبه‌های گردشگری، با فرهنگ و رفتار مردم جامعه میزبان نیز آشنا می‌شود، اهمیت بسیار دارد. گردشگران می‌توانند بهترین سفیران تبلیغاتی باشند؛ درحالی‌که مثبت و یا منفی بودن این تبلیغات، به رفتار جامعه میزبان بستگی دارد. تمامی کسانی که به نحوی با گردشگر ارتباط دارند، باید آموزش ببینند و میزان آموزش به نوع ارتباط بستگی دارد. عدم آموزش کافی در چگونگی رفتار با یک گردشگر، نه تنها سبب نارضایتی گردشگر و از بین بردن فرصت‌های بعدی برای حضور وی در جامعه میزبان می‌شود، بلکه شکل‌گیری تصویری منفی و ناخوشایند در ذهن وی به دنبال خواهد داشت. نمونه بارز برای این امر، گردشگری سلامت شهر تبریز در سال‌های اخیر می‌باشد که به دلیل مدیریت ضعیف و داشتن برخورد غیر حرفه‌ای و نامناسب با گردشگران سلامت، فرصت مناسبی که برای توسعه گردشگری در شهر تبریز به وجود آمده بود، از دست رفت. فرصتی که در حد منطقه و بیشتر در حد کشور آذربایجان بود. ولی رویداد تبریز ۲۰۱۸ ابعادی بین‌المللی دارد که اتفاقات این رویداد، چه مثبت و چه منفی، تأثیراتی بین‌المللی خواهد داشت. ارگان‌ها و سازمان‌های گردشگری و مردم عادی، دو گروه از عناصری هستند که گردشگران در شهر تبریز با آن‌ها سروکار دارند. استفاده از راهنمای تور تعلیم نیافته، می‌تواند لطمه‌های جبران‌ناپذیری بر مقصد گردشگری وارد کند، چراکه راهنمای گردشگری به‌عنوان پل ارتباطی میان فرهنگ‌ها است. در عرصه تورگردانی، با آموزش تخصصی راهنمایان و نظارت دقیق بر تورها می‌توان مشکلات مربوط را حل کرد. گردشگر در طول سفر خود تنها با راهنمای تور سر و کار ندارد بلکه از لحظه ی ورود به فرودگاه و روبرو شدن با کنترل‌کننده ی روادید تا لحظه ی خروج با افراد مسوول و مردمان عادی نیز روبرو می‌شود. مسوولان فرودگاه، راهنمای تور، راننده ی وسایل نقلیه، راهنمای دفتر اطلاع رسانی، راهنمای محلی، راهنمای موزه، مدیر تور، مهماندار قطار و هواپیما، فروشندگان و مردم عادی از جمله افرادی هستند که یک گردشگر در مدت حضور خود در کشور میزبان، با آنها رو به رو می‌شود. در این صورت رفتار تمامی این افراد نقش تعیین‌کننده یی در میزان رضایت گردشگر دارد. هر یک از افرادی که گردشگر در مسیر سفر خود با آنها روبرو می‌شود، به عنوان نماینده ی «فرهنگ ایرانی» هستند. از طرفی دیگر، مردم شهر تبریز میهمان‌نواز شناخته‌شده‌اند اما باین‌وجود،

کاستی‌هایی وجود دارد که برطرف کردن آن‌ها ابتدا نیازمند شناسایی است. دریافت مبلغی چند برابر کرایه معمول تاکسی، با این تصور که گردشگر از میزان مبلغ آن بی‌خبر است، آثار نامطلوبی به دنبال دارد. هر گردشگر قبل از سفر به مقصد، در خصوص تمام هزینه‌ها اطلاعاتی جمع‌آوری می‌کند و در صورتی که مورد سوءاستفاده‌های مالی قرار گیرد و یا بر اساس آنچه پرداخت می‌کند، خدمات شایسته‌ای دریافت نکند، تبلیغات منفی فراوانی را پس از سفر، برای مقصد گردشگری پدید می‌آورد. شایسته است هر یک از ما، به‌عنوان نماینده فرهنگ ایرانی، با برخورد صحیح با گردشگران، از ترویج تبلیغات منفی علیه کشورمان جلوگیری کنیم و راه را برای توسعه ی گردشگری هموارسازیم.

### مدیریت واحد شهری

برای مدیریت مناسب و منظم هر مجموعه‌ای نیاز به یک متولی است، متولی‌ای که با شناخت خوب و کافی از نقاط قوت و ضعف مجموعه خود بتواند راهکارهایی را برای برطرف شدن این نقیصه داشته و درنهایت عواقب مثبت و منفی کارهای خود را بپذیرد. مدیریت واحد شهری به معنی برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت بر کلیه امور شهری از قبیل خدمات و زیرساخت‌های شهری از طریق یک مرجع (شهرداری) می‌باشد. هدف اصلی در خصوص مدیریت واحد شهری ایجاد هماهنگی در فعالیت‌های اجرایی و شهری، بین نهادهای اجرایی و جلوگیری از دوباره‌کاری، اسراف و سردرگمی و ... است. یکی از مشکلات شهر تبریز در رویداد تبریز ۲۰۱۸، ناهماهنگی میان ارگان‌ها و نهادهای تصمیم‌گیر در این رابطه است. از زمانی که انتخاب شهر تبریز به‌عنوان پایتخت گردشگری کشورهای جهان اسلام به مردم و مسئولین شهر تبریز اعلام گردید تا به امروز کارگروه‌ها، نشست‌ها و هم‌اندیشی‌های مختلفی برگزار شده است که همه این موارد منتج به یک تصمیم عملی و اجرایی نشده و مردم شاهد تغییر و تحول محسوسی در سطح شهر در این رابطه نبوده‌اند.

علت عدم هماهنگی سازمان‌ها و نهادهای مربوط به رویداد تبریز ۲۰۱۸ چیست؟ آیا این موضوع بیانگر نیاز شهر به مدیریت واحد شهری نیست؟

آیا در یک رویداد بین‌المللی که توانمندی‌ها و وجهه شهر را محک می‌زند، این معضلات قابل‌قبول است؟ اتخاذ تصمیم در مورد گردشگری، به‌ویژه گردشگری شهری نیازمند همکاری تمامی نهادهای شهری در این زمینه است. چراکه گردشگران شهری و نیازهای آن‌ها جدای از مردم محلی نبوده و در خیلی از موارد مشترک هستند. در حقیقت به‌منظور رسیدن به یک تصمیم واحد و قابل‌اجرا در خصوص گردشگری شهری، به تبعیت از خود شهر، ما نیازمند مدیریت واحد شهری هستیم. هدف اصلی در خصوص مدیریت واحد شهری ایجاد هماهنگی در فعالیت‌های اجرایی و شهری، بین نهادهای اجرایی و جلوگیری از دوباره‌کاری، اسراف و سردرگمی و ... است. درواقع باتجربه فعالیت چند سال گذشته شوراهای و به‌تبع آن شهرداری‌ها مشخص شد که شهر را نمی‌توان با قوانین و ساختار موجود اداره کرد. درواقع عده‌ای که معتقد بودند با تشکیل شوراهای بسیاری از مشکلات شهر برطرف می‌شود به این نکته واقف شدند که حل مشکلات تنها به‌وسیله شوراهای و شهرداری‌ها غیرممکن است چراکه شوراهای و شهرداری‌ها برای انجام کوچک‌ترین فعالیت‌ها و عمل کردن مصوبات نیازمند همکاری بسیاری از سازمان‌ها، نهادها و ادارات دیگر هستند که در صورت مخالفت و عدم همکاری به معنای واقعی می‌توان گفت کار شهرداری مختل و به‌تبع آن موجب ایراد خسارت به شهروندان خواهد شد. چیزی که عیناً در مورد مدیریت رویداد تبریز ۲۰۱۸ مشاهده می‌شود. از این‌رو بحث مدیریت واحد شهری و نقش آن در ابعاد مختلف گردشگری شهری از بحث‌های مهمی است که می‌تواند شهرها را در رسیدن به توسعه گردشگری متوازن یاری رساند.



## مدیریت بحران برف و یخبندان



بهناز السادات واعظ مدنی  
کارشناس ارشد محیط زیست

سرد سال «استفاده از مخلوط نمک، شن و ماسه» که یکی از روشهای سنتی و بظاهر ساده می باشد در کلانشهر تبریز صورت می گیرد. استفاده بی رویه چنین ترکیباتی طی سالهای گذشته در سطح شهر، سبب وارد شدن صدمات جدی و متعددی به محیط زیست شده و به تبع آن خسارات مالی جبران ناپذیری را به ساختار شهری وارد کرده است. این آسیبها شامل شور شدن آبهای سطحی و زیرزمینی، آلودگی آب، آلودگی خاک، تخریب بافت خاک، پخش شدن ذرات ماسه در هوا، آلودگی هوا، نابودی فضای سبز، آسیب رساندن به درختان کنار معابر و پوشش چمن، تخریب روسازها از جمله آسفالت، بتون، سنگ فرشها، اینبه تاریخی و ... می باشد. نکته دیگری که باید به آن توجه کرد این است که استفاده از نمک در دمای سردتر از منفی ۶ درجه پاسخگو نخواهد بود؛ یعنی با وجود مضرات استفاده از حجم بالایی از نمک، باز هم در دماهای پایین این روش کارایی خاصی ندارد.

این در حالی است که روش فوق هم اکنون در بسیاری از کشورهای دنیا از رونق افتاده و مسئولان شهری با روشهای بهروزتر و البته کارآمدتری خیابانها و معابر یخ زده را در فصل زمستان مدیریت می نمایند. روشهایی که شاید به نظر، هزینه بر بودن آنها تا به حال مانع اجرایی شدن آنها شده است. ولی اگر موضوع بطور علمی و دقیق بررسی شود خسارات ناشی از نمک پاشی خیابانها در فصول سرد بر محیط زیست شهری و تحمیل هزینه های دیگر معنی دار خواهد بود. هرچند شهر ما به طور جدی فقط حدود سه ماه از سال با مشکل بارش برف و باران و یخ زدگی و لغزندگی معابر و خیابانها دست به گریبان است، اما معلوم نیست تا چه زمانی باید به بهانه هزینه بر بودن، صرفاً به روش نمک پاشی اکتفا کرده و گزینه های دیگر را حذف کنیم. کارشناسان مسائل شهری همچنان معتقدند اگر بتدریج به سمت استفاده از روشهای بهروز، کارآمد و البته کم خطر برای یخ زدایی پیش نرویم در آینده ای نه چندان دور استفاده مستمر از روش نمک پاشی پیامدهای مخرب خود را در محیط زیست شهری نشان خواهد داد، صدماتی که جبران آن شاید برای فعالان زیست محیطی و مسئولان شهری تا سالها غیر قابل جبران باشد.

### بررسی صدمات و عوارض زیست محیطی روش نمک پاشی \* اثرات نمک پاشی بر روی گیاهان

نمک از شاخه ها، برگها و از ریشه ها جذب درختان می شود. میزان صدمات وارده از نمک به گیاهان نسبت به گونه های مختلف متفاوت است. بعضی از گیاهان برای مقابله با نمک راههای مختلفی را انتخاب می کنند. وجود نمک در خاک باعث تغییر فشار اسمزی محلول خاک شده و با زیاد شدن این فشار، ریشه گیاهان به سختی قادر خواهند بود که آب و مواد غذایی را جذب کنند. افزایش نمک باعث اختلال در

برف و باران یکی از زیباترین نعمت های خداوند است، که اگر برنامه جامع و مدون برای مقابله با آن موجود نباشد، همین نعمت ممکن است به یک بحران تبدیل شود. تجارب متعددی در کشور ما نشان می دهد که چگونه بارش برف، زندگی یک شهر را مختل کرده و یک وضعیت بحرانی را بوجود آورده است. مع الوصف برف و یخبندان هر ساله مشکلات زیادی را به پیکره های شهرها، شهروندان و نهادهای شهری وارد می کند. در این راستا تدوین برنامه ی ویژه زمستانی و اجرای آن ضرورت دارد. مشکلات ناشی از عدم مدیریت صحیح و اصولی بحرانهای برفی و یخ زدگی



\* این مشکلات، اثرات منفی و هزینه های زیادی را در بر دارد و منجر به پیامدهای زیر می شود:



در حال حاضر برای رفع مشکل یخ بندان و جلوگیری از لغزندگی معابر در فصول



شوری خاک.

- ایجاد سیلاب در هنگام بارندگی به سبب نفوذ کم در زمین های شور سدیمی.  
- احتمال بالا رفتن درصد واکاری نهال در روفیوژهای مجاور خیابانهایی که نمک پاشی زیاد انجام گرفته و تحمیل هزینه.  
- در خاکهایی که سدیم زیاد است (بعلت آزاد شدن و افزایش غلظت سدیم، PH خاک ۸/۵ یا بیشتر می باشد. که در این حالت کمبود برخی از عناصر کم مصرف مانند Zn, Fe, Mn, Cu و ... در خاک بروز می کند که بر رشد گیاه اثر منفی می گذارد.  
- غلظت بالای سدیم به ریشه های گیاه صدمه می زند و تأثیر سوئی بر رشد گیاه دارد.

- سمیت فسفر در محیط کشت شور بروز نموده حال آنکه در همان سطح فسفر در محیط غیر شور چنین سمیتی دیده نشده است.  
- با تجمع نمکها در خاک، فشار اسمزی محلول خاک افزایش خواهد یافت. چنین واکنشی باعث کاهش فیزیولوژیکی عناصر غذایی و آب برای گیاه خواهد شد. به عبارت دیگر با افزایش شوری، جذب آب و عناصر غذایی توسط ریشه نباتات (درخت، درختچه و علفی) با دشواری بیش تری صورت می گیرد. و نتیجه این کار پسروری فضای سبز و ... را به دنبال خواهد داشت.  
- شوری خاک همچنین فعالیت میکروارگانیسم های خاک را نیز تحت تاثیر قرار می دهد. چنانچه مقدار نمک در خاک به ۳ درصد افزایش یابد، فعالیت میکروارگانیسم ها به طور کلی متوقف می شود.

#### \* اثرات نمک پاشی بر روی سیستم آبیاری زیرزمینی

جمع برفی که نمک پاشی شده موجب انباشتگی مقدار نمک در امتداد راهها و جادهها خصوصاً شانه های جادهها خواهد شد. سپس ذرات نمک که بوسیله آبیاری روان حمل شده اند نهایتاً وارد آبیاری زیرزمینی می شوند. و موجب ایجاد حالت قلیایی و حتی شور شدن منابع آب های زیرزمینی نظیر چاهها، چشمه ها و قنوات می گردد.

#### \* اثرات نمک پاشی بر هوای محیط شهری

یکی از عوامل حیاتی در بقای موجودات زنده سلامت هواست که بدون آن فعالیت های حیاتی مختل می شود. از این رو استنشاق هوای پاک و تمیز و هر آنچه که از طریق تنفس وارد بدن می شود، اهمیت زیادی دارد بنا براین با استفاده از روش نمک پاشی معابر و خیابانها با افزایش دما، نمک به نحوی وارد هوا شده و ذرات ریز نمکی، شن و ماسه می توانند به اعماق بیشتر و نواحی حساس مجرای تنفسی و ریه نفوذ کنند و آسیب های جبران ناپذیری به دستگاه تنفسی وارد کنند. همچنین ممکن است واکنش های آلرژیک را نیز ایجاد نماید.

#### \* اثرات نمک پاشی نمکی بر روی آسفالت، بتن و سازه های راه

ترکیبات نمکی با ایجاد خاصیت الکترولیت در آب، شکسته شدن آسفالت را تسریع می کنند و افزودن شن در این شرایط موجب افزایش اصطکاک مکانیکی لاستیک ماشینها و سطوح آسفالت شده و نهایتاً باعث زدودن سطح آسفالت می شود. همانطوری که می دانیم ترکیبات نمک متشکل از یونهای کلرید با بار منفی و کاتیونها با بار مثبت می باشد. لذا وجود کلرید آزاد در بتن می تواند به لایه حفاظتی غیرفعال که در اطراف آرماتورها قرار دارد آسیب وارد نموده و آن را از بین ببرد همچنین محلول های کلرید سدیم باعث ایجاد خوردگی بر فلزات پایه همچون آهن و فولاد می گردند و میزان خوردگی در حضور اکسیژن افزایش می یابد.

#### \* اثرات نمک پاشی نمکی بر عملکرد خط کشی، ایمنی راه ها و خودروها

از علل عمده ترک خوردگی رنگها و پوشش های ترافیکی وجود ترکهای

فعالیت های متابولیکی گیاهان می شود. البته تأثیر سمی؛ یون کلر بر روی گیاهان هنوز کاملاً مشخص نیست و نظرات مختلفی وجود دارد. برخی معتقدند که تجمع کلراید مانع متابولیسم آمینو اسیدها و کربو هیدراتها می شود ولی وجود سدیم در خاک در صورت تجاوز از حد معینی باعث اختلالاتی در فعالیت های متابولیکی گیاهان می شود. ضمناً اثرات سوئی نیز در خاک می گذارد. به این ترتیب که تعادل بین یون سدیم داخل غشا و پتاسیم بیرون آن برهم خورده و از جذب پتاسیم و سایر مواد ضروری خاک از طریق ریشه و انتقال آن به گیاه جلوگیری می نماید. همچنین فعالیت های میکرو ارگانیسم ها را نیز در خاک کاهش می دهد. فقط بخشی از نمک جذب شده به وسیله برگها در اثر ریزش دوباره به خاک بر می گردد، بخش اعظم آن در تنه، شاخه و ریشه ذخیره شده و در تابستان، به وسیله تعریق به سطح برگها انتقال می یابد. یعنی نمک پاشی در زمستان باعث جذب نمک به وسیله ریشه ها در تابستان شده و به برگها منتقل می شود. با ریزش ناهنگام برگها دوباره نمک به زمین بر می گردد. در یک دوره رویشی مقدار کلر ۲۰ تا ۳۰ بار بیشتر (در لیتر) در اثر شسته شدن به وسیله باران به خاک انتقال یافته و جذب ریشه شده و دو مرتبه وارد چرخه می شود. ولی عملاً شسته شدن نمک در طبقات عمقی خاک زیاد مقدور نمی باشد.

علامت آسیب ناشی از نمک پاشی بر روی درختان و درختچه ها عبارتند از:

- تأخیر در جوانه زدن برگها در ابتدای فصل رویش.
- کوچک شدن بیشتر از حد متعارف برگها.
- نکرور برگها در حاشیه و لبه برگها به صورت قهوه ای.
- ریزش برگها.
- خشک شدن جوانه ها.
- خشک شدن شاخه ها، کل درخت، درختچه و نباتات علفی در مواردی که غلظت نمک در خاک بالا باشد.

- تهاجم آفات و امراض.

#### \* نمک پاشی و ایجاد رواناب

یکی از مشکلات نمک پاشی، ایجاد روانابهایی است که بعد از نمک پاشی به شکل آب نمک بر عرصه های فضای سبز جاری می شوند، شایان ذکر است؛ علاوه بر این رواناب های شور، در بستر عرصه های خاکی نیز نفوذ کرده و میزان شوری آنرا را افزایش می دهد و به تبع آن میزان رویش را کاهش می دهد. و زندگی گیاه را تهدید می کند در اینجا به اختصار به عوارض افزایش نمک (کلرید سدیم) در خاکهای فضای سبز، زراعی و باغی اشاره می گردد:

برای کاهش عوارض نمک پاشی در خاکهای فضای سبز مجبور به استفاده از مقدار بیشتر آب آبیاری به منظور رقیق کردن محیط و یا شستشوی نمک از محیط جوانه زنی بذر و ریشه درختان، درختچه و نباتات علفی فضای سبز می باشیم این درحالی است که فضای سبز با کمبود جدی آب مواجه بوده و هزینه های آن بسیار بالا است.

#### \* اثرات نمک پاشی بر روی خاکهای فضای سبز، زراعی و باغی

نتایج آزمایشات و تحقیقات نشان می دهد در خاکهای سدیمی کاتیون سدیم با قرار گرفتن در محل های تبدالی رسها؛ در صورت شستشو از طریق آبیاری منجر به آماس رسها و در نهایت تخریب خاکدانه ها می شود. در ادامه این فرآیند، هم آواری و انعقاد جای خود را به پخشیدگی و پراکندگی می دهد. هم چنین وجود سدیم بالا سبب تخریب ساختمان خاک، کاهش نفوذپذیری و کاهش سرعت حرکت آب در خاک، افزایش رواناب سطحی، پایین آمدن کاربری اراضی، کم شدن تهویه و در نهایت سبب خسارت بر درختان، درختچه و نباتات علفی، کاهش عملکرد محصولات زراعی و اثرات سوء زیست محیطی می گردد.

تبعات تخریب ساختمان خاک و کاهش نفوذپذیری در راستای نمک پاشی به شرح زیر می باشد:

- ایجاد سله بعلت تخریب ساختمان خاک با تکرار نمک پاشی و در نتیجه افزایش عوارض آن.
- ایجاد اختلال در سبز شدن بذر نباتات و گلهای فضای سبز.
- مقاومت در خروج زه آب یا آبیاری اضافی در هنگام آبیاری و بارندگی.
- با عبور و مرور وسایل نقلیه آب نمک موجود در سطح خیابانها به اطراف پاشیده و خصوصاً به باند سبز میانه بزرگراهها آسیب می رساند. در این حالت آب نمک، هم به اندام های هوایی گیاه صدمه میزند و هم از طریق شور نمودن خاک، ریشه را مسموم می سازد.
- کمک به بروز بیماری ریشه در گیاهان حساس، به سبب ماندگاری رطوبت زیاد و طولانی مدت بعد از آبیاری.
- مصرف بیش از حد بذر بعلت شرایط نامساعد فیزیکی خاک و همچنین



یخ زدا می شود از نکات ضروری و حائز اهمیت می باشد. در این میان پخش مواد یخ زدا با کامیون و یا ماشینهای کوچک و حداقل توسط ۲ کارگر توصیه می شود زیرا این اقدام باعث پخش یکنواخت تر مواد یخ زدا در خیابان می گردد.

\* ارسال اطلاعات روزانه هواشناسی به مناطق شهرداری یکی از مسائل مهم و تعیین کننده در نگهداری راه های شهری و برف زدایی، توجه به پیش بینی دما و اطلاعات

هواشناسی می باشد که می توان با استفاده از این اطلاعات به میزان بارش برف، عمق برف، دمای هوا و سایر اطلاعات پی برد. در این راستا ارسال اطلاعات روزانه هواشناسی به شهرداری های مناطق ۱۰ گانه کلانشهر از طریق دوربینگر ضروری است. همچنین باید وضع عبور و مرور و شرایط جوی مرتباً در فواصل زمانی کوتاه از طریق رادیو و تلویزیون محلی به اطلاع شهروندان برسد تا در مواقع لزوم تجهیزات زمستانی مناسب را به همراه داشته باشند.

\* خریداری ماشین آلات برف روبی مدرن (مکنده و دمنده)  
\* نظارت مستمر جهت عدم آب گرفتگی جوی های کنار خیابان و معابر  
\* برنامه ریزی در راستای اولویت بندی شبکه های ارتباطی داخل شهری جهت برف روبی مانند الویت در:

- (الف) بزرگراه ها
  - (ب) راه های مهم رفت و آمد منطقه ای
  - (ج) راه های رفت و آمد روز مره و عبور برنامه ای اتوبوس
  - (د) راه های رفت و آمد اتوبوس مدارس
- \* ضرورت استفاده از ماده یخ زداي دوستدار محیط زیست

#### ماده یخ زداي دوستدار محیط زیست

##### استات منیزیم کلسیم (C.M.A)

C.M.A نمک مضاعفی به شکل دانه های نسبتاً کروی به فرمول ( $\text{CH}_3\text{COO}$ )  $\text{CaMg}_4$ ، یک ماده ی منحصر بفرد از منظر زیست محیطی در حوزه مدیریت شهری است که برای اولین بار اداره بزرگراههای آمریکا آن را در سال ۱۹۸۰ به عنوان جایگزینی برای نمک معرفی کرده است. C.M.A با ترکیب دانه های برف از یخ زدگی جاده ها جلوگیری می کند. این ماده به دلیل خوردگی کمتر و آثار مخرب زیست محیطی کمتر، در موقعیت های خاصی چون پل ها، سازه های حساس و نواحی حساس زیست محیطی که ممکن است صدمه بالقوه نمک و سایر کلریدها نوعی مشکل به شمار رود استفاده می شود.

#### بررسی اثرات زیست محیطی C.M.A

##### تجزیه حیاتی

C.M.A به یون های کلسیم، منیزیم و استات تجزیه می شود. استات می تواند توسط باکتری ها تجزیه گردد.

##### ساختار و ترکیب شیمیایی خاک

یون های سدیم ( $\text{Mg}^{2+}$ )، ( $\text{Na}^+$ ) و ( $\text{Ca}^{2+}$ ) بر ساختار خاک تأثیر می گذارند؛ یون سدیم موجب کاهش نفوذپذیری خاک می گردد، در حالی که یون کلسیم و منیزیم این نفوذ پذیری را افزایش می دهند. نفوذپذیری بیشتر، سبب بالا رفتن نفوذ اکسیژن، گاز کربنیک و آب، به داخل خاک می شود. آزمایش هایی که با C.M.A صورت گرفته، نشان می دهد که این ماده در غلظت پایین، رشد نباتات را سرعت می بخشد، ولی C.M.A مصرف در غلظت های بالا، رشد را به تأخیر می اندازد.

پاشیدن C.M.A روی برگ ها، هیچ گونه ضایعه ای را به وجود نمی آورد.

زنگ زدن (خورده شدن فولاد)

تجربه نشان می دهد که اثر خوردگی C.M.A ۲ تا ۵ برابر کمتر از نمک و اندکی کمتر از آب خالص است. اثر C.M.A بر بتن ساده، میلگرد فولادی و سایر مصالح مورد استفاده در تولید وسائل نقلیه و ساختن راهها از جمله آلومینیوم، قیر، پلاستیک، الاستومرها، سرامیک، چوب، رنگ، لاستیک و مواد ضد زنگ بررسی شده، C.M.A بر اغلب این مواد، بی اثر بوده و یا آثار ظاهر شده به میزان قابل ملاحظه ای کمتر از اثرات حاصل از نمک بوده است.

بدینوسیله اقداماتی جهت تهیه و یا تولید ماده یخ زداي استات منیزیم کلسیم (C.M.A)، به عنوان جایگزین نمک در کلانشهر تبریز پیشنهاد می گردد؛ ولی از آنجا که میزان مصرف این ماده نسبت به سایر مواد یخ زدا به عوامل مختلفی چون شرایط آب و هوایی، میزان برف های جمع شده در سطح خیابان ها، تجربه و مهارت نیروی انسانی و ... بستگی دارد، لذا انجام پژوهش های جامع و علمی در راستای مدیریت بحرانهای برف و یخبندان ضرورتی انکار ناپذیر دارد.

مختلف در سطح آسفالت می باشد. زیرا به مرور زمان و تحت تاثیر شرایط مختلف دمایی، انقباض و انبساط ناشی از ترکهای موجود در سطح آسفالت به پوششهای ترافیکی نیز منتقل شده و باعث ترک خوردگی و جدا شدن آنها از سطوح اجراء می گردد. ترکیب نمک و آب و پخش آن در اثر عبور ماشینها بر سطوح رنگ شده باعث می شود که این ذرات اتصال رنگ با سطح آسفالت را کم کند و رنگ براحتی از روی سطح جدا شود. ضمناً فشار چرخ های ماشین بر ذرات شن باعث افزایش فشار وارده بر رنگ شده و جدا شدن رنگ از سطح آسفالت را تشدید می کند. لذا میزان آسیب پذیری پوششهای ترافیکی در هنگام استفاده از مخلوط نمک و شن جهت یخزدایی معابر شدت بیشتری می گیرد. افزودن شن همراه با ترکیبات نمک جهت یخزدایی موجب افزایش اصطکاک مکانیکی لاستیک ماشینها با سطح آسفالت می شود. به موجب سایش ناشی از این اصطکاک، سطح لاستیک نیز تخریب می گردد.

#### روشهای مورد استفاده برای یخ زدایی در کشورهای پیشرفته و راهکارهای مدیریتی

##### کشور ژاپن

روشهای بدیعی برای یخ زدایی معابر در کشور ژاپن استفاده می کنند:  
- استفاده از برق برای گرم کردن سطح جاده ها و یخ زدایی در مناطق برون شهری.

- استفاده از آبهای زیر زمینی حاوی املاح نمکهای مختلف.

- استفاده از مخزن ذوب برف.

- استفاده از کانالهای زیرزمینی ویژه انتقال برف در دو طرف خیابان.

##### کشور کانادا

تورنتو در سال ۲۰۰۱ بعنوان اولین شهردار کانادا برنامه مدیریت نمک را توسعه و اجرا نمود. تکنیک های پیش مرطوب سازی و پیشگیری از یخ زدگی را معرفی نمود، و سیستم های اطلاعات آب و هوایی جاده ها (RWIS) را در سرتاسر این شهر نصب نمود. در نتیجه بیش از یک میلیون دلار صرفه جویی در هزینه ها طی زمستان ۲۰۰۱ انجام شد.

در ونکوور استراتژی نگهداری زمستانه، بر مبنای استفاده از یک ترکیب ۵۰/۵۰ درصدی از نمک و شن در سالهای قبل بود ولی با استفاده از محلول کلرید منیزیم موفق به کاهش ۶۴٪ در میزان استفاده از نمک و ۷۳٪ کاهش در کلرایدهای منتشر شده به محیط زیست گردید.

در اکثر نقاط انتاریو جایگزین نمودن استات منیزیم کلسیم (CMA) با نمک باعث افزایش قابل توجه سطح سرویس دهی شده است.

##### کشور نروژ

در نروژ بجای نمک خشک یا از پیش مرطوب شده از محلول نمکی استفاده می شود که نتایج بسیار مثبتی را به همراه داشته است.

##### کشور سوئد

در سوئد نیز پخش نمودن نمک پیش مرطوب شده یا محلول نمکی یک تکنیک کاملاً شناخته شده است که عمدتاً نتایج مثبتی را با خود به همراه داشته است. بطور کلی در سالهای اخیر، روشهای پیشگیری از یخ زدگی و روش از قبل مرطوب سازی به تدریج پذیرفته شده اند و توسط آژانسهای بزرگراه آمریکای شمالی مورد استفاده قرار می گیرد؛ و در کشورهای دانمارک، انگلستان و آلمان نیز در حال افزایش است.

#### راهکارهای مدیریتی:

\* انتقال برف و یخ به خارج از راه

انباشته شدن برف و یخ روی شانه های راه صحیح نیست و حتی الامکان باید برف و یخ به خارج از راه منتقل گردد زیرا یخ و برف موجود روی شانه راه در طول روز ذوب شده و آب، سطح سواره رو را مرطوب ساخته و با پائین آمدن دمای محیط، آب موجود در سطح راه منجمد شده و معمولاً یک لایه نازک یخ بوجود می آید که خطراتی را برای ترددکنندگان بدنبال خواهد داشت.

\* استفاده از نمک مرطوب

در درجه حرارت پائین ترجیح داده می شود که از نمک مرطوب بویژه کلرورکلسیم ( $\text{CaCl}_2$ ) که قبلاً مرطوب

شده استفاده نمود. (مرطوب بودن نمک باعث می شود که ذوب یخ و برف سریع تر انجام شود.)

\* پخش یکنواخت مواد یخ زدا

توجه به استفاده از ماشین آلات مخصوص که موجب یکنواختی در پخش مواد

آرم و لوگوی ۵۰۰ شرکت برتر حاضر در چهارمین دوره طرح ایران تک  
(برترین شرکت های منطقه شمالغرب) - مهر ماه ۱۳۹۵



خروف یکبار مصرف کباب



آرد بهاران



بزم تیز



کامپانته کی آذینان



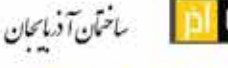
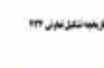
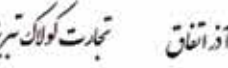
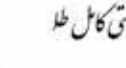
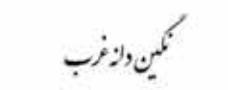
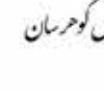
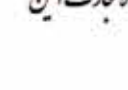
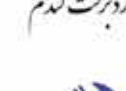
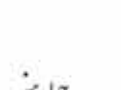
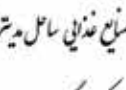
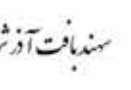
پلیمر کار ایرانین



نکین کام یارس



آذین پلاست راضی









شرکت برتر در طرح ایران تک



شرکت نمونه کیفی سازمان ملی استاندارد



تولید کننده  
قیر و عایق‌های رطوبتی



**AzarBam**

شرکت آذر بام عایق کار

☎ ۰۴۱-۳۴۲۴۹۲۲۱-۷

[www.azarbam.com](http://www.azarbam.com)



شرکت بنیاد بتن آذرآبادگان

# شرکت بنیاد بتن آذرآبادگان

وابسته به بنیاد مسکن انقلاب اسلامی



## دریافت تندیس چهارمین دوره همایش ایران تک



تولیدکننده: بتن آماده، جدول، کفپوش، خرپا و تیرچه صنعتی  
بلوک چهار جداره و انواع قطعات بتنی - شن و ماسه مخصوص بتن

دارنده علامت استاندارد ملی ایران برای کلیه محصولات

تلفن دفتر فروش: ۰۲۱-۳۶۵۸۰۳۱۱-۱۲



درجه اعتبار: عالی



درجه اعتبار: عالی



درجه اعتبار: عالی



درجه اعتبار: عالی

[www.bonyadbeton-az.ir](http://www.bonyadbeton-az.ir)  
[info@bonyadbeton-az.ir](mailto:info@bonyadbeton-az.ir)



Payvar Sanat  
Tabriz

گروه صنعتی  
**درب معتقد**  
MOTAGHED



فکس : ۰۴۱ - ۳۶۳۷۴۳۷۳

تلفن : ۰۴۱ - ۳۶۳۷۹۲۵۹

دفتر تبریز : میدان بسیج ، نرسیده به شهرک مرزداران پلاک ۲۰

فکس : ۰۲۱ - ۴۴۶۰۹۲۰۵

تلفن : ۰۲۱ - ۴۴۶۲۷۶۹۲

دفتر تهران : اتوبان همت ، خیابان سردار جنگل - ساختمان آسمان سردار

فکس : ۰۴۱ - ۳۲۸۶۵۲۳۷

تلفن : ۰۴۱ - ۳۲۸۹۹۰۷۱

کارخانه ۱ ( درب داخلی ) : جاده تبریز - مرند ، جنب سه راهی میان

کارخانه ۲ ( درب ضد سرقت ) : جاده تبریز - صوفیان ، شهرک سرمایه گذاری خارجی ، خیابان اروپا جنب سه راهی اپک

فکس : ۰۴۱ - ۳۲۴۶۶۵۱۸

تلفن : ۰۴۱ - ۳۲۴۶۶۵۰۳ - ۹



info@darbmotaghed.com

www.darbmotaghed.com







سازمان مدیریت صنعتی

نماینده گمی آذربایجان شرقی

www.imiazar.ir

# Mini MBA

## بازاریابی (Marketing)

مدیریت و برنامه ریزی استراتژیک بازاریابی

تحقیقات بازاریابی

رفتار مصرف کننده

تقسیم بازار و تعیین بازارهای هدف

استراتژی محصول با رویکرد مدیریت در بازار

بازاریابی خدمات

۴,۰۰۰,۰۰۰ ریال

۴۰ ساعت

## مدیریت استراتژیک

رهبری استراتژیک کسب و کار

تفکر استراتژیک

فرایند مدیریت استراتژیک

تحلیل های محیطی

انتخاب استراتژیک

تحلیل و انتخاب و اجرای استراتژی

۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال

۴۸ ساعت

زنجان

۰۲۴-۳۳۴۴۰۹۸۷

اردبیل

۰۴۵-۳۳۷۴۹۳۱۴

ارومیه

۰۴۴-۳۳۴۶۶۱۵۰

تبریز

۰۴۱-۳۳۳۷۹۹۵۵-۸



سازمان مدیریت صنعتی

نماینده گمی آذربایجان شرقی

دفتر آموزشهای تخصصی

# مدیریت پروژه بر اساس استاندارد PMBOK

Specialized courses on Project Management PMBOK standard

محتوای دوره:

فصل اول : چهارچوب مدیریت پروژه

فصل دوم : چرخه حیات پروژه و فرآیندهای مدیریت پروژه

فصل سوم : مدیریت یکپارچی پروژه

فصل چهارم : مدیریت محدوده پروژه

فصل پنجم : مدیریت زمان پروژه

فصل ششم : مدیریت هزینه پروژه

فصل هفتم : مدیریت کیفیت پروژه

فصل هشتم : مدیریت منابع انسانی پروژه

فصل نهم : مدیریت ارتباطات پروژه

فصل دهم : مدیریت ریسک پروژه

فصل یازدهم : مدیریت برون سپاری پروژه

فصل دوازدهم : مدیریت ذینفعان پروژه

مدت دوره : ۵۰ ساعت

زنجان

۰۲۴-۳۳۴۴۰۹۸۷

اردبیل

۰۴۵-۳۳۷۴۹۳۱۴

ارومیه

۰۴۴-۳۳۴۶۶۱۵۰

تبریز

۰۴۱-۳۳۳۷۹۹۵۵-۸





سازمان مدیریت صنعتی

نمایندگی آذربایجان شرقی

دفتر آموزشهای تخصصی

سمینار

# گشایش اعتبارات اسنادی L/C (پیشرفته)

## و روش های پرداخت بر مبنای UCP600

سخنران: دکتر علیرضا راشدی اشرفی

سخنران:



- بیش از ۳۰ سال تجربه در امور بازرگانی حقوق تجارت و امور گمرکی
- متخصص و مشاور امور حقوق بازرگانی بین الملل ، خرید سفارشات خارجی و گمرکی
- کارشناس رسمی دادگستری
- مدرس دانشگاه تهران ، صنعتی شریف ، علامه طباطبایی ، اتاق بازرگانی
- مولف چندین کتاب در زمینه بازرگانی خارجی و گمرک و حقوق تجارت

### مخاطبین سمینار

- مدیران و کارشناسان بانک ها و موسسات مالی و اعتباری
- مدیران بازرگانی، کارشناسان بازرگانی خارجی و گمرکی شرکت ها، موسسات دولتی و خصوصی
- تجار، بازرگانان، واردکنندگان و صادرکنندگان کالا
- کارشناسان و کارکنان موسسات حمل و نقل
- کارشناسان و ارزیابان گمرک، کارگزاران و حق العمل کاران گمرکی، ترخیص کاران

### سرفصل سخنرانی:

- شناسایی روشهای پرداخت در تجارت بین المللی
- آشنایی با روشهای گشایش اعتبارات اسنادی
- اعتبار سنجی مشتری جهت تعیین وثایق
- مدارک لازم جهت گشایش اعتبارات اسنادی
- آشنایی با انواع ضمانت نامه ارزی
- انواع حواله های ارزی
- پرسش و پاسخ

زمان: ۲۶ بهمن ۹۵

هزینه ثبت نام: ۱.۳۰۰.۰۰۰ ریال (شامل گواهینامه دوزبانه، اسلایدهای آموزشی، پذیرایی میان وعده و ...)

شماره حساب: جاری ۹۷۱۷/۱۴ نزد بانک سپه شعبه ۲۹ بهمن تبریز بنام سازمان مدیریت صنعتی تام آذربایجان

شماره کارت: ۵۶۹۰-۴۵۶۳-۱۰۱۱-۵۸۹۲ نزد بانک سپه بنام شرکت مدیریت صنعتی تام آذربایجان

نمابر: ۳۳۳۷۹۹۵۹

۳۳۳۷۹۹۵۵-۵۹

نمابر: ۳۳۲۹۷۶۴۶

۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳

imi.azar

www.imiazar.ir

https://telegram.me/imiazar

آدرس: آبرسان - جنب هتل تبریز- کوی پناهی - دفتر آموزش های تخصصی سازمان مدیریت صنعتی آذربایجان شرقی

آدرس: تبریز، کوی ولیعصر، انتهای خیابان شهریار شمالی، ۲۰ متری صفا، سازمان مدیریت صنعتی آذربایجان شرقی

بدون آزمون

# مرکز علمی کاربردی برتر کشور

در چهارمین جشنواره پژوهش و فناوری صنعت، معدن و تجارت سال ۱۳۹۳



## مرکز آموزش علمی کاربردی سازمان مدیریت صنعتی در مقاطع کاردانی حرفه ای کاردانی فنی و کارشناسی حرفه ای برای سال تحصیلی ۹۵-۹۶ (مهر و بهمن) در رشته های زیر دانشجو می پذیرد



« زیر نظر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری »



### مقطع کارشناسی حرفه ای :

- حسابداری (حسابرسی، مالی، دولتی، خدمات و تولیدات صنعتی)
- مدیریت بیمه (اموال، اشخاص)
- مدیریت گردشگری
- مدیریت تبلیغات تجاری
- مدیریت بورس
- روابط عمومی (رفتار اجتماعی و افکار سنجی، امور رسانه)
- مهندسی فناوری اطلاعات (تجارت الکترونیک)
- مهندسی فناوری شبکه های کامپیوتری



### مقطع کاردانی حرفه ای :

- حسابداری (مالی، دولتی، حسابرسی، مالیاتی، صنعتی)
- مدیریت امور اداری
- مدیریت کسب و کار
- بازرگانی (امور گمرکی)
- امور بورس
- روابط عمومی



### مقطع کاردانی فنی :

- فناوری اطلاعات (اینترنت و شبکه های گسترده)
- نرم افزار (برنامه سازی کامپیوتر)
- شبکه های کامپیوتری

پذیرش دوره ها فقط از طریق سازمان سنجش کشور و براساس معدل کل مندرج در گواهی دیپلم برای مقطع کاردانی و معدل کل مندرج در گواهی نامه کاردانی برای دوره کارشناسی صورت می گیرد. جهت کسب اطلاعات بیشتر، ثبت نام و مشاوره انتخاب رشته با ما تماس حاصل فرمایید.

[www.sanjesh.org](http://www.sanjesh.org)

تبریز-کوی ولیعصر، انتهای شهریار شمالی، ۲۰ متری صفاء، مرکز آموزش علمی کاربردی سازمان مدیریت صنعتی تبریز  
جهت کسب اطلاعات بیشتر و ثبت نام رایگان با شماره ۰۴۱-۳۳۳۳۳۶۰۰ تماس حاصل فرمایید.

[WWW.IMIAZAR.IR](http://WWW.IMIAZAR.IR)

<http://telegram.me/imiazar>